

فروپاشی پنهان:

## کمیود نیروی کار متخصص در صنعت ساخت و ساز

۱۶

سال ۴۳ | مردادماه ۱۴۰۳ | شماره ۴۱۸ دوره جدید ۱۸۸ | قیمت: ۱۰۰۰۰۰۰ ریال



الفبای توسعه و رسیدن  
به چشم انداز آن ۴

واکاوی صادرات خدمات  
فنی و مهندسی به عراق ۱۰

اهمیت شناسایی هزینه و درآمد  
در پروژه های پیمانکاری ۲۴

انتشار جلد پنجم مجموعه پرسش و پاسخ با موضوع

# شرایط عمومی پیمان

(بخش دوم)

جلد ۵

شرایط عمومی پیمان

(بخش دوم)

## مجموعه پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری



هر سوال با پاسخ کارشناسی و رسمی سازمان برنامه همراه بوده و شما می‌توانید با در اختیار داشتن تصاویر آن پاسخ، نسبت به استناد در دعاوی نیز اقدامات لازم را بعمل آورید. امکان مطالعه فهرست این جلد و اطمینان از موضوع ابهام مورد نظر درج شده در

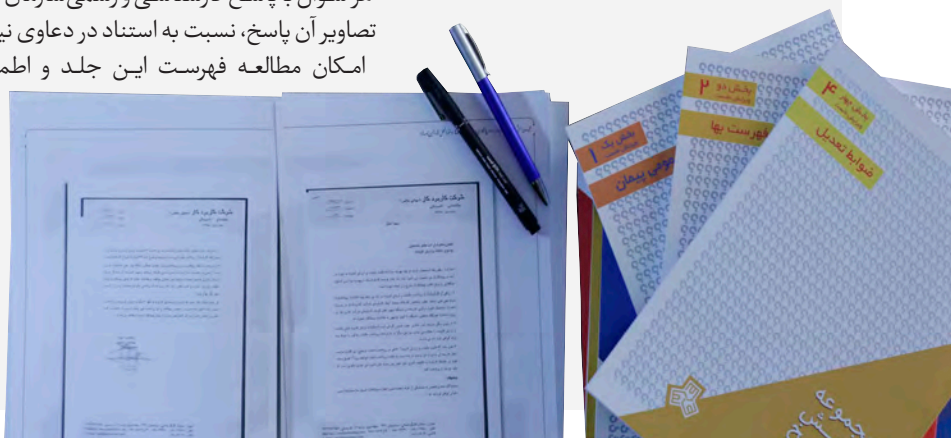
هر جلد از این مجموعه برای تمامی فعالین حوزه صنعت احداث در وبسایت رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران (acco.ir) و همچنین سفارش و تهیه آن یا از طریق سایت یا با شماره‌های ۶۶۴۶۲۶۱ و ۶۶۴۰۲۰۳۷ داخلی ۱۴۰، ۱۴۲ میسر است.

پس از سالها حضور فعال صنفی و به پشتوانه هزاران نفر/ساعت تجربه مهندسی و فعالیت عمرانی اعضا در کشور، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران با توجه به مشکلات پیش روی شرکت‌ها بر آن شد تا با تدوین مجموعه ای کاربردی از ابهامات و مشکلات پیمانکاران در حوزه‌های مختلف که توسط سندیکا و با مکانبات رسمی با سازمان برنامه و بودجه و نظام فنی و اجرایی حل و فصل شده است، سعی در رفع مشکلات مشابه و افزایش دانش فنی پیمانکاران در امور قراردادی و فنی باشد.

این مجموعه در جلد‌های مختلف منتشر می‌گردد که در هر جلد به موضوعی خاص با فهرستی تخصصی تنظیم شده است. پرسش اولیه، بررسی کارشناسی و پاسخ نهایی از سوی سازمان برنامه و بودجه و یا ارگانهای مرجع مرتبط با موضوع در اختیار متخصصین گرامی قرار دارد.

این مجموعه موضوعی با نام **”مجموعه پرسش و پاسخ در ارتباط با امور پیمانکاری“** همچون جعبه ابزاری برای شرکت‌های مهندسی پیمانکاری است و به مدیران و مهندسان امکان مطالعه دانش تجربی قوانین و مقررات را بدون حضور در مجامع صنفی تخصصی فراهم می‌نماید. قبل از آنکه گرفتار مشکلات گردید با مطالعه تجربیات رخ داده توسط پیمانکاران دیگر خود را از بروز مشکلات ایمن نمایید و در صورتی که دچار مشکل گشته اید با مطالعه آن از مسیر صحیح نسبت به حل آن اقدام نمایید. این یک پیشنهاد صنفی تخصصی است که سالها تجربه شده است.

جلد پنجم این مجموعه با موضوع **”شرایط عمومی پیمان (بخش دوم)“** تهیه و تدوین شده است و شامل مهمترین ابهامات و سوالات شرکت‌های پیمانکاری با موضوع **”مواد شرایط عمومی پیمان“** می‌باشد که توسط سندیکا در طی سالها فعالیت و ارتباط با سازمان برنامه و بودجه کشور تجمیع گشته است.





# موسسه حقوقی دادار دانا

با مدیریت  
دکتر کوروش جعفر پور

به همراه تیم حقوقی مجرب و حرفه ای آماده ی ارائه خدمات به شرکتهای فنی مهندسی در زمینه های زیر است:

۱- تهیه و تنظیم و نظارت کامل بر قرار دادهای داخلی و بین المللی شرکتها

۲- نظارت حقوقی بر روند اجرای قراردادهای منعقد شده

۳- تهیه و تنظیم اساسنامه شرکتهای فنی مهندسی و ثبت آنها در اداره ثبت شرکتها

۴- نظارت حقوقی بر نحوه صحیح تشکیل مجامع عمومی شرکتها و انجام کلیه امور ثبت تصمیمات مجامع عمومی در اداره ثبت شرکتها و چاپ آن در روزنامه رسمی

۵- انجام کلیه امور وکالتی راجع به دعاوی شرکتها در اسرع وقت

۶- انجام کلیه امور حقوقی راجع به دعاوی داوری سازمان برنامه و بودجه

۷- مشاوره حقوقی و ارائه بهترین راه کارهای حقوقی در دعاوی حقوقی، کیفری و ثبتی و ساختمانی

۸- نظارت حقوقی بر روند تشکیل و انحلال شرکتها

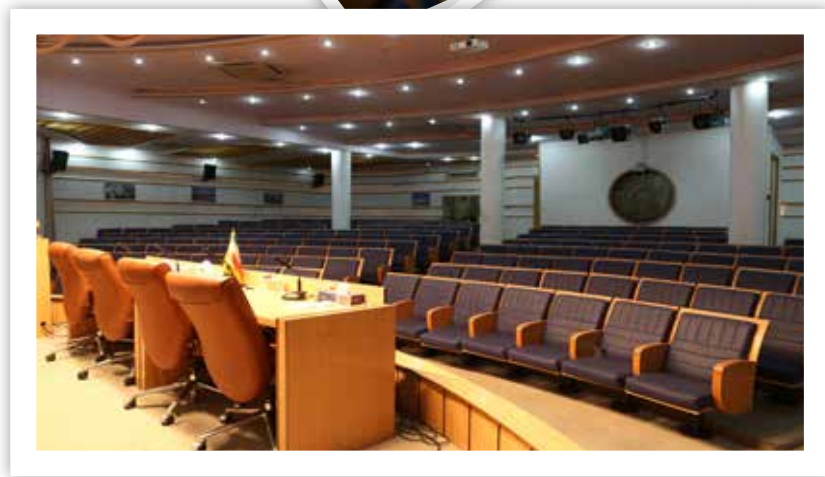
دادار  
دانا  
امور حقوقی خود را به دانا بسپارید

# قابل توجه شرکت‌های عمرانی

برگزاری مراسم در سالن سندیکا



سالن  
همایش  
سندیکا



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران آمادگی دارد

میزبان مجالس، مجامع و ... شرکت‌ها در محل سالن همایش و لابی سندیکا باشد

[info@acco.ir](mailto:info@acco.ir) | [www.acco.ir](http://www.acco.ir)

تهران، خیابان طالقانی خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی) پلاک ۸۶  
تلفن: ۶۶۴۶۰۱۹۵، ۶۶۴۶۴۲۶۱ (ده‌خط) نمابر: ۶۶۴۶۴۰۸۴

- حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا
- خبرنگار: آرزو نوری
- عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
- مسئول تبلیغات و آگهی: سید مهدی برقی
- لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

- صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
- مدیرمسئول: جواد خوانساری
- شورای سیاست‌گذاری:
- منوچهر ملکینانی فرد (نماینده هیأت مدیره)
- جواد خوانساری (مدیرمسئول)
- بهمن دادمان (رئیس هیأت مدیره)
- ایرج گلابتونچی (دبیر سندیکا)
- سالار علیاری (خزانه‌دار سندیکا)
- محمود مصطفی‌زاده (سردبیر)
- رئیس کمیسیون انتشارات: منوچهر ملکینانی فرد
- سردبیر: محمود مصطفی‌زاده
- کمیسیون انتشارات و تحریریه:
- منوچهر ملکینانی فرد
- محمود مصطفی‌زاده
- محمدعلی پور شیرازی
- ایرج گلابتونچی
- مجتبی ضرابی
- مریم خوانساری

## فهرست مطالب

- |    |  |    |  |
|----|--|----|--|
| ۲۸ | رأی وحدت رویه محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای شاخص سالانه / رأی وحدت   | ۴  | الفبای توسعه و رسیدن به چشم‌انداز آن / سرمقاله                               |
| ۳۱ | «مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه در قراردادهای پیمانکاری» / مقاله  | ۶  | مکاتبات / مکاتبات سندیکا   |
| ۳۵ | بخشنامه سازمان مالیاتی در رابطه با مودیانی که دفاتر و یا اسناد و مدارک خود را در مهلت مقرر قانونی ارائه نکردند / بخشنامه | ۱۰ | واکاوی صادرات خدمات فنی و مهندسی به عراق / مصاحبه                            |
| ۳۶ | فرصت‌ها و چالش‌های هیدروژن در توسعه پایدار از مشعل المپیک تا زیرساخت‌های ایران   | ۱۶ | فروپاشی پنهان: کمبود نیروی کار متخصص در صنعت ساخت‌وساز / مقاله               |
| ۴۰ | ملی کردن نفت و درس آموخته‌های آن به بهانه ۳۰ تیرماه سال ۱۳۳۱   | ۱۸ | «حمایت قضایی از تولید» توسط پنج شکل ملی کشور پیگیری                          |
| ۴۱ | ابلاغ دستورالعمل بررسی اندازه‌سازی پروژها با مشارکت عمومی - خصوصی / اخبار صنعت   | ۱۹ | بیم و امید فعالان صنعت احداث با تغییر در مدیریت سازمان برنامه و بودجه / نکته |
| ۴۲ | مبادله تفاهم‌نامه همکاری شورای هماهنگی با مجلس شورای اسلامی / تفاهم‌نامه   | ۲۰ | «سند نظام فنی و اجرایی کشور» چه باید باشد و چگونه باید تدوین شود؟ / دیدگاه   |
| ۴۳ | پایه‌گذار مدل رشد اقتصادی / مقاله  | ۲۴ | اهمیت شناسایی هزینه و درآمد در پروژه‌های پیمانکاری / آموزش                   |

### نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار است و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۶۹۱ | تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱۶۶۹۷۱۳۹۹ | فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴ | پست الکترونیکی: [payamabadgaran.ir@gmail.com](mailto:payamabadgaran.ir@gmail.com)  
نشانی الکترونیکی: [www.acco.ir](http://www.acco.ir)  
[www.payamabadgaran.ir](http://www.payamabadgaran.ir)



سخنی با رئیس جمهور محترم

# الفبای توسعه و رسیدن به چشم انداز آن

■ سرمقاله ■



پیام آبادگران

مردم‌دانه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸

بعد از یک انتظار نسبتاً طولانی، کابینه چهاردهم توسط آقای رئیس جمهور جهت اخذ رای اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی گردید. در طول یک ماه گذشته دولت آقای پزشک‌پسندان، دولت سوم روحانی یا خاتمی فرض می‌شد و رای دهندگان امیدوار بودند که براساس شعارها و صحبت‌های قبل از انتخابات آقای پزشک‌پسندان و احزاب و گروه‌های حامی ایشان با تشکیل دولت چهاردهم تغییر و تحولی اساسی در جهت حل مشکلات اساسی مردم روی دهد.

کابینه معرفی شده دولت سوم، هیچ کدام از دولت‌های قبلی نیست بلکه دولت آقای دکتر پزشک‌پسندان است که گویا انتظارات بخشی از رای دهندگان، احزاب و گروه‌های حامی ایشان را برآورده نکرده است تا جایی که می‌گویند این کابینه بیشتر شبیه ترشی هفته بیجار یا آش شعله قلم کاری است که شوری و ترشی آن به قدری زیاد است که صدای آشپز را نیز درآورده است. همزمان با معرفی کابینه، شاهد استعفای آقای ظریف بودیم که به طور تمثیلی می‌توان او را «آشپز» این انتخابات دانست، هر چند برای قضاوت این چینی بسیار زود است و باید منتظر ماند و پس از رای اعتماد مجلس و شروع به کار دولت با ارزیابی عملکرد آن اظهار نظر و انتقاد نمود.

حامیان دکتر پزشک‌پسندان عموماً گروه‌های اصلاح طلب و یا اعتدال‌گرا بودند. در چند روز گذشته کمتر شخصیت حقوقی و یا حقیقی اصلاح طلب و اعتدال‌گرا بوده که به این انتخاب‌ها یا انتصاب‌ها واکنش منفی نشان نداده باشد و تقریباً اکثریت آنها، حتی اندیشه تغییر و تحول اساسی به نفع مردم را نیز نمی‌توانند به ذهن خود خطور دهند. رای دهندگان نیز توسط تحریمی‌ها مورد

شکست قرار گرفته‌اند که ما می‌دانستیم رای در روند امور نقشی ندارد. انتقاد توسط کسانی مطرح نمی‌شود که آگاهانه انتخابات را تحریم کردند یا در دور دوم نیز حاضر نشدند به پای صندوق‌های رای بروند و پزشک‌پسندان را برگزینند، بلکه از طرف کسانی مطرح می‌شود که از جان مایه گذاشتند و آبرو گرو نهادند تا بگویند ایشان نامزد اصلاح طلبان است و برای ایجاد وفاق و تغییر ریل آمده و توان تعامل با هسته سخت قدرت را دارد و می‌تواند خرابی‌های سال‌های اخیر را ترمیم نماید.

اشخاص و احزاب مرجع حتی آقای خاتمی، به عنوان رئیس و نماد اصلاحات نیز بعد از سالها دوری از سیاست پای در میدان گذاشت تا شاید تعداد بیشتری از تردیدکنندگان انتخابات را پای صندوق‌های رای بیاورد. بسیاری از فعالین اقتصادی که در طول سالهای اخیر زیر بار مشکلات ناشی از مالیات و تورم، افزایش چند برابری قیمت ارز، کمبود اعتبارات عمرانی، چالش‌های تامین اجتماعی و ... بودند نیز به امید گشایش اقتصادی و حل و فصل مشکلات ایجاد شده در دولت سیزدهم - که دولتی یکدست و هم راستا با سایر قوای حاکمه بود - به آقای پزشک‌پسندان رای دادند، آنها رای دادند چون به نحوی انعکاس خواسته‌ها و آرزوهای به حق خود را در حرف‌ها و مناظرات ایشان، از زبان خود ایشان و یا سایر همراهانشان می‌شنیدند.

آقای پزشک‌پسندان برخلاف سایر کاندیداها در باغ سبزی باز نکرد و هیچ قولی نداد الی عمل به قانون برنامه و چشم‌اندازی که مورد تأیید اکثر فعالین نیز بود چرا که شعارهای بی‌پشتوانه انتخاباتی سایر کاندیداها جز تشدید وضع موجود حاصلی به وجود

نمی‌آورد. آقای دکتر پزشک‌پسندان در مناظرات انتخاباتی و سخنرانی‌های تبلیغاتی در مقابل سایر کاندیداهایی که می‌فرمودند «ما برای توسعه و پیشرفت کشور برنامه داریم»، برنامه اقتصادی و توسعه‌ای خود را همان اسناد بالادستی موجود نظیر سند چشم‌انداز و برنامه هفتم توسعه اعلام می‌نمودند. فعالین اقتصادی با توجه به اشراف کامل به شرایط کشور و دوری‌گزینی از شعارهای بی‌پشتوانه سایر کاندیداها و امید به اینکه رئیس جمهوری انتخاب خواهد شد که شعار زده نیست و می‌خواهد برنامه‌های موجود را به اجرا درآورد به آقای دکتر پزشک‌پسندان رای دادند و برای انتخاب شدن ایشان تلاش نمودند.

انتظارات این گروه از فعالین اقتصادی از کابینه چهاردهم بالا رفت چرا که دیدند آقای پزشک‌پسندان هم اعتقاد دارند که برای اجرای سند چشم‌انداز و برنامه هفتم توسعه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی در دولت چهاردهم نیاز به یک تیم اقتصادی منسجم معتقد به کار با برنامه و هماهنگ است. با این وجود، فعالین بخش خصوصی به ویژه آنهایی که در احداث و ایجاد زیربنای توسعه‌ای نقش اساسی دارند با دیده تردید به تیم اقتصادی که جهت اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی شده، می‌نگرند. به نظر نمی‌رسد در تیم اقتصادی معرفی شده دولت جهت مدیریت در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بانک مرکزی، و وزارتخانه‌های اقتصادی این اراده وجود داشته باشد تا برنامه‌های انتخاباتی رئیس جمهور محترم را اجرایی نمایند.

امروزه بسیاری از ما به تجربه دریافته‌ایم که حل مشکلات با تفکری که آنها را به وجود آورده، ممکن نیست. با چنین نگاهی، طرح این سوال ضروری است که چگونه افراد

تیم انتخاب شده در لیست‌های معاونت و معرفی شده کابینه، که بسیاری از آنها به عنوان دولتمردان گذشته در شکل‌گیری مشکلات اقتصادی امروز نقش تعیین کننده داشته‌اند، با همان تفکر می‌خواهند چشم‌اندازی را اجرایی نمایند که در بیست سال گذشته قادر به اجرای آن نبوده‌اند.

برای تحقق چشم‌انداز و اجرای برنامه هفتم توسعه نیاز به تیمی است که اولاً اعتقاد به بخش خصوصی و توانایی و نقش آن در توسعه کشور داشته باشد، ثانیاً دولت را به عنوان یک تسهیل‌گر ببیند، نه اینکه نقش تصدی‌گری برای آن قائل باشد. در تیم معرفی شده چنین خصوصیت‌هایی دیده نمی‌شود، این افراد طی سالیان گذشته در بالاترین سطوح مدیریتی کشور حضور داشتند و فعالین اقتصادی تا حدود زیادی نسبت به عملکرد آنها در دولت‌های قبل شناخت دارند. تورم پنجاه درصدی سالیهای اخیر، رکود اقتصادی، جایگزینی شرکتهای خصوصی به جای بخش خصوصی، و بسیاری از ناکارآمدی‌های امروز ناشی از عملکرد همین افراد و همفکرانشان بوده است.

به عنوان نویسنده این مطلب و با اشاره به تجربه و دانش جمعی سازندگان کشور از سالها فعالیت و کار در کشور پهناور و عزیز ایران، اجازه می‌خواهم تا آقای پزشک‌یان را مخاطب قرار دهم و سخنی با رئیس‌جمهور محترم بگویم.

جناب آقای دکتر پزشک‌یان؛ مطالعه سوابق کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهای در حال توسعه نشانی می‌دهد بخش دولتی و شبه دولتی امکان و توان اجرای برنامه‌های توسعه‌ای را ندارند. الفبای توسعه و رسیدن به چشم‌انداز آن در گرو به رسمیت شناختن بخش خصوصی واقعی کشور و مشارکت تشکلهای آن در کلیه تصمیم‌سازی‌های و تصمیم‌گیری‌هاست.

جناب آقای دکتر پزشک‌یان؛ بدون ارتباط منطقی با جهان بخصوص جهان توسعه یافته و حل و فصل مشکلات چهل و چند ساله گذشته با غرب و ایجاد توازن مناسب بین غرب و شرق نمی‌شود حرف از توسعه متوازن زد. آیا تیم انتخابی و معرفی شده جنابعالی توان ایجاد این تعامل را دارند، اصلاً اعتقاد به این تعامل دارند؟ لازمه توسعه و رشد و پیشرفت کشور تعامل مثبت با جهان است. تجارت

خارجی و صادرات به خصوص صادرات خدمات فنی و مهندسی و سرمایه‌گذاری مشترک با شرکتهای صاحب تکنولوژی و سرمایه از اولویت‌های توسعه در هر کشوری است.

جناب آقای دکتر پزشک‌یان؛ برای تنظیم یک رابطه منطقی و انجام تجارت سالم در جهان نیاز مبرم به تصویب و اجرای FATF است. تصویب و اجرای الزامات FATF مسیر مبادلات تجاری را تسهیل و از تحمیل هزینه‌های اضافی بر فعالین اقتصادی جلوگیری می‌نماید. در جهان امروز برنامه‌های اقتصادی کشورها مسیر سیاسی آنها را ترسیم می‌کند، به زبان ساده‌تر سیاست در خدمت اقتصاد است تا زمانی که پارادایم موجود تغییر پیدا نکند و قرار باشد سیاست مسیر اقتصاد را مشخص کند امکان موفقیت در برنامه‌های اقتصادی که باعث بهبود معیشت جامعه شود مقدور نیست. آیا تیم اقتصادی دولت شما به این موضوع اعتقاد راسخ دارد؟

جناب دکتر پزشک‌یان؛ فعالین اقتصادی بخش خصوصی که موتور محرکه توسعه می‌باشند در شرایط فعلی توان رقابت با رقبای منطقه‌ای و جهانی خود را ندارند، تا زمانی هم که مسیر فعالیت آنها باز نشود امکان تحقق شعارهای توسعه‌ای جنابعالی مقدور نیست. رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز و اجرای برنامه

**جناب آقای دکتر پزشک‌یان؛ یکی از**

**خصوصیات جنابعالی مردمی بودن و خود**

**را از مردم دانستن است، بدون گفتگو با**

**تشکل‌های مردم نهاد و شنیدن نظریات**

**آنها نمی‌شود مشکلات مبتلابه مردم را**

**حل و فصل نمود. سندیکای شرکتهای**

**ساختمانی ایران به عنوان قدیمی‌ترین**

**تشکل بخش خصوصی و به نمایندگی از**

**طیف عظیمی از سازندگان و مجریان طرح**

**های عمرانی، خود را بازوی اصلی دولت**

**محترم در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای**

**می‌داند. این سندیکا تعامل با دولت و**

**مجریان محترم طرح‌ها را از وظایف ملی**

**و میهنی خود دانسته و در این راستا با**

**علاقمندی تمام آمادگی دارد با دولت**

**چهاردهم همکاری و همراهی نماید.**

هفتم توسعه و ... بدون حضور بخش خصوصی شدنی نیست، برای همین لازم است که ساز و کار و روند جدی بخش خصوصی به عرصه‌های اقتصادی تدوین شود. این تیم می‌تواند؟

جناب آقای دکتر پزشک‌یان؛ یکی از خواسته‌های به حق بخش خصوصی واقعی از تمام دولت‌های مستقر در پاستور ایجاد یک معاونت بخش خصوصی جهت پیگیری جدی مطالبات این بخش از اقتصاد بوده است. از جنابعالی نیز درخواست می‌گردد به این خواسته بحق جواب مثبت داده و برای خود یک معاونت بخش خصوصی که آشنایی کامل با مشکلات و گرفتاری‌های این بخش را دارد انتخاب فرمایید تا در روند امور و حل و فصل مشکلات مبتلابه این بخش اقتصاد موثر واقع شود.

شرکت‌های دولتی- خصوصی و عمومی، بخش خصوصی نیستند. آنها بخشی از بدنه دولت می‌باشند. معاونت بخش خصوصی در صورت داشتن ارتباط مستمر با بخش خصوصی دست اندرکار در تولید و سازندگی کشور است که می‌تواند در راستای تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های توسعه‌ای و حذف قوانین و آیین‌نامه‌های مخل کسب و کار قدم‌های موثری بردارد و امکان تحقق اهداف چشم‌انداز و اجرای برنامه هفتم توسعه را محقق کند.

جناب آقای دکتر پزشک‌یان؛ یکی از خصوصیات جنابعالی مردمی بودن و خود را از مردم دانستن است، بدون گفتگو با تشکل‌های مردم نهاد و شنیدن نظریات آنها نمی‌شود مشکلات مبتلابه مردم را حل و فصل نمود. سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران به عنوان قدیمی‌ترین تشکل بخش خصوصی و به نمایندگی از طیف عظیمی از سازندگان و مجریان طرح‌های عمرانی، خود را بازوی اصلی دولت محترم در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای می‌داند. این سندیکا تعامل با دولت و مجریان محترم طرح‌ها را از وظایف ملی و میهنی خود دانسته و در این راستا با علاقمندی تمام آمادگی دارد با دولت چهاردهم همکاری و همراهی نماید.

امیدوار است دولت چهاردهم بتواند از تجارت و اندیشه‌های انباشته در این تشکل و تشکل‌های مشابه، در جهت پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود استفاده بهینه ببرد.

به امید همکاری‌های بیشتر



شماره: تاریخ: پست:

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت نیرو

وزیر

بسمه تعالی

جناب آقای دادمان  
رئیس محترم هیأت مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

با سلام و احترام،  
بازگشت به نامه شماره ۱۴۰۳/۶۷۰۴۵/ص مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ به این وسیله از اظهار لطف جناب صمیمانه قدردانی نموده و امیدوار هستم دعای خیر جنابعالی و مردم شریف ایران اسلامی زمینة موفقیت‌های وزارت نیرو در دوره جدید گردد.  
امید می‌رود با حسن نیت جنابعالی زمینه‌های توسعه همکاری‌ها با مجموعه تحت مدیریت مقام محترم بیش از پیش فراهم گردد. برای جنابعالی و همکارانتان آرزوی توفیق دارم.

عباس علی آبادی

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
شماره: ۱۴۰۳/۶۷۰۴۵/ص  
پست:

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران  
تاسیس ۱۳۲۶

شماره ثبت: ۹۴

به نام خدا

حضور گرامی جناب آقای مهندس علی آبادی  
مقام عالی وزارت نیرو  
موضوع: پیام تبریک

با سلام .  
احتراماً، سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران بعنوان قدیمی ترین تشکلهای صنفی کشور به نمایندگی طیف عظیمی از پیمانکاران طرحهای عمرانی و زیربنایی کشور انتخاب شایسته جنابعالی با رای قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تبریک عرض نموده و از خداوند منان آرزوی توفیق روز افزون و سربلندی بیش از پیش جنابعالی را مسئلت می نمایم.  
عملکرد جنابعالی در مسئولیتهای مختلف کشور همواره منشاء اثر و توفیق بوده است بی تردید، نمره تجربیات گرانبهای جنابعالی در عرصه‌های مختلف مدیریتی، راهگشای مسیر وزارتخانه مهم و راهبردی وزارت نیرو خواهد بود.  
امید دارد در سالی که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به نام جهش تولید با مشارکت مردم نامگذاری شده است، با حضور حضرتعالی رونق همه جانبه در صنعت احداث کشور حاصل آید. سندیکا اعلام آمادگی همکاری همه جانبه برای اجرای طرحهای عمرانی را باهدف استفاده بیشتر از ظرفیت و توان بخش خصوصی واقع در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری اعلام می دارد.  
هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی درخواست می نماید دستور فرمایند وقت ملاقاتی با جنابعالی جهت تبادل و همفکری و استفاده از رهنمودهای آن مقام محترم برگزار گردد.

با تقدیم احترام

سید و سحر هیات مدیره

سید و سحر هیات مدیره

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید باقران مظرف(صای جنوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۳۱۶۶۶۶۹۱  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۶۶۹۱۵۰ - ۶۶۶۶۹۱۵۱ - ۶۶۶۶۹۱۵۲ - ۶۶۶۶۹۱۵۳ - ۶۶۶۶۹۱۵۴ - ۶۶۶۶۹۱۵۵ - ۶۶۶۶۹۱۵۶ - ۶۶۶۶۹۱۵۷ - ۶۶۶۶۹۱۵۸ - ۶۶۶۶۹۱۵۹  
www.sccco.ir info@sccco.ir

شماره: ۱۴۰۳/۶۷۱۵۱۸  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱  
پست:

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت نیرو

سرتمتایی  
دفتروزارتی

جناب آقای گللابتونچی  
رئیس و عضو محترم هیأت مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

سلام علیکم

پیام تبریک جنابعالی به مناسبت انتصاب جناب آقای مهندس پاک‌نژاد به عنوان «وزیر محترم نفت» به استحضار رسید.  
ضمن ابراز مراتب تشکر متقابل ایشان، مزید توفیقات آن جناب را از خداوند متعال مسئلت دارم.

کسری نوری  
مشاور وزیر و سرپرست

M-۱۴۰۳۰۶۲۰۰۷

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
شماره: ۱۴۰۳/۶۷۰۴۵/ص  
پست:

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران  
تاسیس ۱۳۲۶

شماره ثبت: ۹۴

به نام خدا

حضور گرامی جناب آقای دکتر محسن پاک نژاد  
مقام عالی وزارت نفت  
موضوع: پیام تبریک

با سلام .  
احتراماً، سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران بعنوان قدیمی ترین تشکلهای صنفی کشور به نمایندگی طیف عظیمی از پیمانکاران طرحهای عمرانی و زیربنایی کشور انتخاب شایسته جنابعالی با رای قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تبریک عرض نموده و از خداوند منان آرزوی توفیق روز افزون و سربلندی بیش از پیش جنابعالی را مسئلت می نمایم.  
عملکرد جنابعالی در مسئولیتهای مختلف کشور همواره منشاء اثر و توفیق بوده است بی تردید، نمره تجربیات گرانبهای جنابعالی در عرصه‌های مختلف مدیریتی، راهگشای مسیر وزارتخانه مهم و راهبردی وزارت نفت خواهد بود.  
امید دارد در سالی که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به نام جهش تولید با مشارکت مردم نامگا است، با حضور حضرتعالی رونق همه جانبه در صنعت احداث کشور حاصل آید. سندیکا اعلام آمادگی ها جانبه برای اجرای طرحهای عمرانی را باهدف استفاده بیشتر از ظرفیت و توان بخش خصوصی واقع در جهت تحقق منویات مقام مع ظم رهبری اعلام می دارد.  
هیات مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی درخواست می نماید دستور فرمایند وقت ملاقاتی با جا تبادل و همفکری و استفاده از رهنمودهای آن مقام محترم برگزار گردد.

با تقدیم احترام

سید و سحر هیات مدیره

سید و سحر هیات مدیره

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید باقران مظرف(صای جنوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۳۱۶۶۶۶۹۱  
تلفن: ۰۲۱-۶۶۶۶۹۱۵۰ - ۶۶۶۶۹۱۵۱ - ۶۶۶۶۹۱۵۲ - ۶۶۶۶۹۱۵۳ - ۶۶۶۶۹۱۵۴ - ۶۶۶۶۹۱۵۵ - ۶۶۶۶۹۱۵۶ - ۶۶۶۶۹۱۵۷ - ۶۶۶۶۹۱۵۸ - ۶۶۶۶۹۱۵۹  
www.sccco.ir info@sccco.ir







سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
شماره: ۴۰۴/۲۷۰۴۵-۱۴۰۳/ص  
پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

به نام خدا

جناب آقای دکتر عارف  
معاون اول محترم رئیس جمهور

با سلام:  
احتراماً، با استحضار می‌رساند وفق تبصره ۸۰ قانون بودجه کل کشور مصوب سال ۱۳۵۶ و اصلاحیه آن در شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ وظایف و اختیاراتی برای شورایی فنی تعریف شده است که مطابق بند ۱ ج ماده ۵۳ بخشنامه شرایط عمومی پیمان موضوع مصوبه شماره ۵۳/۸۲-۵۳/۱۰۸۸ مورخ ۱۰/۲/۱۰۸۸ و مورخ ۱۳۷۸/۰۲/۰۲ و مطابق بخشنامه قرارداد هسان طرح و ساخت به شماره ۱۰۱/۸۵۴۲۸ مورخ ۱۳۸۴/۰۵/۱۵ شورایی فنی به عنوان مرجع داورى اختلافات فیما بین دستگاه‌های اجرایی و پیمانکاران در طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای تعیین گردید. همانگونه که مستحضرید اساس داورى در شرح مبین اسلام بر پایه بی طرفی و عدل و انصاف بوده و در قوانین وضع شده کشور نیز داورى بر این اساس استوار شده است.

از آنجائیکه یکی از وظایف محوری عالی حل اختلاف‌های قراردادهای عمرانی که یک طرف دستگاه‌های اجرایی و پیمانکاران کارفرما و یک طرف بخش خصوصی بعنوان مجری و پیمانکار قراردادهای مذکور می‌باشد، انتظار می‌رود در راستای حفظ عدالت و برابری و رعایت شرط داورى بی‌طرف یکی از اعضای شورایی فنی از بخش خصوصی تعیین گردد. شایان ذکر است در زمان دولت یازدهم و دوازدهم و ریاست آقای دکتر توبخ در طول سالهای ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۱ یکی از اعضای شورایی فنی نماینده بخش خصوصی بودند.

خواهشمند است دستور فرمایند همانند ادوار گذشته یکی از اعضای شورایی فنی معرفی شده به هیات محترم وزیران جهت تصویب از مجموعه افراد معرفی شده تشکیل‌های صنفی، بعنوان نماینده بخش خصوصی باشد. بدیهی است انتخاب هر سه عضو محترم شورایی فنی از مجموعه کارمندان دولت، مورد پذیرش جامعه گسترده پیمانکاران کشور نمی‌باشد و رجاه واقع دارد با حسن نظر جنابعالی به اهمیت موضوع برای بخش خصوصی توجه ویژه مبذول خواهد شد.

با سپاس

رئیس هیات مدیره  
دکتر یونس حبیبی

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مطرف‌صای (جوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۹۶۶۶۹۱  
تلفن: ۰۲۰-۲۲۷-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵ (خط) - فکس: ۰۲۲-۶۶۶۹۱۰۸۲-۶۶۶۹۱۰۸۲ (خط) - www.acco.ir - info@acco.ir



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
شماره: ۴۰۴/۲۷۰۴۵-۱۴۰۳/ص  
پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

به نام خدا

حضور گرامی سرکار خانم دکتر فرزانه صادق  
مقام عالی وزارت راه و شهر سازی  
موضوع: پیام تبریک

با سلام .

احتراماً، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران بعنوان قدیمی ترین تشکل صنفی کشور به نمایندگی طیف عظیمی از پیمانکاران طرح‌های عمرانی و زیربنایی کشور انتخاب شایسته جنابعالی با رای قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تبریک عرض نموده و از خداوند منان آرزوی توفیق روز افزون و سربلندی بیش از پیش سرکارعالی را مسئلت می‌نماید. عملکرد سرکارعالی در مسؤلیت‌های مختلف در وزارت متبوع همواره منشاء اثر و توفیق بوده است بی تردید، نمره تجریبات گرانبهای شما در عرصه‌های مختلف مدیریت، راهگشای مسیر وازنخاله مهم و راهبردی وزارت راه و شهر سازی خواهد بود.

امیددار در سالی که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به نام جهش تولید با مشارکت مردم نامگذاری شده است، با حضور سرکارعالی رونق همه جانبه در صنعت احداث کشور حاصل آید. سندیکا اعلام آمادگی همکاری همه جانبه برای اجرای طرح‌های عمرانی را باهدف استفاده بیشتر از ظرفیت و توان بخش خصوصی واقعی در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری اعلام می‌دارد.

هیات مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی درخواست می‌نماید دستور فرمایند وقت ملاقاتی با سرکار عالی جهت تبادل و همفکری و استفاده از رهنمودهای آن مقام محترم برگزار گردد.

با تقدیم احترام

رئیس هیات مدیره  
دکتر یونس حبیبی

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مطرف‌صای (جوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۹۶۶۶۹۱  
تلفن: ۰۲۰-۲۲۷-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵ (خط) - فکس: ۰۲۲-۶۶۶۹۱۰۸۲-۶۶۶۹۱۰۸۲ (خط) - www.acco.ir - info@acco.ir



پیام‌آبادگران

مرددمه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
شماره: ۴۰۴/۲۷۰۴۵-۱۴۰۳/ص  
پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

به نام خدا

حضور گرامی جناب آقای دکتر یونس محمدی  
معاونت محترم ریاست جمهوری و ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه کشور

با سلام:  
احتراماً، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران بعنوان قدیمی ترین تشکل بخش خصوصی به نمایندگی از طیف عظیمی از پیمانکاران طرح‌های عمرانی و زیربنایی کشور با بیش از ۷۰۰ شرکت فعال، معتبر و تایید صلاحیت شده توسط سازمان برنامه و بودجه، صمیمانه ترین تبریکات را به مناسبت انتصاب شایسته حضرتعالی تقدیم می‌دارد و از خداوند منان آرزوی توفیق روز افزون و سربلندی بیش از پیش برای حضرتعالی مسئلت می‌نماید. این سندیکا آمادگی همکاری همه جانبه خود در تمام اجرای طرح‌های عمرانی کشور و همچنین مشارکت حداکثری در تدوین آیین نامه ها و بخشنامه ها با یکبارگیری حداکثر ظرفیت و توان بخش خصوصی واقعی در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری و برنامه های مدیرانه حضرتعالی و دولت محترم را اعلام می‌دارد. هیات مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران تقاضا دارد دستور فرمایند در صورت امکان جلسه حضوری با حضرتعالی برای تعامل و همفکری بیشتر و استفاده از رهنمودهای حضرتعالی برگزار گردد .  
پیشاپیش از حسن توجه حضرتعالی سپاسگزار می‌نماید.

با تقدیم احترام

رئیس هیات مدیره  
دکتر یونس حبیبی

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مطرف‌صای (جوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۹۶۶۶۹۱  
تلفن: ۰۲۰-۲۲۷-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵ (خط) - فکس: ۰۲۲-۶۶۶۹۱۰۸۲-۶۶۶۹۱۰۸۲ (خط) - www.acco.ir - info@acco.ir



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰  
شماره: ۴۰۴/۲۷۰۴۵-۱۴۰۳/ص  
پیوست:

شماره ثبت: ۹۴

به نام خدا

حضور گرامی جناب آقای دکتر حمید امانی مهدانی  
معاونت محترم فنی، امور زیربنایی و تولیدی سازمان برنامه و بودجه کشور

با سلام .

احتراماً، سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران بعنوان قدیمی ترین تشکل بخش خصوصی به نمایندگی از طیف عظیمی از پیمانکاران طرح‌های عمرانی و زیربنایی کشور با بیش از ۷۰۰ شرکت فعال، معتبر و تایید صلاحیت شده توسط سازمان برنامه و بودجه، صمیمانه ترین تبریکات را به مناسبت انتصاب شایسته جنابعالی تقدیم می‌دارد و از خداوند منان آرزوی توفیق روز افزون و سربلندی بیش از پیش برای جنابعالی مسئلت می‌نماید.

ضمن سپاس از ریاست محترم سازمان برنامه و بودجه در انتخاب و معرفی جنابعالی، این سندیکا کماکان آمادگی خود برای توسعه همکاری همه جانبه با آن سازمان محترم در اجرای طرح‌های عمرانی کشور و تدوین قوانین و مقررات مربوطه با هدف استفاده حداکثری از مشارکت و ظرفیت و توان بخش خصوصی واقعی در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری و برنامه های دولت محترم اعلام می‌دارد.

هیات مدیره سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران تقاضا دارد دستور فرمایند در صورت امکان جلسه حضوری با جنابعالی برای تعامل و همفکری و استفاده از رهنمودهای جنابعالی برگزار گردد.  
قبلاً موجب تشکر است.

با تقدیم احترام

رئیس هیات مدیره  
دکتر یونس حبیبی

آدرس: تهران خیابان طالقانی - خیابان شهید برادران مطرف‌صای (جوبی) - شماره ۸۶ - کد پستی: ۱۴۱۹۶۶۶۹۱  
تلفن: ۰۲۰-۲۲۷-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵-۶۶۶۹۱۰۵ (خط) - فکس: ۰۲۲-۶۶۶۹۱۰۸۲-۶۶۶۹۱۰۸۲ (خط) - www.acco.ir - info@acco.ir



# واکاوی صادرات خدمات فنی و مهندسی به عراق

گفتگو با مهندس حمید قائمی همدانی رئیس هیات مدیره شرکت هکمتاب، مدیرعامل شرکت شایستگان پارس و عضو هیات مدیره شرکت لوتکه



صادرات خدمات فنی و مهندسی به دلایل متعدد مهم است. شاید بیان اهمیت این حوزه مهم اقتصادی کشور برای فعالین این عرصه تکراری باشد ولی ساختن و کسب و کار در سازندگی آن هم در خارج از سرزمین مادری بی تردید بهترین راه رساندن پیام دوستی و مودت و صد البته نشاندهنده دانش بالای مهندسین ایرانی است. یکی از مهم ترین بازارهای خدمات فنی و مهندسی کشور بازار عراق است. عراق به خاطر موقعیت قرارگیری و گستردگی مرز مشترک با ایران و نیاز بالا به ساخت و ساز به ویژه در فعالیتهای مهم زیرساختی و عمرانی، بازار مناسبی برای کار است. البته کار در این بازار سختی های بسیاری هم داشته و دارد. برای آگاهی از مختصات کار در این بازار، نشریه پیام آبادگران پای صحبت آقای مهندس حمید قائمی همدانی یکی از قدیمی ترین فعالین عرصه خدمات فنی و مهندسی در عراق نشست.

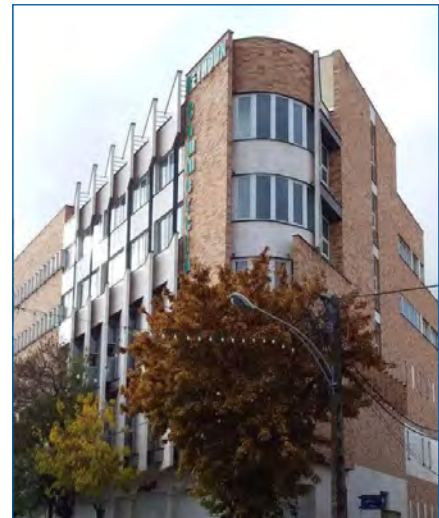
مهندس حمید قائمی همدانی کارشناس ارشد معماری و متولد ۱۳۵۷ در همدان است. وی مدیرعامل شرکت شایستگان پارس، رئیس هیات مدیره قدیمی شرکت هکمتاب و یکی از سهامداران اصلی شرکت لوتکه (شرکت عراقی) است، طی این مصاحبه، تجربه خود در سالها کار در حرفه مهندسی به ویژه کار در بازار عراق را بیان می کند و با توجه به این تجربیات می توان درس آموخته هایی برای مهندسین جوان عرضه کرد. این تجربیات قطعاً با شور و شوقی که ایشان برای بیان تجربیاتشان دارند بسیار می تواند مفید اهلش باشد.



پیام آبادگران  
مردنامه ۱۴۰۳  
شماره ۴۱۸



پروژه مسکونی قائم



مجتمع تجاری سیحون

در سال ۱۳۸۶ شرکتی با نام «طرح نوین شایستگان پارس» را که سهامی خاص بود با همراهی چند تن از دوستان راه اندازی کردیم. همزمان ساخت مجتمع های مسکونی و تجاری از جمله مجتمع مسکونی قائم در ملایر، مرکز تجاری سیحون، مرکز تجاری پورسینا در همدان، مجتمع مسکونی سعیدیه همدان، هتل آریان نور

بوده است. این امر با کارهای پراکنده و قبول مسئولیت در دانشگاه همدان بود. پس از تحصیل از سال ۱۳۸۳ در شرکت مهندسین مشاور مسئولیتی داشتم و دفتر غرب کشور مهندسین مشاور طرح خشتی شایستگان را با دو نفر از اساتید مهندس مسعود شعبانی و دکتر محمدرضا شاه نظری این شرکت راه اندازی کردیم.

**با سپاس از وقتی که در اختیار ما قرار دادید، بسیار مایلیم در آغاز بحث، تصویری مختصر از آغاز به کار و ورود شما به عرصه صدور خدمات فنی و مهندسی داشته باشیم.**

شروع به کار حرفه ای من همزمان با تحصیلاتم در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مهندسی معماری، یعنی ۱۳۷۵

در مازندران، و... را می‌توان در کارنامه این دوران قرار داد.

تقریباً پس از همین دوره بود که چشم انداز جدیدی پیش روی من قرار گرفت، و تصمیم گرفتم ساخت و ساز را بیرون از مرزهای ایران تجربه کنم. البته برای این کار پیش نیازهایی لازم بود، طی کار در حرفه پیمانکاری به این نتیجه رسیده بودم که برای استفاده درست از منابع انسانی و تجهیز منابع در ابرپروژه‌های داخل و خارج از کشور، آشنایی با مدیریت منابع انسانی و بازرگانی لازم است، برای همین اقدام به اخذ دو مدرک DBA در رشته‌های مدیریت منابع انسانی و مدیریت بازرگانی کردم. البته قبل از آن نیز از طریق سازمان نظام مهندسی، دوره مدیریت بحران پروژه را در کشور سوئد گذراندم و طی آن با پروژه‌هایی آشنا شدم که در آنها نقاط ضعف و شکست با یک مدیریت مناسب به فرصت‌های طلایی تبدیل شده بود. امروز هم علاقمند به یادگیری هستم، چرا که معتقدم جا ماندن از تکنولوژی و دانش روز گرفتاری زیادی برای پیمانکاران ایجاد می‌کند. با این سرعت رشد علم و تکنولوژی انجام کار مهندسی با سبک و سیاق ۱۰ سال پیش نیز ممکن نیست، پیمانکاران باید به دانش و تکنولوژی روز مسلط شوند به ویژه پیمانکارانی که صدور خدمات فنی و مهندسی را دنبال می‌کنند.

### **درباره ورود به بازار عراق و آشنایی با دنیای صدور خدمات فنی و مهندسی بگوئید؟ چه اتفاقی افتاد که به انجام کار مهندسی در بیرون از آن روز تاکنون پیموده‌اید چه فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته‌اید؟**

تقریباً سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۲ بود که طی سفر به کشورهای حوزه خلیج فارس و کار در امارات متوجه شدم توان رقابت با شرکت‌های موجود در آنجا به دلیل برخورداری این شرکتها از استانداردهای بالا برای شرکت‌های ایرانی عملاً فراهم نیست. در اروپا هم تجربیاتی داشتم و فهمیدم قالب کار در اروپا با توجه به قوانین، درآمد و نوع کار قابل مقایسه با کار در کشورهای غرب آسیا

نیست. ضمن این که مهندسان و فعالان اقتصادی همین کشورها به دنبال اخذ کار در این منطقه هستند، به عبارتی کار در کشورهای غربی برای ایرانیان نوعی زیره به کرمان بردن بود.

از همان سالها توجه من به پتانسیل کار در منطقه و کشورهای همسایه جلب شد. در سال ۲۰۰۳ میلادی که معادل با سال ۱۳۸۲ شمسی بود و قبل از دستگیری دیکتاتور عراق، به دعوت مدیر محترم وقت گمرگ استان همدان آقای محمودی به جلسه‌ای دعوت شدم که این جلسه برای آشنایی تجار و مهندسان استان همدان با هیأتی از مسئولین سیاسی و اقتصادی کردستان عراق و با هماهنگی آقای حسن حرمتی که زحمات و تلاش‌های ایشان در این مسیر که همچنان ادامه دارد قابل تقدیر و تشکر است تشکیل شده بود.

پس از پایان جلسه من بعید می‌دانستم از افراد حاضر در جلسه، کسی برای کار در عراق علاقمند باشد چون عراق آن زمان هنوز شرایط جنگی داشت و صدام هنوز دستگیر نشده بود.

به هر حال پس از آن جلسه، و با وجود این که شرایط رفت و آمد دشوار بود اولین نماینده صدور خدمات فنی و مهندسی را در سلیمانیه را تشکیل دادیم. در نهایت به عنوان اولین شرکت فعال در بخش خصوصی به همراه «مهندسان مشاور طرح خشتی شایستگان» وارد کردستان عراق شدیم و به همراه این شرکت فعالیت‌های خود را در زمینه طراحی و نظارت در چندین پروژه زیربنایی شروع کردیم، که حاصل آن شکل گرفتن چندین پروژه اداری، ورزشی و دانشگاهی در این منطقه بین سالهای ۲۰۰۳-۲۰۱۰ بود از جمله طراحی ساختمان دادگستری و ساختمان جهاد کشاورزی و استادیوم ورزشی ۱۵۰۰ نفره استان سلیمانیه از شاخص‌ترین آنها می‌باشد.

زمانی که قرارداد و کار این شرکت در منطقه به اتمام رسید. با توجه به شناخت کلی از وضع موجود منطقه و پیشنهاد آقای حسن حرمتی، مبنی بر شروع کارهای اجرایی در کردستان عراق، تصمیم به خرید کلیه سهام کمپانی لوتکه که در سال ۲۰۰۷ میلادی ثبت شده بود گرفتیم، این شرکت مجوز احداث

پروژه شهر جدید رانیه را در استان سلیمانیه داشت. در قالب شرکت لوتکه که نام آن به معنای قله است و با مشارکت شرکت شایستگان پارس چند شهرک مسکونی در کردستان عراق را به سرانجام رساندیم از جمله رانیه سیتی، روژ سیتی و چند پروژه راه‌سازی، مدرسه و... می‌توانیم بگوییم لوتکه یا بهتر بگویم شایستگان پارس تنها شرکت ایرانی بود که در کنار کار پیمانکاری، سرمایه‌گذاری در کشور عراق را تجربه کرد.

### **لطفاً درباره پروژه‌های انجام شده در عراق و مشکلات و موانعی که در زمان اجرای آنها داشتید توضیحاتی ارائه دهید.**

مشکلات پروژه‌هایی که در کردستان عراق انجام دادیم پیچیده و متنوع بود. یکی از این پروژه‌ها شهر جدید رانیه بود، که پیمانکاران قبلی موفق به انجام آن نشده بودند، و ما اواخر سال ۲۰۱۰، اجرای آن را آغاز کردیم. کار با موفقیت به پیش می‌رفت، اما حدود ۶۰ درصد کار پیش رفته بود که با مشکلات عجیبی که ناشی از حضور داعش بود مواجه شدیم. وقتی داعش به نزدیکی اربیل رسیده بود مجبور شدیم برای جمع کردن کارگاه اقدام کنیم. چند روزی هم در منزل استاندار راپرین (رانیه) میهمان بودیم و پس از آن، در شرایطی بسیار دشوار به جمع‌بندی اسناد و مدارک پرداختیم. برخی از نیروهای محلی عراقی که در پروژه کار میکردند به داعش پیوسته بودند، انبار شرکت به تاراج رفته بود و فقط بعضی از ماشین‌آلات باقی مانده بود که توانستیم آنها را به افراد معتمد بسپاریم. طی چند شب نیز مخفیانه توانستیم اسناد حسابداری را با استفاده از روشنایی فندک جمع کنیم. شرایط بسیار دشوار بود برای همین در زمان سفر به عراق، با خانواده و آشنایان خداحافظی جدی می‌کردیم.

به هر حال بیابانی که ما تحویل گرفتیم، امروزه تبدیل به شهر جدید رانیه شده که امروز از مناطق بالای شهر است و باعث رونق ساخت و ساز و کسب و کار در منطقه می‌باشد. روزی که کار خود را آغاز کردیم روی یک بالن بزرگ نوشتیم «شرکت لوتکه با مدیریت مهندسان ایرانی آمد» و آن را به آسمان فرستادیم که در عرض چند ساعت





و امروز با این که مراحل نهایی خود را طی می‌کند، یکی از بهترین پروژه‌ها و تعیین‌کننده قیمت ملک در منطقه ابوغریب بغداد است.

### **در چنان شرایطی دولت ایران برای کمک به پیمانکاران ایرانی که با مشکلات عدیده دست و پنجه نرم می‌کردند اقداماتی انجام داد؟**



**روزگاری بود که برای ساخت بزرگراه‌ها و پروژه‌های ملی صحبت از حضور شرکت‌های خارجی می‌شد، وقتی هم بعد از جنگ تحمیلی قسمت اول اتوبان تهران- ساوه توسط پیمانکار ایرانی ساخته شد مشکلاتی در آن دیده شد که انتقادهای را رقم زد. اما امروز ما ایرانی‌ها به تونل توحید، پل صدر، زیرگذر نیایش، و... افتخار می‌کنیم یعنی هیچ مشکلی در زمینه طراحی و اجرای تخصصی این نوع پروژه‌ها نداریم و این در شرایطی است که در حال حاضر برای سال ۲۰۲۴ حدود ۱۵۰۰ پروژه عمرانی در کشور عراق تعریف شده است که متاسفانه شرکت‌های ایرانی تقریباً هیچ نقشی در آنها ندارند.**

فرماندار شهر خود را به پروژه ما رساند. آقای هیرش محرم، وزیر سرمایه‌گذاری وقت اقلیم کردستان وقتی شنید ما به رانیه رفته ایم گفت بروید و پول خود را پس بگیرید چون امکان ندارد بتوانید کار را به سرانجام برسانید. این حرف را زد چون رانیه معروف به راپرین و دروازه قیام بود. بین دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی قرار داشت و آبستن اختلافات حزبی بود. البته این شهر مردم غیور و مهربانی داشت که وقتی همدلی و همراهی ما را در مسائلی مانند سیل و تعمیر دیوار مدرسه و ... دیدند، با ما کنار آمدند و ما توانستیم فارغ از همه مسائل کار کنیم. البته مشکلات و مسائل مالی مربوط به این پروژه همچنان دامنگیر ما است، چرا که جریان نظامی داعش همزمان با بحران مالی کردستان بود در حدی که پولی که ما در بانک اسکان سلیمانیه داشتیم، در طی این بحران و به دستور استاندار از محل شرکت خارج و هزینه شده بود و هنوز هم برای بازپس گیری این پول درگیر مسائل اداری و حقوقی هستیم.

پروژه دیگر مجتمع زیتون ابوغریب بود که امروزه با ۷۵ درصد پیشرفت در حال بهره‌برداری است. این پروژه از سال ۲۰۱۰ با حضور یک شرکت ایرانی و یک شرکت عراقی شروع شده بود، که این شرکتها با ظهور داعش و سایر مسائل متضرر و گرفتار شده بودند. ما با همکاری شرکت «تک ایستای جنوب» انجام این پروژه ۲ هزار واحدی را با کل تاسیسات زیربنایی بر عهده گرفتیم. آنچه در این کار برای ما اهمیت داشت این بود که پروژه‌ای که از سال ۲۰۱۰ با حضور شرکت عراقی، در کشور عراق زمین‌گیر شده بود به نتیجه رساندیم،



بله، در آن مقطع که مشغول کار در کردستان عراق بودیم و مشکل داعش بروز کرده بود، دولت تصمیم درستی گرفت و کمک تسهیلات صدور خدمات فنی و مهندسی را به پیمانکاران ایرانی اختصاص داد که جا دارد از جناب آقای دکتر گلابتونچی دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و مهندس مهدیار و زنده یاد رستم قاسمی برای پیگیری آن تشکر کنم. اگر در آن مقطع این تزریق نقدینگی به شرکت‌های ایرانی که به مثابه درختان جوانی که در حال ریشه دواندن در بازار عراق بودند، انجام نمی‌شد امروز نه از تاک نشانی مانده بود و نه از تاک نشان. ولو این که همین کمک تسهیلات، در حال حاضر برای ما مشکل جدی ایجاد کرده است. ما فکر نمی‌کردیم قیمت ارز در چند سال به این نحو تغییر کند. این وام یک وام ارزی بود که قرار بود از طریق کلنون بانک چین تخصیص یابد، اما هیچ پیمانکاری عملاً ارزی ندید و ریالهایی با ریزش به حساب پیمانکاران واریز شد.

ریزش این پولها با عناوین مختلف از جمله سود صندوق ضمانت و کارمزد بانک، و ... همراه بود. از طرفی ریالی که به حساب ما واریز شد ناچار به دلار و دینار تبدیل کردیم و به عراق فرستادیم. واقعیت این است که با وجود چنان مشکلاتی شاید اگر پیمانکاران یکبار دیگر به آغاز آن مسیر برگردند، خود را درگیر چنین مشکلاتی که خارج از تاب و توان آنها است نکنند. ما ناخواسته یا خواسته در مسیری قرار گرفتیم که طی آن مشکلات یکی یکی خود را نشان می‌دادند.

### **انگیزه افرادی چون شما که با چنین محدودیتهای و موانعی، همچنان برای گسترش صدور خدمات فنی و مهندسی در کشورهای همسایه پافشاری می‌کنند چیست؟**

بخشی از این پافشاری و پیگیری مربوط به تفکرات شخصی است. خدا را شکر می‌کنم تا امروز با انجام پروژه‌های مختلف در ایران و خارج از ایران، کار نیمه تمام و ناتمامی را به جای نگذاشته‌ام. البته باید توجه کرد وقتی ما به عنوان پیمانکار شروع به کار



نقدینگی نیست، داشتن تجهیزات و ماشین آلات هم می‌تواند مدنظر باشد که پیمانکاران به دلایل مختلف نمی‌توانند از آنها در ایران استفاده کنند و می‌توانند آنها را به امکانی برای کار در عراق تبدیل کنند. سندیکا به عنوان تشکلی که به طور تخصصی و موثر در زمینه مشکلات پیمانکاران کار کرده است می‌تواند به عنوان فیلتری عمل کند که توانایی و صلاحیت شرکتها برای ورود به عرصه صدور خدمات فنی و مهندسی را ارزیابی کند تا پیمانکاران ایرانی با چهره موفق تری در کشورهای همسایه ظاهر شوند.

### **به برخی از مشکلات موجود در مسیر صدور خدمات فنی و مهندسی اشاره کردید. آیا با موارد دیگری از این گونه مشکلات مواجه شده‌اید؟**

اگر رویکرد واقعی افزایش صدور خدمات فنی و مهندسی باشد باید قبل از هر کاری مشکلات موجود در زمینه قوانین و مقررات بویژه داخلی مرتفع گردد.

یک مشکل مهم در زمینه ضمانت نامه است که سالیان سال است مانند گره کوری پا برجاست. دولت ایران مایل است مشکل ضمانت نامه را حل کند اما مباحثی مانند FATF و سوئیفت و... به خاطر شرایط تحریم وجود دارد و مانع از این کار می‌شود. که البته در سفر اخیر ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به عراق وزیر محترم دارایی قول های امیدوار کننده ای در این زمینه داده اند که امید است منتج به نتیجه گردد. از طرفی عراق کشوری است که منابع فروش روزی ۶ میلیون بشکه نفت آن در بانکهای

اشکالی ایجاد کرده است. گاهی وقتها پیمانکاران ناموفق فکر می‌کنند در عراق قانون و کنترلی نیست و می‌توانند به راحتی در آنجا کار کنند که همین تفکر لطمه بزرگی به سیستم خدمات فنی مهندسی زده است. این امر به شکل گیری قراردادهای ناموفق یا نصفه نیمه با مشکلات حقوقی منجر شده است. فقدان یک متولی مسلط و موازی کاری‌هایی بدون تخصص در دستگاههای مختلف منجر به بروز مشکلات جدی در این حوزه گردیده است. برای رفع این مشکل لازم است یک نهاد واحد، مدیریت این مهم را بر عهده گیرد. دلیل این که چنین اتفاقاتی برای شرکتها مثل کشور ترکیه نمی‌افتد وجود انسجام بین دولت و شرکتها است، دولت و تشکلهای مهندسی، پروژه‌های مناسب منطقه را شناسایی و پیمانکاران خوب را برای انجام آن گزینش می‌کنند. ضمن این که مشکلاتی مانند تحریم و جابجایی پول و مشکل عدم امکان اخذ ضمانت نامه نیز برای پیمانکاران سایر کشورها وجود ندارد.

### **به نظر می‌رسد همان گونه که داخل ایران صحبت از سرمایه‌گذاری پیمانکاران است، در کشورهای دیگر هم چنین گفتمانی شکل گرفته است. نظر شما در این باره چیست. آیا پتانسیل سرمایه‌گذاری برای پیمانکاران ایرانی وجود دارد؟**

قطعاً پیمانکارانی باید وارد حیطه صدور خدمات فنی و مهندسی شوند که از استانداردها و ظرفیتهای قابل قبولی برخوردار باشند از جمله در زمینه ظرفیت مالی. منظور از این ظرفیت صرفاً داشتن

کردیم وارد مسیری شدیم و در همان مسیر با مشکلاتی روبرو شدیم که برای گذر از آنها ناچار شدیم قدمهایی برداریم که همین قدم برداشتن مسائل جدیدی با خود به همراه داشت. اما آنچه اهمیت دارد این است که امروز با گذشت ۲۱ سال از این مسائل، خود من به این یقین رسیده‌ام که امروز وقت کار کردن در عراق است. امروز باید پیگیر سهم خود از بازار عراق باشیم چون شرایط مهیا است.

با این که عراق بسیاری از مسائل مالی و بین‌المللی خود را حل کرده، هنوز هم آستن ریسکهای مختلف است. پیمانکاران ایرانی با تصور این که ریسک کار در عراق پایین است درخواست کار از عراق دارند. چندین شرکت ایرانی به آنجا رفته‌اند و موفق نبوده‌اند، ضمن این که امکان صدور ضمانت نامه برای شرکتها ایرانی در عراق فعلاً فراهم نیست. واقعیت این است که برای پایین آوردن ریسک کار در عراق لازم است پیمانکاران با قوانین آشنا باشند و زیربنای اولیه کار را محکم بنا کنند.

موضع کنونی عراق بر این منوال است که با وجود علاقه‌ای که به کار پیمانکاران ایرانی دارد، موضوع سرمایه‌گذاری را به عنوان معیاری برای ریسک‌پذیری پیمانکاران ایرانی پیش کشیده است. هر پیمانکاری که وارد حیطه سرمایه‌گذاری شود به زودی می‌تواند از پروژه‌های پیمانکاری منتفع شود. در عراق تبلیغاتی علیه پیمانکاران ایرانی می‌شود که آنها فقط دنبال کار پیمانکاری و گرفتن پول هستند، یا کارها را نیمه تمام می‌گذارند، و پول می‌گیرند و می‌روند.

در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عراق و انجام با کیفیت پروژه‌ها می‌تواند با جلب اعتماد مسئولان و مردم عراق، درهای بازار صدور خدمات فنی و مهندسی عراق را به روی پیمانکاران ایرانی باز کند.

### **آیا عملکرد پیمانکاران ایرانی در عراق، تصویری از این دست را رقم زده که آنها کار را نیمه تمام رها می‌کنند یا پروژه را دست دوم می‌کنند؟**

واقعیت این است که گزینشی برای ورود پیمانکاران ایرانی به حوزه صدور خدمات فنی و مهندسی وجود ندارد و همین امر





فدرال رزرو آمریکا قرار دارد و از همین رو قدرت تصمیم‌گیری صد درصدی روی منابع مالی خود ندارد. عراق نمی‌تواند به صراحت قانون خود یا تحریم‌های ایران را دور بزند. البته هر وقت صحبت از ضمانت‌نامه می‌شود، خود من یاد پیامکی می‌افتم که روز مهندس دست به دست می‌شود مبنی بر اینکه «برای مهندس بن بستنی وجود ندارد، یا راهی می‌یابد یا راهی می‌سازد». با این که ضمانت‌نامه به طور رسمی صادر نمی‌شود اما اگر مهندسان ایرانی بخواهند در عراق کار کنند، راه‌های زیادی برای حل این موضوع وجود دارد.

### وقتی صحبت از موانع و مشکلات در مسیر صدور خدمات فنی و مهندسی به میان می‌آید، ناخودآگاه حضور پیرنگ و قدیمی شرکت‌های ترک در منطقه به ذهن خطور می‌کند. آیا پیمانکاران ایرانی توان رقابت با آنها را دارند؟

روزگاری بود که برای ساخت بزرگراه‌ها و پروژه‌های ملی صحبت از حضور شرکت‌های خارجی می‌شد، وقتی هم بعد از جنگ تحمیلی قسمت اول اتوبان تهران- ساوه توسط پیمانکار ایرانی ساخته شد مشکلاتی در آن دیده شد که انتقادها را رقم زد. اما امروز ما ایرانی‌ها به تونل توحید، پل صدر، زیرگذر نیایش و خیلی از نیروگاه‌ها، پتروشیمی‌ها، پالایشگاه‌ها افتخار می‌کنیم یعنی هیچ مشکلی در زمینه طراحی و اجرای تخصصی این نوع پروژه‌ها نداریم و این در شرایطی است که در حال حاضر برای سال ۲۰۲۴ حدود ۱۵۰۰ پروژه عمرانی در کشور عراق تعریف شده است که متاسفانه شرکت‌های ایرانی تقریباً هیچ نقشی در آنها ندارند.

بیشترین مشکل پیمانکاران ما مربوط به نقدینگی است. اگر مسائل مربوط به تامین مالی مرتفع گردد و حمایت‌های دولت از صادرکنندگان خدمات فنی و مهندسی محقق گردد، پیمانکاران ایرانی رقیبان منطقه‌ای خود را عقب خواهند زد. دلیل حضور پیرنگ پیمانکاران سایر کشورها از حمایت و هماهنگی دولتی و حرفه‌ای بودن بخش خصوصی آنها ناشی می‌شود. این حرفه‌ای بودن اهمیت دارد. خیلی وقتها بخش خصوصی ما خواهان حمایت دولت است، اما بعد از حمایت دولت، حرفه‌ای بودن پیمانکاران هم مهم است از جمله روش تعامل با کارفرما و احترام به قانون آن کشور. گاهی پیمانکاران ایرانی قوانین کشور مقصد را نادیده می‌گیرند که معضلاتی ایجاد می‌کند. این در حالی است که ما به عنوان بخش خصوصی باید پیشران

**در اینجا لازم می‌دانم حتماً به این مسئله اشاره کنم در حال حاضر سفیر محترم ایران، جناب آقای ال‌صادق توان قابل توجهی برای برقراری ارتباط و تعامل با دولت عراق دارند که از دیدگاه بنده بخش خصوصی ایران از یک صدم این توان هم استفاده نکرده است. تسلط به فرهنگ و زبان عربی و روابط بسیار خوب با مسئولین عراقی از ویژگی‌های بارز سفیر محترم جمهوری اسلامی در عراق می‌باشد که راه‌گشای حل بسیاری از مشکلات شرکت‌های ایرانی در عراق می‌باشد که بنده خود چندین بار این حمایت و تجربه را داشته‌ام پس باید از این پتانسیل بسیار بالا استفاده شود و شرایط حضور شرکت‌های توانمند و پایدار در عراق باز شود.**

این تعامل و احترام به قوانین کشورهای هدف باشیم، تا این تعامل حفظ شود و گسترش یابد.

در اینجا لازم می‌دانم حتماً به این مسئله اشاره کنم در حال حاضر سفیر محترم ایران، جناب آقای ال‌صادق توان قابل توجهی برای برقراری ارتباط و تعامل با دولت عراق دارند که از دیدگاه بنده بخش خصوصی ایران از یک صدم این توان هم استفاده نکرده است. تسلط به فرهنگ و زبان عربی و روابط بسیار خوب با مسئولین عراقی از ویژگی‌های بارز سفیر محترم جمهوری اسلامی در عراق می‌باشد که راه‌گشای حل بسیاری از مشکلات شرکت‌های ایرانی در عراق می‌باشد که بنده خود چندین بار این حمایت و تجربه را داشته‌ام پس باید از این پتانسیل بسیار بالا استفاده شود و شرایط حضور شرکت‌های توانمند و پایدار در عراق باز شود. ایشان دید ملی و فراملی دارد. حتی به یاد دارم ایشان زمانی از یک شرکت ایرانی که در عراق موفق عمل نکرده بود با جدیت حمایت می‌کردند تا حقوق ایشان حفظ شود و مشکلاتشان کمتر گردد. چرا که ایشان اعتقاد دارند نمی‌توان عقبه خوب و تخصصی یک شرکت را به خاطر یک کار ناموفق نادیده گرفت.

### چرا صدور خدمات فنی و مهندسی ایران بیشتر در کشور عراق متمرکز شده است؟ چرا با وجود قربانیت فرهنگی ایران و سوریه، این رویکرد درباره صدور خدمات فنی و مهندسی به سوریه شکل نگرفته است؟

البته من این نکته‌ای را که می‌فرمایید را خیلی قبول ندارم. قطعاً محدودیت‌های جدی برای فعالیت پیمانکاران ایرانی در سایر نقاط جهان از جمله سوریه وجود ندارد، حتی در حوزه CIS نیز شرایط نسبتاً مطلوبی برای آنها فراهم است چون اطلاع دارم که پیمانکاران ما در این کشورها پروژه‌هایی را اجرا کردند یا در حال اجرا دارند. اما عراق چند خصوصیت دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. ایران حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مرز خاکی و ۱۶ مبادی رسمی ورود و خروج با عراق دارد در حالی که ترکیه فقط





مدعوین قرار گرفت.

### به عنوان سوال آخر، پیشنهاد شما برای پیمانکاران ایرانی که قصد سرمایه‌گذاری یا کار در عراق را دارند چیست؟

واقعیت این است که هر چند وقت یکبار فرصت خوبی برای انجام کاری به وجود می‌آید. در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی این فرصت یعنی ورود به بازار عراق است که پیمانکاران ایرانی باید آن را مغتنم بشمارند. در حال حاضر سفیر ایران در این کشور به مسائل مشاوران و پیمانکاران اهمیت می‌دهند.

سفیر محترم ایران در عراق بسیار حامی توسعه بخش بازرگانی و صدور خدمات فنی و مهندسی ایران در عراق می‌باشد. ضمن اینکه سندیکای شرکت‌های ساختمانی در ایران نقش تاثیرگذاری در مسائل مربوط به صنعت احداث ایفای می‌کند که می‌تواند به عنوان نقطه قوت ما برای رفع مشکلات و موانع موجود در صدور خدمات فنی و مهندسی به کار آید.

پیمانکاران باید بدانند برای ورود به بازار عراق نیز اولین چیزی که لازم است داشتن اطلاعات دقیق و کافی از قوانین عراق و پروژه‌های تعریف شده در این کشور است. تلاش برای برقراری ارتباط بدون واسطه با مسئولان کشور عراق، و گفتگو و توافق در زمینه کلیات و جزئیات امور نیز قدم موثر و ضروری بعدی است.

### سخن آخر؟

در پایان فرصت را غنیمت دانسته، از خانواده عزیزم به خصوص همسر و دخترم که واقعا در تمامی این سال‌ها و در همه این شرایط صورانه همراه من بودند، صمیمانه قدر دانی می‌کنم.

داعش و فراندوم، اقتصاد کردستان عراق را گرفتار کرد. اکثرا پیمانکاران ایرانی در کردستان عراق موفق به دریافت مطالبات خود نشده‌اند و مسئولان اقلیم صراحتا می‌خواهند ایران برای حل مشکل آنها با بغداد پادرمیانی کند تا آنها هم پول پیمانکاران ایرانی را پرداخت کنند در صورتی که این موضوع اصلا ارتباطی به بخش خصوصی ندارد.

در حال حاضر از لحاظ کار پیمانکاری، کردستان عراق در حاشیه است و مرکز و جنوب عراق مدنظر است، مخصوصا در دولت آقای السودانی پروژه‌های بسیار ارزنده‌ای تعریف شده است. ایران باید از این فرصت استفاده کند. البته هر وقت بحث صدور خدمات فنی مهندسی در ایران می‌شود، صحبت از مشکلات و موانعی می‌شود که دولت به گردن بخش خصوصی و بخش خصوصی به گردن دولت می‌اندازد که فعالیت پیمانکاران ایرانی را در برابر رقبای خود از جمله ترکیه کم می‌کند.

متاسفانه تا چند سال پیش رویکرد وزارت امور خاجه ایران اقتصادی نبود اما بعد از چندین سال پیگیری که توسط سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و انجمن‌های مشابه و شرکت‌های ذی نفع انجام شد این حصر شکسته شد و وزارت خارجه معاونت اقتصادی خود را فعال تر از پیش کرد. حدود ۶-۷ ماه پیش نیز اولین همایش اقتصادی وزارت خارجه برگزار شد. خیلی جای خوشحالی است که این رویکرد در دولتها تغییر یافته و سفیران محترم، حضور و فعالیت بازرگانان و سازندگان را مغتنم می‌دانند لازم به ذکر است در این همایش سخنرانی دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی کشور به شدت مورد توجه

یک مرز با عراق دارد- هر چند تبادل ارزی آن بیشتر از ۱۶ مرز ما است- . پیوندهای فرهنگی بین ایرانی‌ها و عراقی‌ها نیز رفت و آمد و تعامل را آسان کرده است. تمام شرکت‌های ایرانی که در عراق کاری انجام داده و به سرانجام رسانده‌اند تبدیل به برند خوبی برای ایران شده‌اند و اعتماد عراقی‌ها را به کار پیمانکاران ایرانی بیشتر کرده‌اند. از طرفی عراق در خط زلزله نیست و محدودیتهای ساخت و ساز که رعایت آنها هزینه بر است در آن کشور الزامی نیست. مسئله بعدی توان فنی و مهندسی پیمانکاران ایرانی است که از استانداردهای قابل قبولی برخوردار هستند. این در حالی است که در کشورهایی مانند قطر و امارات با ابرپروژه‌های اروپایی و سرمایه‌گذاری‌های آنچنانی روبرو می‌شویم که توان رقابت را محدود می‌کند.

امروز رفتن از تهران به بغداد آسانتر از رفتن از تهران به بندرعباس است، نیازی به ویزا نیست، و به سرعت می‌توان اقامت یک ساله گرفت. پتانسیل‌های قابل توجهی در عراق برای صدور خدمات فنی و مهندسی وجود دارد. ما با کشوری مواجه هستیم که با وجود جمعیت کم روزانه ۶ میلیون بشکه نفت می‌فروشد. این حجم نقدینگی، بازار قابل توجهی به وجود می‌آورد که نباید از آن غافل شد.

قطعا کشور سوریه هم مورد توجه پیمانکاران ایرانی است. اما بین کشور ما و سوریه فاصله جغرافیایی زیاد است. منابع مالی سوریه کمتر و امنیت آن فعلا برای پیمانکاران ایرانی کمتر است. به نظر آماده سازی لازم در این کشور برای ورود پیمانکاران خارجی انجام نشده و زیرساخت‌های لازم ایجاد نگردیده است.

### شرایط امروز اقلیم کردستان و کشور عراق برای کار پیمانکاران ایرانی چگونه است؟

در جلسه‌ای که در سال ۲۰۰۳ در همدان تشکیل شد وزیر کشور وقت کردستان، آقای فریدون عبدالقادر حضور داشت و عنوان کرد که در منطقه آنها فرصت طلایی برای کار پیش آمده است و باید پیمانکاران ایرانی از این فرصت استفاده کنند. ایشان درست می‌گفت و تا سال ۲۰۱۳ حجم نقدینگی و گردش مالی در اقلیم کردستان مناسب بود. اما از سال ۲۰۱۴ به بعد مسئله

# فروپاشی پنهان: کمبود نیروی کار متخصص در صنعت ساخت و ساز



پیمانکاران بخش خصوصی، موجب کاهش توانایی شرکت‌ها در پرداخت به موقع دستمزدها می‌گردد. از سوی دیگر، کاهش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی، به‌ویژه در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی و کاهش بودجه‌های دولتی، منجر به کاهش فرصت‌های شغلی در این صنعت شده است. این کاهش فرصت‌ها باعث شده است که بسیاری از متخصصان، از جمله مهندسان و مدیران پروژه، به دنبال فرصت‌های شغلی بهتر در خارج از کشور باشند. بر اساس آمارهای ارائه شده توسط اتاق بازرگانی تهران، حدود ۳۰ درصد از شرکت‌های عمرانی کشور در سال‌های اخیر به دلیل کمبود پروژه‌ها یا تعطیل شده‌اند یا به‌طور موقت فعالیت‌های خود را متوقف کرده‌اند.

نبود امنیت شغلی نیز از دیگر عوامل اصلی مهاجرت یا تغییر شغل است. در شرایط اقتصادی کنونی، همانطور که اشاره شد بسیاری از شرکت‌های صنعتی حوادث (که می‌بایست از مقتدرترین صنایع باشد)، حتی قادر به پرداخت به‌موقع حقوق کارکنان خود نیستند و این موضوع به شدت بر روحیه و انگیزه نیروی کار تأثیر منفی گذاشته است. در همین راستا، گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهند که نزدیک به ۴۰ درصد از مهندسان فعال در صنعت ساخت و ساز، به دلیل نارضایتی از شرایط شغلی به دنبال مهاجرت بوده‌اند.

به تغییر شغل گرفته و به فعالیت‌هایی مانند رانندگی در تاکسی‌های اینترنتی روی آورده‌اند. این پدیده دردناک، همراه با مهاجرت نیروی کار، چالش‌های جدی‌تری را برای این صنعت به وجود آورده است که قطعاً نیازمند توجه فوری و مدیریت مؤثر است. این مهاجرت‌ها و یا تغییر شغل‌ها نه تنها باعث کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌ها در پروژه‌ها شده، بلکه تأثیرات بلندمدتی بر کیفیت در توسعه‌یافته‌ترین بخش‌های صنعت ساخت و ساز کشور داشته است و حتی تهدیدی برای بقای صنعت احداث در کشور به شمار می‌آید.

## آسیب‌های ناشی از دست رفتن سرمایه‌های انسانی

یکی از اصلی‌ترین عوامل مهاجرت یا تغییر شغل نیروی کار، مشکلات اقتصادی حاکم بر کشور است. تورم فزاینده و کاهش شدید ارزش پول ملی، هزینه‌های زندگی را به شدت افزایش داده و درآمدهای جاری قادر به تأمین نیازهای اولیه افراد نیست. در صنعت ساخت و ساز، این شرایط به‌ویژه برای نیروهای کار ماهر و متخصص بسیار محسوس است. بسیاری از کارگران ماهر و تکنسین‌ها با وجود داشتن تخصص بالا، نمی‌توانند با دستمزدهای موجود یک زندگی مناسب را فراهم کنند. به موازات آن، در شرایط اقتصادی حاکم و با وجود تاخیرات بسیار در پرداخت مطالبات

**کمیسیون انتشارات: صنعت ساخت و ساز ایران در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های خود به سر می‌برد، دوره‌ای که نه تنها به دلیل عدم پرداخت به موقع مطالبات پیمانکاران از سوی کارفرمایان دولتی تحت فشار است، بلکه با موج گسترده مهاجرت و تغییر شغل نیروی کار متخصص نیز دست و پنجه نرم می‌کند.** این دو عامل در کنار یکدیگر، چالش‌هایی را ایجاد کرده‌اند که بقای این صنعت را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

مهاجرت نیروی کار متخصص از ایران، به‌ویژه در صنعت ساخت و ساز، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های این صنعت تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، عوامل مختلفی از جمله مشکلات اقتصادی، کاهش امنیت شغلی و شرایط نامناسب کاری باعث شده‌اند که بسیاری از تکنسین‌های ماهر، مهندسان و دیگر نیروهای کلیدی صنعت، کشور را ترک کنند. علاوه بر مهاجرت نیروی کار ماهر از صنعت ساخت و ساز، مشکل دیگری که به شدت این صنعت را تحت تأثیر قرار داده است، تغییر شغل بسیاری از افرادی است که به دلیل شرایط اقتصادی نامطلوب و عدم امنیت شغلی، از حرفه خود در این صنعت خارج شده و به مشاغل دیگری روی آورده‌اند. به عنوان مثال، بسیاری از اپراتورهای ماشین‌آلات سنگین یا تکنسین‌های ماهر به دلیل کاهش درآمد و نبود چشم‌انداز شغلی روشن، تصمیم





داشته باشند. این بازبینی‌ها اغلب منجر به تأخیرات قابل توجهی می‌شود که می‌تواند بهره‌وری و موفقیت کلی پروژه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، نبود نیروهای ماهر در بخش‌های کلیدی پروژه، ریسک‌های اجرایی را افزایش می‌دهد که این خود می‌تواند به شکست پروژه‌ها یا نیاز به انجام اصلاحات اساسی پس از اتمام کار منجر شود. این وضعیت، نه تنها بر بهره‌وری پروژه‌ها تأثیر منفی دارد، بلکه موجب شده تا شرکت‌ها بعضاً حتی از شرکت در مناقصات جدید نیز خودداری کنند؛ چرا که اطمینانی به پیدا کردن تیم کاری مناسب و متعاقباً توانایی نگهداشت نیروی کار تا پایان پروژه ندارند.

### نتیجه‌گیری

مهاجرت گسترده نیروهای ماهر و حتی کارگران ساده، در کنار تغییر شغل از کارهای تخصصی به هرآنچه درآمدی باشد که امروز را به فردا برساند، از دست رفتن سرمایه‌های انسانی و تخصصی‌ای است که شرکت‌ها طی سال‌ها با تلاش فراوان به دست آورده‌اند. در نهایت، باید گفت که ترکیب مهاجرت گسترده نیروی کار و چالش‌های مدیریتی ناشی از آن، آینده جامعه را با تهدیدهای جدی مواجه کرده است. بدون توجه فوری و مؤثر به این بحران‌ها، نه تنها شاهد کاهش شدید کیفیت و افزایش هزینه‌های پروژه‌ها خواهیم بود، بلکه بقای بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری نیز در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد گرفت. این وضعیت، نیازمند واکنش جدی و برنامه‌ریزی دقیق است، هرچند که راه‌حل‌های اساسی برای این بحران پیچیده، فراتر از توان و اختیار پیمانکاران است و نیازمند راه‌حل‌اندیشی و برنامه‌ریزی بنیادی از سوی دولت است. / ۳۰ مرداد

عمرانی و صنعتی استفاده می‌شوند. ماشین‌آلاتی مانند جرثقیل‌های سنگین، بولدوزرها، و دستگاه‌های حفاری که در اجرای پروژه‌های بزرگ نقش اساسی دارند، نیازمند نگهداری و تعمیرات منظم توسط تکنسین‌های متخصص هستند. با خروج این نیروها، شرکت‌ها با کمبود شدید در زمینه نگهداری و تعمیرات مواجه می‌شوند که می‌تواند به خرابی‌های ناگهانی، توقف‌های غیرمنتظره و در نهایت تأخیرات گسترده در پروژه‌ها منجر شود. این مشکل به ویژه در پروژه‌هایی که در مناطق دورافتاده یا شرایط سخت جغرافیایی اجرا می‌شوند، مشهودتر است. در این شرایط، دسترسی به نیروهای متخصص برای نگهداری و تعمیرات به موقع ماشین‌آلات حیاتی است و نبود این نیروها می‌تواند به توقف کامل پروژه و افزایش هزینه‌های مرتبط با تعمیرات اضطراری منجر شود. و اکنون ما از جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که نه تنها نیروهای چنین متخصص آن در حال مهاجرت هستند، بلکه نیروهای کار ساده و نیمه متخصص نیز به موج مهاجرین اضافه گردیده‌اند.

### چالش‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی در پروژه‌های عمرانی

بحران کمبود نیروی کار ماهر و متخصص به ویژه ناشی از مهاجرت، به طور مستقیم بر مدیریت و برنامه‌ریزی پروژه‌های عمرانی نیز تأثیر می‌گذارد. مدیران پروژه‌ها که اغلب با تکنسین‌ها و نیروهای فنی باتجربه کار می‌کنند، با خروج این افراد با چالش‌های بزرگی مواجه می‌شوند. این چالش‌ها شامل نیاز به تطبیق با نیروهای جدید، بازبینی برنامه‌های زمان‌بندی و هزینه، و حتی بازنگری در برخی از روش‌های اجرایی می‌شود. در بسیاری از موارد، عدم دسترسی به نیروی کار ماهر باعث می‌شود که پروژه‌ها نیاز به بازبینی کامل برنامه‌های خود

این آمارها نشان از یک بحران جدی دارد که در صورت ادامه، پیامدهای بلندمدتی برای کشور خواهد داشت.

از دیگر مشکلات اساسی ناشی از مهاجرت یا تغییر شغل نیروی کار متخصص، از دست رفتن سرمایه‌های انسانی است که شرکت‌ها سال‌ها برای تربیت و آموزش آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در صنعت ساخت‌وساز، تکنسین‌های ماهر و کارگران فنی ارزشمندترین دارایی‌های یک شرکت هستند. این افراد با گذراندن سال‌ها تجربه و آموزش، به تخصص‌هایی دست یافته‌اند که به راحتی قابل جایگزینی نیستند. به ویژه وقتی این افراد کشور را ترک می‌کنند، شرکت‌ها نه تنها این تخصص‌ها را از دست می‌دهند، بلکه باید مجدداً برای تربیت نیروهای جدید زمان و هزینه‌های قابل توجهی صرف کنند. برای مثال، در پروژه‌های صنعتی بزرگ مانند نیروگاه‌ها یا پروژه‌های زیرساختی، تربیت یک تکنسین ماهر ممکن است چندین سال زمان ببرد. این افراد در طول این مدت با تجهیزات پیچیده و سیستم‌های خاص پروژه آشنا می‌شوند و مهارت‌هایی کسب می‌کنند که برای اجرای موفق پروژه‌ها ضروری است. با خروج این نیروها، پروژه‌ها با کمبود مهارت‌های ضروری مواجه می‌شوند که به کاهش کیفیت کار و افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود.

کاهش کیفیت اجرا یکی دیگر از پیامدهای مستقیم مهاجرت و یا تغییر شغل نیروی کار متخصص است. در پروژه‌های پیچیده‌ای مانند ساخت پل‌ها، تونل‌ها، نیروگاه‌ها و پروژه‌های صنعتی، تکنسین‌های ماهر و مهندسان اجرایی نقش حیاتی در اجرای دقیق و مطابق با استانداردها دارند. خروج این افراد و جایگزینی آن‌ها با نیروهای کمتر ماهر یا نیروهای تازه‌کار می‌تواند به اشتباهات فنی و اجرایی منجر شود که در نهایت باعث کاهش کیفیت پروژه‌ها می‌شود. برای مثال، در پروژه‌های ساخت سد که نیازمند دقت بالا در اجرای عملیات بتن‌ریزی و نگهداری از ماشین‌آلات سنگین است، عدم حضور تکنسین‌های باتجربه می‌تواند به نقص‌های جدی در ساختار سد و افزایش ریسک‌های ایمنی منجر شود. این مشکلات اغلب نیازمند بازکاری‌های پرهزینه و افزایش زمان بندی پروژه هستند که خود به کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های کلی پروژه منجر می‌شود.

یکی دیگر از پیامدهای بحران نیروی کار، چالش‌های مرتبط با نگهداری و تعمیرات ماشین‌آلات سنگین است که در پروژه‌های



# «حمایت قضایی از تولید»

## توسط پنج تشکل ملی کشور

مضاعف قوه قضائیه از ابزار، مقدمات و امکانات در قالب عضویت در نهادها، مراجع و مجامع تصمیم‌گیر ملی و استانی از جمله پیشنهادات ارائه شده در دبیرخانه شورای رفع موانع و حمایت از تولید دیوان عدالت اداری در این نامه می‌باشد.

در پی انتشار این نامه، خبرنگار سندیکا از آقای محمد تکلی، نماینده سندیکا در کانون عالی کارفرمایی ایران و نماینده سندیکا در دبیرخانه هماهنگی تشکل‌های ملی کارفرمایی کشور در زمینه اهمیت این موضوع سوال نمود که وی عنوان کرد: رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری در حکم قانون است و این رای می‌تواند همه قوانین و بخشنامه‌های ذیل موضوع را تحت تأثیر قرار دهد. اگر دیوان عدالت اداری رای‌ی نادرست یا مبهم در حوزه کسب و کار بدهد، کسب و کار همه فعالان بخش خصوصی از جمله پیمانکاران را مختل می‌نماید. ضمن این که اصلاح و رفع ابهام از چنین آرای‌ی زمان‌بر و دشوار است.

وی افزود: برای اینکه چنین پروسه‌ای تکرار نشود و دیوان عدالت اداری از معضلات بخش خصوصی آگاه شود جلسه‌ای با آقای دکتر محدث به عنوان معاون قضایی حفظ حقوق عامه و دبیر شورای رفع موانع و حمایت از تولید دیوان عدالت اداری داشتیم و در جلسه با طرح موضوعات و مشکلات حوزه کسب و کار و در صدد رفع موانع و چالش‌های تولید و صنعت و کاهش پرونده‌های دیوان، استفاده از کارشناسان و مشاوران بخش خصوصی در زمان صدور رای را بعنوان یک راهکار ارائه نمودیم تا از صدور آرای مخل کسب و کار جلوگیری شود که نامه معاون قضایی و حفظ حقوق عامه به رئیس دیوان عدالت اداری، نشان از توجه و پیگیری ایشان به موضوع «حمایت قضایی» از تولید دارد.

با تشکل‌های ملی کار و کارفرمایی کشور و ستاد تسهیل، موارد مهم چالش‌های پیش رو در حوزه تولید در کشور و راه‌های برون رفت از این چالش‌ها را به صورت جداگانه برشمردند.

از مهمترین این چالش‌ها که در این نامه به آن اشاره گردیده است می‌توان بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و روش‌های ناظر بر کسب و کار، ضعف تصمیم‌گیری و عدم برخورداری از نظریات کارشناسی در پرونده‌های قضایی در حوزه کار و تولید، برخورد‌های غیر منصفانه و شدید برخی نهادها و سازمان‌ها با بخش تولید، آسیب‌شناسی نحوه اجرای قوانین پایه حوزه حمایت از تولید همچون قانون بهبود محیط کسب و کار، عدم نظارت کامل و کافی بر روند واگذاری و خصوصی‌سازی عنوان کرد و به ارتقا ظرفیت‌های صنعتی و تولیدی کشور از طریق ایجاد ثبات، امنیت و اعتماد در حوزه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و ضرورت اصلاح جدی رفتار و عملکرد مخل تولید در نظام بانکی کشور را از دیگر چالش‌های حوزه تولید بیان داشتند.

وی در شرح و تبیین نحوه حمایت دستگاه قضایی در رفع چالش‌های مذکور گفت: تهیه و تدوین پیش‌نویس قانون جامع حمایت از تولید ملی در قالب لایحه قضایی، تقویت عملکرد دستگاه‌های نظارتی همچون سازمان بازرسی کل کشور از ظرفیت تشکل‌های صنفی، ضمانت و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات اقتصادی و جلوگیری از ترک فعل، تدوین مقررات الزام‌آور به منظور ضرورت حضور و عضویت کارشناسان و نمایندگان صنفی بخش خصوصی در مراجع قضایی و شبه قضایی بعنوان مشاور و کارشناس، نقش آفرینی قوه قضائیه در هنگام بررسی اهلیت و صلاحیت متقاضیان واحدهای تولیدی، بهره‌گیری

در سال‌های اخیر، شاهد شکل‌گیری مفهومی به نام «حمایت قضایی از تولید» در کنار مفاهیمی مانند «حمایت دولت از تولید» و «قوانین تسهیل‌کننده کسب و کار» بوده‌ایم که ضرورت توجه نهادهای حاکمیتی از جمله دولت، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه را به موضوعاتی مانند تولید، صنعت، کسب و کار، ساخت و ساز و... به همراه دارد.

این موضوع از دید پنج تشکل ملی کارفرمایی کشور نیز مغفول نمانده است و دبیرخانه این پنج تشکل ملی که متشکل از اتاق بازرگانی ایران، اتاق تعاون ایران، اتاق اصناف ایران، خانه صنعت، معدن و تجارت و کانون عالی کارفرمایان ایران است، در اواخر خرداد ماه، طی دیداری با معاون قضایی حفظ حقوق عامه دیوان عدالت اداری، خواهان اخذ نظر و دیدگاه بخش خصوصی در زمینه تصمیمات، آرا و احکام قضایی در حوزه کسب و کار شدند.

در پی این پیشنهاد بود که آقای دکتر محدث به عنوان معاون قضایی حفظ حقوق عامه و دبیر شورای رفع موانع و حمایت از تولید دیوان عدالت اداری، طی نامه‌ای به رئیس دیوان عدالت اداری، ضمن تبیین چالش‌ها، موانع و آفت‌های تولید، به بیان راهکارهایی برای برون رفت از این چالش‌ها پرداخت و خواستار انعکاس این نظرات به ریاست قوه قضائیه و تصمیم‌گیری در این زمینه شد.

به گزارش روابط عمومی دیوان عدالت اداری، عباس محدث معاون قضایی حفظ حقوق عامه و دبیر شورای رفع موانع و حمایت از تولید دیوان عدالت اداری در این نامه به ضرورت حمایت از سرمایه‌گذاری و مالکیت مشروع و سالم در سال جهش تولید با مشارکت مردم تاکید و با بیان اینکه این شورا با تشکیل چندین جلسه



# بیم و امید فعالان صنعت احداث با تغییر در مدیریت سازمان برنامه و بودجه

برنامه زمانی برنامه است که اهداف آن قابل کنترل باشد و مثلا بگوید من ۵ درصد خطا کردم، ۱۰ درصد انحراف داشتم. این که دیگر برنامه نیست، بعضا در احکام کیفی می‌گویند ۳۰ درصد محقق شد اما در احکام کمی نه تنها هیچ کدام محقق نشد بلکه ما عقب‌گرد داشتیم. در مورد سرمایه‌گذاری در برنامه ششم آیا ما رشد داشتیم؟ ببینید وضعیت استهلاک و ضریب آن چگونه است. نه تنها موفق نشده، عقب‌تر هم رفته است. این دیگر برنامه نیست، این حدس و گمان است. تیری در تاریکی انداختن است. بنابراین کشور نیازی به چنین برنامه‌ای ندارد. نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه ۴ سال وقت مملکت را می‌گیرد.»

آنچه خواندید متن سخنرانی آقای پورمحمدی در تاریخ ۲۷ تیر ۱۴۰۳ بود، و حالا خود آقای پورمحمدی در راس سازمان برنامه و بودجه قرار گرفته، سازمانی که به زعم ایشان، بسیاری از تلاشهای آن در راستای تدوین و اجرای برنامه‌ها و احکام توسعه محقق نشده است. شنیدن این صحبتها بیم و امید را در دل فعالان صنعت احداث ایجاد کرده است. نگرانی از اینکه آیا فردی که می‌اندیشند «عملا برنامه‌ای وجود ندارد و اگر هم وجود دارد امکان تحقق آن بسیار کم است» قادر به تاثیرگذاری در سازمان برنامه و بودجه است. و امیدواری از اینکه، آقای پورمحمدی درک و دریافت عمیقی از شرایط برنامه نویسی و اجرای آن در کشور دارد که بینش روشنی برای اداره این سازمان در اختیار وی قرار خواهد داد. **حالا این آقای پور محمدی است که باید نقشه راهی تدوین کند که از کوتاهترین مسیر ممکن سازمان برنامه و بودجه را که متولی برنامه ریزی و پایش اجرای آن است در جایگاه قانونی خود مستقر و از دخالت سازمانها و نهادهای دیگر جلوگیری نماید.**



حالا اگر سازمان برنامه بخواهد برنامه‌ای بنویسد که با مبانی آسیب‌شناسی و کارهای تطبیقی با دنیا و اقتضاعات روز منطبق باشد، اول می‌بیند با سیاستها مغایر است. با هر شیوه‌ای خود را در این دالان تنگ و تاریک و باریک جا می‌دهد تا برنامه را به دولت ببرد، می‌بیند تمام وزرای دولت در مقابلش هستند چون آنها سهم می‌خواهند. بعد می‌خواهند برنامه را ببرند مجلس، و مجلس می‌نویسد و زیر و رو می‌کند. شما میزان احکامی که دولت به مجلس برده با آن میزانی که مجلس داده مقایسه کنید، حالا تازه به شورای نگهبان می‌رود که آنجا قدرت دولت یا قدرت استدلالش کمتر است، یا شورای نگهبان به قدری در تنگنای زمانی قرار می‌گیرد که سازمان برنامه نمی‌تواند برود و مبانی برنامه را بیاورد. نهاد جدیدی به نام مصلحت تشخیص نظام هم به وجود آمده که بخشی از احکام آنجا حذف می‌شود. از لحاظ زمانی ۲۲ ماه مجمع تشخیص وقت گذاشت که سیاستها را تدوین کند، ۲۲ ماه تمام، که آمد در سازمان برنامه، سازمان برنامه هم یک و نیم سال وقت گذاشت، یک سالی هم هست دولت آن را به مجلس داده، چهار سال وقت مملکت برای تدوین برنامه گذاشته شد و حالا دولت جدید می‌آید می‌گوید آن را قبول ندارد. حالا دولت جدید می‌خواهد بیاید، دیدند برنامه جمع نمی‌شود، گفتند ۳۰ بند آن را باید دولت لایحه بیاورد که هر کدام از آنها یک سال زمان می‌برد.

طی حکمی از طرف رئیس جمهور، آقای «سید حمید پورمحمدی» به عنوان معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب شد. در شرایطی که با این حکم، سازمان برنامه و بودجه موظف به تحقق اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری و قانون برنامه توسعه شده است، فیلم کوتاهی از صحبت‌های ایشان پیش از انتصاب به عنوان رئیس

سازمان برنامه و بودجه، در فضای مجازی دست به دست می‌شود که حاوی انتقاد ایشان از بی‌برنامگی در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه است. صحبت‌های رئیس سازمان برنامه و بودجه حاکی از درک ایشان از وضعیت برنامه نویسی و اجرای برنامه در گذشته دارد که امیدواریم روند مورد اشاره با حضور ایشان اصلاح یابد.

چکیده آنچه ایشان عنوان می‌کنند مبنی بر این است که سازمان برنامه مطلقا در تدوین سیاست‌های برنامه نقشی ندارد. مجمع تشخیص علنا مدل‌های اقتصادی سازمان برنامه را زیر سوال می‌برد. هیچ بخشی از برنامه‌های توسعه محقق نمی‌شود و عقب‌گرد داریم.» اما مشروح سخنان ایشان که در سایت نود اقتصادی منتشر شده، به شرح زیر است:

«سازمان برنامه در تدوین سیاست‌ها مطلقا نقشی ندارد، یعنی در مجمع (تشخیص مصلحت) هم دفاعی می‌کند ولی وقتی که آنجا همه سیاستها تدوین می‌شود و حتی اهداف کمی برای ما گذاشته می‌شود، سازمان برنامه چه کار می‌تواند بکند. این برنامه چه پشتوانه فکری می‌تواند داشته باشد؟ مدل‌های اقتصادی ما می‌گفت بیش از ۲ درصد متوسط رشد نداریم، در همین برنامه هفتم، عنوان شده بیش از ۸ درصد باید برای متوسط رشد در نظر بگیریم. با این حساب، سازمان برنامه چه کار باید بکند؟

مجمع اصولش را تدوین و بیان می‌کند و



# «سند نظام فنی و اجرایی کشور» چه باید باشد و چگونه باید تدوین شود؟

شهرام حلاج (پژوهشگر و مشاور در نظام فنی و اجرایی و معاملات بخش عمومی)



روز دوشنبه ۱۸ تیرماه «قانون برنامه‌ی پنجساله‌ی هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران» در روزنامه‌ی رسمی منتشر شد و طبق ماده‌ی ۲ قانون مدنی از روز چهارشنبه ۳ مردادماه لازم‌الاجرا شده‌است. طبق ماده‌ی ۲۱ قانون نامبرده «سند نظام فنی - اجرایی یکپارچه کشور» موضوع ماده (۳۴) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور باید تا ۳ بهمن ۱۴۰۳ به تصویب هیئت وزیران برسد تا تمام دستگاههایی که به‌نوعی از جوه عمومی کشور استفاده می‌کنند از این سند پیروی کنند. آنچه نسبت به تاریخهای مذکور از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است، این است که: اساساً «سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه‌ی کشور» باید چگونه سندی باشد؟ چه کارکردهایی داشته باشد؟ و چگونه یا با چه روشی می‌توان به سندی با این اوصاف مطلوب دست یافت؟ در این نوشتار به این موضوعات خواهیم پرداخت.

با حرف M آغاز می‌شوند و آنها را تحت عنوانی مانند ۴M یا YM نام می‌برند. سبب افزایش یا کاهش تعداد این Mها آن است که گاهی مواردی مانند Mother Nature و گاهی Moral (به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی) را نیز به این مؤلفه‌ها می‌افزایند. اما آنچه در همه‌ی این دسته‌بندی‌ها مشترک است این چهار مؤلفه است:

2.3.1. Material

2.3.2. Machine

2.3.3. Manpower (Men)

2.3.4. Method

۲٫۴. تفکیک این چهار مؤلفه، به سبب تفاوت در الزامات و مسایل هریک از این چهار مؤلفه است و گرچه بر هم تأثیر دارند، اما نباید با یکدیگر خلط یا قاطی شوند. اگر در هنگام شناسایی «مواد» و تحلیل مسایل آن، مسایل «ماشین» را با آن قاطی کنیم، به قول معروف: ماستها را با قیমে‌ها قاطی کرده‌ایم.

۲٫۵. به همین صورت، اگر در هنگام شناسایی «روش»ها و حل مسایل آن یا طراحی و مستندسازی آن، مؤلفه‌ی «نیروی انسانی» یا «عوامل پروژه» را با مؤلفه‌ی «روش»ها قاطی کنیم، نیز همان آشفتگی رخ می‌دهد.

۳. چرا اینک، مشخصاً تفکیک «روشها» از «عوامل» (بازیگران) اهمیت یافته است؟

۳٫۱. زیرا در هنگام مکتوب‌ساختن تغییرات

«سند نظام فنی و اجرایی» در ماده‌ی ۳۴ قانون احکام دائمی برنامه‌ها و نیز ماده‌ی ۲۱ قانون برنامه‌ی هفتم آمده‌است، در رأس بخش رسمی این نظم نهادی قرار دارد.

## ۲. چرا توجه و تصریح به این ماهیت

«نهادی» یا «روشی» نظام فنی،

### اهمیت دارد؟

۲٫۱. اگر ندانیم که نظام فنی و اجرایی چه ماهیتی دارد و چه مواردی را شامل هست و چه مواردی را شامل نیست، آنگاه نمی‌توانیم این نظام را بدرستی فهم، تبیین، طراحی، ایجاد و بهسازی کنیم. ۲٫۲. مثلاً اگر خیال کنیم که «نظام فنی و اجرایی» شامل خود «عوامل اجرایی» هم هست، دچار خطای شناختی شده‌ایم. باید میان «روش بازی عوامل» با «خود عوامل» فرق بگذاریم.

۲٫۳. برای تبیین بهتر این موضوع، یادآوری می‌کنم: یک دسته‌بندی رایج مؤلفه‌های مدیریت کسب‌وکار، دسته‌بندی آنها ذیل ۴ تا ۷ واژه‌ی زبان انگلیسی است که همگی

«نظام فنی و اجرایی»، «نظم نهادی»

در شاخه‌ی احداث و بهره‌برداری پروژه‌ها

است و آنچه با نام «سند نظام فنی و

اجرایی» در ماده‌ی ۳۴ قانون احکام

دائمی برنامه‌ها و نیز ماده‌ی ۲۱ قانون

برنامه‌ی هفتم آمده‌است، در رأس بخش

رسمی این نظم نهادی قرار دارد.

## ۱. «نظام فنی و اجرایی» چه ماهیتی

### دارد؟

۱٫۱. این نظام در واقع یک «نظم نهادی» است، یعنی یک «مجموعه‌ی منظم از روشهای نهادینه شده» است.

۱٫۲. توضیح این که: از میان «روش»های گوناگونی که اشخاص مختلف در هر موقعیت فرضی استفاده می‌کنند، برخی روشها رواج و دوام می‌یابد و تبدیل می‌شود به یک «روش نهادینه».

۱٫۳. البته هر «روش نهادینه» (که آن را به اختصار «نهاد» می‌نامیم)، ممکن است به صورت عرفی و اجتماعی شکل گرفته باشد یا به صورت رسمی و اداری، یعنی با تصمیمات مکتوب نظام اداری. این گروه دوم را «نهادهای رسمی» می‌نامیم.

۱٫۴. مجموعه‌ای از نهادهای رسمی یا «مجموعه‌ای از روشهای رسمی و مکتوب، در پیوند منظم با یکدیگر»، یک «نظم نهادی رسمی» را می‌سازند.

۱٫۵. «نظام فنی و اجرایی» در واقع «مجموعه‌ای از روشهای رایج و ماندگار (نهادهای) است برای احداث و بهره‌برداری پروژه‌ها که تمام بازیگران طبق آن روشها رفتار می‌کنند» و «سند نظام فنی و اجرایی» «مقرره یا ابلاغیه‌ای است که به صورت رسمی مقرر و ابلاغ می‌شود تا بازیگران طبق روشهای مقرر در آن رفتار کنند». پس به اختصار می‌گوییم: «نظام فنی و اجرایی»، «نظم نهادی» در شاخه‌ی احداث و بهره‌برداری پروژه‌ها است و آنچه با نام



پیام آبادگران

مردادماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸



**که البته در سالهای اخیر، زیاد و در صدر انواع ابلاغیه‌ها مورد استناد قرار گرفته‌است - دارای خطاهای نگارشی و مفهومی متعددی است.**

۴٫۱. سازوکارهای قانون‌گذاری و تنظیم‌گیری در واقع محل توزیع قدرت و امتیاز هستند. همان که در زبان فرانسه و بعد انگلیسی آن را رانت می‌نامند و در تنظیم‌گیری آن را به انواع رانت بد و رانت خوب تقسیم می‌کنند.

۴٫۲. در بسیاری موارد، بازیگران تنظیم‌گیری می‌کوشند در خفا و حتی گاه با خطای عمدی، حکمی از ساختار سیاسی (سازوکارهای تنظیم‌گیری) دریافت کنند و شبیه نشان حاکم بزرگ در کارتون میتی‌کومان دیگران را به تعظیم در برابر خود وادارند.

۴٫۳. محیط نهادی، یک شبکه‌ی در هم بافته از قواعد نوشته و نانوشته است. در اصطلاح اهل فن «بافتاری از قواعد و هنجارها» است. «نظام فنی و اجرایی پروژه‌ها» نیز شبکه‌ای از مقررات یا قواعد مصوب و ابلاغ‌شده‌ی رسمی است که در قالب اسنادی مشخص، بازیگران به آنها استناد خواهند کرد تا حقی یا مبلغی را جا به جا کنند.

۴٫۴. گفتیم که نهاد (Institution) هر قاعده یا روش پایدار است که یکی از دو شکل زیر را دارد: یکی به شکل نهاد رسمی یا مکتوب و دیگری به شکل نهاد غیررسمی یا نامکتوب یا اصطلاحاً «عرف». این دو در مجموع «محیط نهادی کسب‌وکار» را شکل می‌دهند.

۴٫۵. اگر «نظم نهادی» پروژه‌ها متوازن یا بالانس نباشد، آنگاه در فضای کسب‌وکار عوامل یا بازیگران پروژه‌ها، انواعی از

«ماشین‌آلات» و نیز ناظر به «مصالح» در همین نظام تبیین، تصویب و ابلاغ می‌شود. اما هرگز نمی‌گوییم: نظام فنی و اجرایی (به عنوان یک نظم نهادی) شامل مصالح و ماشین‌آلات هم هست.

۳٫۴. لب سخن آن است که: بیان روشهای ناظر به عوامل، ماشینها و مصالح به معنی این نیست که خود عوامل، ماشینها و مصالح نیز نوعی «روش» یا «نهاد» هستند و درون این نظام (به معنی یک نظم نهادی) جای دارند.

۳٫۵. تا پیش از ماده‌ی ۳۴ قانون احکام دائمی نیز در آیین‌نامه‌های رسمی و قانونی کشور، «نظام فنی و اجرایی» فقط به مجموعه‌ی ضوابط و قواعد اطلاق می‌شد یعنی همان «نظم نهادی». آشفته‌گی‌های کمیسیون تلفیق (در پاییز سال ۱۳۹۵) سبب شد واژه‌ی نابجای «عوامل» در متن قانون کشور راه یابد.

۳٫۶. تا پیش از نگارش آن ماده‌ی قانونی غیردقیق، در هر سه آیین‌نامه‌های نظام فنی و اجرایی کشور، این نظام دقیقاً یک «نظم نهادی» تعریف و معرفی شده‌است. همین واژه‌ی نابجای «عوامل»، ماهها از فرصت هم‌اندیشی‌ها (در ماههای پایانی سال ۱۳۹۵ و پنج ماهه‌ی نخست سال ۱۳۹۶) را صرف تحلیل‌هایی غیردقیق کرد. این چالش تا به امروز نیز ادامه یافته‌است. هنوز هم ساعتها بحث می‌شود که این واژه‌ی «عوامل» در متن ماده‌ی ۳۴ را چه باید کرد؟

**۴. اشکالات نگارشی راه‌یافته به «ماده‌ی ۳۴ قانون احکام دائمی» محدود به یک واژه‌ی نابجا نیست. ماده‌ی ۳۴ قانون احکام دائمی -**

متن ماده‌ی ۳۴ از «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ی کشور» (که آن هنگام دارای شماره‌ی ماده‌ی ۳۷ در متن لایحه‌ی دولت بود) در کمیسیون تلفیق قانون نامبرده، به اشتباه و علیرغم تذکر عضو از اعضای حاضر در آن جلسه، واژه‌ی نابجای «عوامل» (که در نظام فنی و اجرایی کشور به معنی بازیگران است) در کنار واژه‌های بجا و درستی مانند «مقررات، ضوابط و دستورالعملها» و سه واژه‌ی «فرایندها»، «برنامه‌ها» و «اصول» نیز به متن یا بافتار این ماده راه یافت. باید دقت کنیم به جز واژه‌ی نابجای نخست («عوامل»)، دیگر واژه‌ها همگی ناظر به مؤلفه‌ی Method یا روش و نهادها بوده و دارای ماهیت مشابه هستند. در حالی که واژه‌ی «عوامل» ناظر به مؤلفه‌ی Men بوده و ماهیت «نهاد» ی ندارد.

۳٫۲. نویسنده‌ی این نوشتار، به عنوان شاهده‌ی در آن جلسه، شهادت می‌دهد که با وجود این عدم تطابق، به علت اصرار نادرست یکی از حاضران جلسه و نیز بی‌اطلاعی و کم‌دقتی اغلب حاضران دیگر، واژه‌ی «عوامل» نیز به تعریف یا توصیف «نظام فنی و اجرایی یکپارچه‌ی کشور» در ماده‌ی ۳۴ راه یافته‌است. همین تجارب مکرر سهل‌انگاری و کم‌دقتی در نگارش و تصویب مقررات و پیامدهای آن سبب شده‌است که این پژوهشگر بر دسترسی عموم مردم به تمام مذاکرات جلسات تنظیم‌گری یا بفشارد.

۳٫۳. آنچه در «نظام فنی و اجرایی» جای می‌گیرد، نه خود «عوامل» و بلکه «روش»‌ها، «نهاد»‌ها یا «قاعده»‌های ناظر به عوامل است. چنان که روشها یا نهادهای ناظر به

آشفستگی، کژکارکردی یا بدکارکردی نهادی رخ می‌دهد.

## ۵. یک مثال آشنا از متوازن نبودن و متوازن ساختن قواعد، برای انتقال

### بهتر معنا:

۵٫۱. یک مثال آشنا و گویا، این است که ماده ۳۱ «قانون آیین‌نامه‌ی معاملات دولتی» (مصوب سال ۱۳۴۹) می‌گوید: «بخش خصوصی باید بابت تأخیرش جریمه بدهد». بدین ترتیب آن نهاد رسمی (قانون سال ۱۳۴۹) با پیش‌بینی وجه التزام برای تعهدات بخش خصوصی، فضای قرارداد را برای طرف دیگر قرارداد (بخش عمومی) پیش‌بینی پذیر کرده است.

۵٫۲. البته همه ما این را وجدان می‌کنیم که طبق قاعده‌ی انصاف: چرا در برابر، تعهدات بخش عمومی را پیش‌بینی‌پذیر نکنیم؟ چرا در آن قانون نگفته‌ایم: هر یک از طرفین اگر تأخیر تعهدات داشت، ضامن عمل خودش باشد؟ وجدان ما و شاید عرف بازار این ضرورت را می‌فهمد. به بیان دیگر نظم نهادی غیرمکتوب و غیر رسمی این تلازم را درک می‌کند.

۵٫۳. ما نیاز داریم که در بخش مکتوب یا نظم نهادی مکتوب و رسمی نیز انصاف و تعادل را وارد بسازیم و این رفتار متقابل و منصفانه را به اصطلاح، مکانمند بسازیم (Placation). در ادارات و محاکم که با استناد به «الفاظ» مقررات تصمیم‌گیری می‌شود، باید این حق را مستند یا دارای لنگرگاه ساخته باشیم که صاحب حق بتواند حقش را به آن قلاب یا لنگر بکند (Anchoring).

۵٫۴. به همین سبب «قانون برگزاری مناقصات» (مصوب سال ۱۳۸۳) «ضمان تعهدات بخش عمومی» را تصویب و ابلاغ می‌کند. با استناد به «قانون برگزاری مناقصات»: بخش عمومی نیز باید ضامن تأخیرات خودش باشد.

۵٫۵. در این مثال ملاحظه می‌شود که با تصویب قانون تازه (ساخت نهاد تازه)، یک حق دیگر نیز در نظم نهادی کشور مکانمند شده است. ولی باید هوشیار باشیم که این مکانمند شدن رسمی، گرچه بخش مهمی از مسئله است اما تمام مسئله نیست. این حق عملاً در لابه‌لای قوانین متعارض

و مهمتر از آن در زیر فشار فهم‌های کهنه و ناورزیده و مشخصاً در زیر عادات اداری ما، گم شده است. رفتار ما و محیط ما، هنوز در این موضوع بالانس، عادلانه و متوازن نشده است. قانون تازه (در این مثال «قانون برگزاری مناقصات») رفتار عادلانه را مقرر کرده است اما عادات و فهم‌ها از قانون جا مانده است. «ظلم چه بود؟ وضع در ناموضعش. عدل چه بود؟ وضع اندر موضعش.» ما هنوز به موضع عادلانه نرسیده‌ایم. چون هنوز در ذهن و زبان بازیگران این ضمان قانونی، در موضع خودش ننشسته است.

## ۶. آیا این «حق متقابل» و دیگر

### «توازنهای نهادی»، فقط فایده

### شخصی دارد برای بخش خصوصی؟

۶٫۱. نه، فراتر از این است.

۶٫۲. واقعیت این است که ابهام در نحوه‌ی ایفای تعهدات هر یک از طرفین، در واقعی نوعی بدکارکردی است که طرف دیگر را نیز به تحفظ متقابل وامی‌دارد. عقل معاش حکم می‌کند: حالا که دیگری از حقوق من حفاظت نمی‌کند، پس من خودم باید تحفظ داشته باشم و کلاه خودم را بچسبم. ۶٫۳. از همین جا، با همین نقص یا بدکارکردی در محیط نهادی (چیرگی نهادهای غیررسمی و ذهنی بر نهاد رسمی و نوشتاری)، فضای کار مشترک خراب می‌شود. این به ضرر پروژه هم هست. ملاحظه می‌کنیم که یک قاعده‌ی مبهم یا مشکوک و دور از دسترس، به پروژه‌های کشور آسیب می‌زند.

۶٫۴. بدکارکرد یا عدم توازن در نهادها، یا اصطلاحاً ناهم‌واری محیط نهادی، سبب تعویق و حتی تعطیلی توسعه و پیشرفت کشور خواهد شد.

۶٫۵. شرط توسعه و پیشرفت کشور، هموارسازی و متوازن‌سازی محیط نهادی است.

## ۷. یک راه حل تازه:

۷٫۱. اکنون که فرصت تدوین «سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه‌ی کشور» پیش روی ما قرار دارد، جا دارد که ما یک سند ساده، گویا و قابل دسترسی عمومی تدوین و تصویب کنیم که به عنوان مثال بگوید: «در

هر رابطه‌ی قراردادی، برای هر تعهد - یا دست کم برای تعهدات اصلی - باید وجه التزام روشنی پیش‌بینی شود». البته در کنار این بیان لفظی، همه‌ی ما بازیگران این را به عنوان یک اصل به رسمیت بشناسیم. ۷٫۲. این قاعده، به عنوان یک «اصل» در نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور، می‌تواند فضای کسب و کار را بهبود دهد و مصلحت پروژه را رعایت و منفعت ملی را تأمین کند. ۷٫۳. پس یک پیشنهاد کارآمد آن است که ما تعداد محدودی «اصل» داشته باشیم که در تمام بخشنامه‌ها، مقررات و قراردادهای همسان و غیرهمسان باید رعایت شوند. نظام یکپارچه در حوزه صنعت احداث و طرح‌های عمرانی یک «سند» داشته باشد مانند قانون اساسی در حوزه‌های سیاسی یا اصطلاحاً در هر کشور. هر قانون عادی در کشور، باید با رعایت آن قانون اساسی باشد. همانگونه که قانون اساسی و اصول آن سبب هماهنگی و یکپارچگی در نظم نهادی کشور می‌شود، «سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه» نیز سبب هماهنگی و یکپارچگی در نظم نهادی پروژه‌ها شود.

۷٫۴. با این روش ما یک قانون اساسی خواهیم داشت، با تعدادی «اصل» که فراتر از ماده و بند و تبصره‌های معمول هستند که تا کنون داشته‌ایم؛ تعدادی اصل لازم‌الرعایه در تمام تصمیمات و بخشنامه‌ها. این اصول به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. لاجرم ابلاغ آن، به معنی تأیید هیئت تطبیق مجلس نیز هست. همه تنظیم‌گران و بخشنامه‌نویسان و همه فعالان صنعت احداث، به تعدادی «اصل» ساده، گویا، عام، قاطع و قانونی ملتزم خواهند شد.

۷٫۵. از این رهگذر، نظم نهادی مکتوب این بخش بزرگ از صنعت و اقتصاد کشور، یک گام به شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری نزدیک می‌شود. تعارض قوانین و مقررات کاهش می‌یابد. بار مقررات بر فضای حرفه کاهش می‌یابد. این اصول باید ظرف ۱۰ سال فضای صنعت احداث را از نقطه‌ی کنونی به نخستین نقطه‌ی مطلوب برساند. این نقطه‌ی مطلوب مقرر می‌شود چشم‌انداز سند نظام فنی. هر یک از ما برای این سیر، برای این تحول از وضع موجود به وضع مطلوب، باید اقداماتی را انجام دهیم. این







می‌شود مأموریت یا مأموریتها در سند نظام فنی یکپارچه.

#### ۸. یک روش کار خوب و اثربخش:

۸.۱. هنر یا مهارت تدوین سند در «اختصار توام با جامعیت» و «سادگی توام با دقت» خودش را نشان می‌دهد.

۸.۲. در فرایند تدوین سند باید هشیار باشیم و احتیاط کنیم که این سند تبدیل به آرزونامه نشود. این سند متورم نشود. این سند که بستر یک موضوع کاملاً «میان‌رشته‌ای» است، تک‌بعدی نشود.

۸.۳. برای رسیدن به نتایج بهتر، برای یافتن نتیجه‌ای که تاکنون نرسیده‌ایم، باید کاری کنیم که تاکنون نکرده‌ایم. این کار باید روی آوردی تازه داشته باشد. باید تلاش، مراقبت و آسیب‌شناسی کنیم کارهای گذشته و مسیرهای طی شده را.

۸.۴. سالها پیش که در ستاد نظام فنی و اجرایی معاونت فنی سازمان برنامه انجام وظیفه می‌کردم، با اصطلاحی آشنا شدم که بیانگر نوعی آسیب یا نوعی آسیب‌شناسی روش مقررگذاری ما در نظام فنی و اجرایی بود. برخی همکاران نظام فنی یک اصطلاح منتقدانه را استفاده می‌کردند. می‌گفتند ما «بخشنامه‌ی پرتابی» می‌نویسیم. یعنی یک متن را در مرکز می‌نویسیم و پرتاب می‌کنیم وسط جامعه‌ی حرفه‌ای که خودش اجرا شود.

۸.۵. این در حالی است که هر بخشنامه، به عنوان یک روش تازه یا یک روش مقرر، پس از تدوین و تصویب نیازمند ترویج و تعمیق

است. پس از ابلاغ باید با دقت مأموریتها و آن مقرر پیگیری و پایش بشود. تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود به چشم‌انداز مطلوب آن نزدیک شویم.

#### ۹. اکنون باید ماده‌ی ۲۱ قانون

##### برنامه‌ی هفتم را چگونه اجرا کنیم؟

۹.۱. هوشیار باشیم که «سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه» باید سبکی از نتایج جست‌وجوهای گوگلی نباشد. این سند باید براساس داده‌برداری از رخدادهای جاری طرحها و پروژه‌های کشور خودمان با تحلیل عمیق و چندبعدی این داده‌ها باشد. سند نظام فنی و اجرایی باید دارای زمان و مکان روشن باشد. سندی زمانمند و مکانمند باشد.

۹.۲. البته این سند باید بر پایه‌ی اصول جهانشمول توسعه اما کاملاً ویژه‌ی زمان و مکان کشور ما باشد. برپایه‌ی اصول و روی‌آوردهای جهانشمول توسعه باشد اما در عین حال بر ساخت یک الگوی کاملاً ویژه‌ی ایران دهه‌ی ۱۴۰۰ باشد. باید پاک ناظر باشد بر مهمترین مسایل و چالشهای موجود در نظام فنی و اجرایی ما. مثلاً اگر برپایه‌ی تحلیل میدانی عمیق و دقیق، نوعی کم‌کاری نیروی کار یا روابط ناسالم برخی مدیران گیر واقعی پروژه‌های ما باشد، آنگاه نظام فنی و اجرایی نیز باید از همین موارد سخن بگوید.

۹.۳. این سند باید ویژگیهای پروژه، بسترها و چالشهای آن را در چارچوب منافع ملی در نظر گیرد. از جمله به توازن پاسخگویی یا

مسئولیت در برابر هر اختیار پردازد؛ به این چالش مهم بپردازد که از کاستیهای جدی نظام اجرایی ما است. درست، اثربخش و بهره‌ور بودن فرایندهای نظام باید تعیین‌کننده‌ی نقش و سهم هر بازیگر باشد و نه خوشایند بازیگران.

۹.۴. این سند را باید در چارچوب پروژه‌ی بزرگ و کلیدی توانمندسازی حاکمیت و جامعه فهم و تحلیل و اجرا کرد. این رویکرد عمیق یا روش جامع‌نگر در واقع نقطه‌ی مقابل و درمان واقعی روش کهنه‌ی بخشنامه‌ی پرتابی است. باید هوشیار باشیم که توسعه امری نیست که «بگوییم» (فرمان دهیم) و محقق شود بلکه گیاهی است که باید مراقبت کنیم تا بروید.

۹.۵. فرایند تدوین این سند، بخش مهمی از خود فرایند اجرای آن است. دست کم تمرین ضروری است برای تحقق و اجرای آن. اهمیت فرایندهای گفت‌وگو، هم‌اندیشی، توافق‌سازی و تدوین این سند، به هیچ وجه کمتر از اهمیت الفاظ مندرج در آن و نیز اهمیت فرایندهای خوانش، فهم، ترویج و همکاری برای اجرای این سند و تحقق آن نیست. این سند باید یک گام در چرخه‌ی گفت‌وگو یا هم‌اندیشی و نیز تعمیق مستمر هم‌اندیشی، هم‌دلی و همکاری عوامل یا اشخاص ذی‌مدخل در نظام فنی و اجرایی کشور باشد. یادمان باشد: اگر می‌خواهیم به نتایجی برسیم که تاکنون نرسیده‌ایم، باید کارهایی بکنیم که تاکنون نکرده‌ایم.



# اهمیت شناسایی هزینه و درآمد در پروژه‌های پیمانکاری



باشد، تصریح کرد: برخی مخارج جزو قیمت تمام شده پیمان هستند و برخی مخارج مربوط به هزینه های عمومی اداری می باشند که نمی توان این دو را با هم ادغام کرد. از نظر حسابداری صورت وضعیت تأیید شده، درآمد به شمار نمی آید، این در حالی است که سازمان مالیاتی اگر ببیند درآمد کمتر از صورت وضعیت است، صورت وضعیت را ملاک عمل قرار می دهد.

گنجی افزود: «پیمان در جریان پیشرفت» یا همان پروژه با این که مالکیت آن مربوط به پیمانکار نیست، جزو دارایی های او قرار می گیرد. با توجه به اینکه دارایی در تعریف حسابداری به چیزی گفته می شود که منافع آتی اقتصادی ایجاد کند، به پیمانهای بلند مدتی که بیش از یک سال طول بکشد «دارایی واجد شرایط» گفته می شود. در اینجا پروژه معادل دارایی در نظر گرفته می شود چون پیمانکار تا زمان انتقال آن به مالک اصلی، از دارایی خود برای تکمیل آن مصرف می کند.

وی خاطر نشان کرد: مخارج پیمان شامل یک سری هزینه های مشخص مانند مواد و مصالح، دستمزد مستقیم، هزینه سربار

پیمان در طول سال مالی است. واگذار کردن شناسایی مخارج و درآمد به سال آخر پروژه کار اشتباهی است چرا که این کار با اصل «تطابق هزینه و درآمد» و «فرض دوره مالی» در تضاد است. وی با بیان اینکه هزینه هایی قابل قبول است که مربوط به موضوع درآمد شرکت

**خارج پیمان شامل یک سری هزینه های**

**مشخص مانند مواد و مصالح، دستمزد**

**مستقیم، هزینه سربار است. یک سری**

**هزینه های مشترک بین قراردادهای**

**مختلف نیز وجود دارد. به جز دو مورد**

**یاد شده هزینه های متفرقه ای هم وجود**

**دارد که باید با مستندسازی درست لحاظ**

**گردند. در زمینه مواد و مصالح به نظر**

**می رسد تعدادی از پیمانکاران توجهی به**

**اهمیت داشتن انبار فیزیکی یا نرم افزاری**

**ندارند و بسیاری از مواد و مصالح را**

**مستقیم پای کار می فرستند.**

اولین جلسه از دوره سه روزه حسابداری جامع پیمانکاری روز سه شنبه ۱۶ مرداد ماه در سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران برگزار شد. در این جلسه که با حضور حسابداران، و مدیران و کارشناسان مالی شرکتهای عضو سندیکا برگزار شد، آقای ایمان گنجی نژاد، حسابدار رسمی و مشاور رسمی مالیاتی، در زمینه مخارج و درآمد پیمان، تجزیه و ترکیب پیمان ها، روش های شناسایی درآمد، بررسی موارد خاص مخارج پیمان ها، تغییرات لازم الاجرا در استاندارد ۴۳ و تاثیرات آن بر شناسایی درآمد توضیحاتی ارائه داد.

در آغاز اولین جلسه از دوره سه روزه آموزشی «حسابداری جامع پیمانکاری بر اساس استانداردهای حسابداری» ایمان گنجی نژاد، حسابدار رسمی پذیرفته شده مشاوران مالیاتی، عنوان کرد: استانداردهای حسابداری پیمانکاری صرفاً مربوط به سازندگان ساختمانی نیست و مربوط به همه شرکتهایی است که در قالب قرارداد بلند مدت، اقدام به تامین قطعات، تامین کالا و ارائه خدمات می پردازند. آنچه در پیمانهای بلندمدت، حائز اهمیت ویژه است درآمد و مخارج



است. یک سری هزینه های مشترک بین قراردادهای مختلف نیز وجود دارد. به جز دو مورد یاد شده هزینه های متفرقه ای هم وجود دارد که باید با مستندسازی درست لحاظ گردند. در زمینه مواد و مصالح به نظر می رسد تعدادی از پیمانکاران توجهی به اهمیت داشتن انبار فیزیکی یا نرم افزاری ندارند و بسیاری از مواد و مصالح را مستقیم پای کار می فرستند. این پیمانکاران حساب و کتاب درستی از میزان مصرف یا باقی مانده مواد و مصالح ندارند در حالی که در اغلب قراردادها تا ۴۰ درصد قیمت قرارداد ناشی از میزان و نحوه استفاده از مواد و مصالح است.

گنجی نژاد تاکید کرد: اگر در پیمان در جریان پیشرفت، مواد و مصالح پای کار وجود داشته باشد و به انبار برگشت داده نشود، حتی اگر صورت وضعیتی هم در کار نباشد، سازمان امور مالیاتی با فرض این که کاری انجام شده، آن را تبدیل به درآمد می کند.

وی افزود: در کتابهای مربوط به حسابداری توجه کمتری به برخی از مخارج شده از جمله هزینه تسعیر ارز و هزینه تامین مالی. در استاندارد حسابداری شماره ۱۶ تاکید شده که اگر هزینه تسعیر ارز مربوط به دارایی واجد شرایط باشد باید به عنوان زیان دیده شود، اما با توجه به حساسیت سازمان امور مالیاتی به مواردی مانند زیان تسعیر ارز، زیان کاهش ارزش دارایی ها و هزینه مطالبات مشکوک الوصول، بهتر آن است که پیمانکاران هزینه تسعیر ارز در قیمت تمام شده لحاظ کنند.

گنجی نژاد در بخش دیگری از سخنان خود تاکید کرد: هزینه دیگری به اسم «مخارج تامین مالی» وجود دارد که مربوط به هزینه مالی تسهیلات است. هزینه و جرایم ناشی از این تسهیلات طبق بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم قابل قبول است، مشروط بر اینکه از بانکها و موسساتی که مجوز بانک مرکزی را دارند اخذ شده باشد، و علاوه بر این فقط در صورتی از حساب شرکت خارج شود که در مخارج پیمان و قیمت تمام شده آن قرار بگیرد. هزینه دیگری به نام هزینه «دایره حقوق و دستمزد» وجود دارد که مربوط

به آن بخش از نیروی انسانی شرکت است که حقوق و دستمزد شاغلان در پروژه ها را پرداخت می کنند که بهتر است این هزینه نیز بین پروژه های مختلف تقسیم شود. گنجی نژاد در بخش دیگری از این جلسه با اشاره به قراردادهای مشارکت عنوان کرد: طبق استانداردهای حسابداری باید شرکت جداگانه ای در مورد این قراردادها مشارکت ایجاد شود، یا این که از نرم افزار حسابداری جداگانه ای استفاده شود تا با توجه به مشارکت نامه و درصد مشارکت، هزینه های انجام شده ثبت شود. وی با اشاره به ماده ۱۳۸ قانون مکرر قانون مالیات مستقیم تاکید کرد: طبق این قانون «اشخاصی که آورده نقدی برای تأمین مالی یک پروژه دارند و سرمایه در گردش بنگاههای تولیدی را در قالب عقود مشارکتی فراهم می کنند، معادل حداقل سود مورد انتظار عقود مشارکتی، از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می شوند». اگر شرکت های پیمانکاری به عنوان بنگاه تولیدی در نظر گرفته شوند می توانند از این ماده قانونی استفاده کنند و با خیال آسوده به تامین مالی بخشی از پروژه خود بپردازند.

ایمان گنجی نژاد افزود: روشهای شناسایی درآمد شامل تکمیل کار، درصد تکمیل کار، و سود صفر است. روش تکمیل کار فقط در زمینه پروژه هایی است که انعقاد و اتمام آنها در یک سال مالی اتفاق می افتد. در روش «درصد تکمیل کار» که آن را روش «هزینه به هزینه» هم می نامند،

#### روشهای شناسایی درآمد شامل تکمیل

کار، درصد تکمیل کار، و سود صفر

است. روش تکمیل کار فقط در زمینه

پروژه هایی است که انعقاد و اتمام

آنها در یک سال مالی اتفاق می افتد.

در روش «درصد تکمیل کار» که آن را

روش «هزینه به هزینه» هم می نامند

ف شناسایی درآمد به نسبت تکمیل

قرارداد صورت می گیرد.

شناسایی درآمد به نسبت تکمیل قرارداد صورت می گیرد. نحوه برآورد درصد تکمیل کار بستگی به شکل و نوع قرارداد و با دو روش فیزیکی و ریالی انجام می شود. روش شناسایی درآمد به شکل «سود صفر» در قراردادهایی کاربرد دارد که حاصل آنها معلوم نیست از جمله در مورد صورت وضعیت هایی که وضعیت پرداخت آنها مشخص نیست. در نهایت می توان گفت اصلی ترین شرط شناسایی درآمد در همه استانداردهای حسابداری، وصول مطالبات است به عبارتی اگر قرارداد وصول نشود، درآمدی نیز وجود ندارد.

وی با اشاره به وضعیت تورمی موجود گفت: در کشور ما استاندارد حسابداری تورمی استفاده نمی شود، در حالی که در کشورهایی با اقتصاد تورمی حاد علاوه بر این که صورت مالی تاریخی ارائه می شود، یک گزارش حسابداری تورمی هم ارائه می گردد. گنجی نژاد در زمینه روش ارزیابی موجودی کالا و حسابداری آنها نیز گفت: روشهای نگهداری موجودی کالا می تواند دائمی یا ادواری باشد. در این مورد روشهای ارزیابی مختلفی وجود دارد که شامل روش فایفو، روش لایفو، روش میانگین هزینه، روش شناسایی ویژه و ... است. استانداردهای حسابداری پیشنهاد می دهند پیمانکاران از روشی استفاده کنند که منصفانه ترین گزارش و اطلاعات را به همراه داشته باشد.

وی با اشاره این که اجرای استاندارد ۴۳ حسابداری به سال ۱۴۰۴ موکول شده، عنوان کرد: با این استاندارد رویکرد شناسایی درآمد تغییراتی خواهد داشت که مقدار کمی از این تغییرات شامل پیمانکاران خواهد بود. البته پیاده کردن این استاندارد با توجه به عدم وجود هر گونه آموزشی در زمینه آن، دشوار به نظر می رسد.

وی در پایان این جلسه پیشنهاد داد حاضران به مطالعه کتاب «راهنمای جامع حسابداری پیمانکاری با رویکرد بیمه، استانداردهای حسابداری و مالیات» که در سال ۱۳۹۸ به قلم آرمین علیزاده، زینب شیروانی جمال پور، و ایمان گنجی نژاد منتشر شده بپردازند.



پیام آبادگران

مردادماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸



عموما شرایطی پیش می‌آید که مخارج شرکت در مناقصه در پایان سال محقق شده اما برگزاری مناقصه در سال آینده صورت می‌گیرد، در چنین شرایطی بهتر است پیمانکاران در صورت اطمینان از برنده شدن در مناقصه، هزینه‌های آن را ذیل عنوان «پیمان در جریان» قرار دهند. اگر پیمانکاری این مخارج را در سود و زیان سال جاری ثبت کرد و در مناقصه برنده شد، دیگر حق اصلاح اشتباه و تعدیل سنواتی را ندارد.

وی افزود: در مراحل مختلف مناقصه، پیمانکاران هزینه‌هایی انجام می‌دهند، یا مبالغی دریافت می‌کنند که لازم است به شکلی نظام‌مند در اسناد حسابداری ثبت شود. یکی از این موارد در زمینه پیش پرداخت است که در اسناد حسابداری پیمانکاران به عنوان پیش دریافت ثبت می‌شود و به مرور زمان در صورت وضعیت‌ها مستهلک می‌گردد.

گنجی‌نژاد در ادامه این جلسه با ارائه مثال‌های متعدد در زمینه نحوه محاسبه درصد پیشرفت کار و نحوه ثبت هزینه‌های مناقصه در اسناد حسابداری، به سوال حاضران در زمینه مباحث مطرح شده پاسخ داد.

### در سومین جلسه دوره آموزشی

#### حسابداری جامع پیمانکاری بررسی شد

### مشکلات ناشی از

#### «شناسایی زیان»

### در شرکت‌های پیمانکاری

سومین جلسه از دوره سه روزه حسابداری جامع پیمانکاری روز سه شنبه ۳۰ مرداد

حسابداری شماره ۹ تصریح شده زمانی که حاصل قرارداد مشخص نیست، درآمد باید به اندازه مخارج قابل بازیافت شناسایی شود. به عبارتی از روش «سود صفر» استفاده گردد. البته در صورت استفاده از روش درصد پیشرفت کار، داشتن اطلاعاتی مانند مخارج انباشته انجام شده، و مخارج برآوردی لازم است. موضوعاتی مانند هزینه تامین مالی و هزینه تسعیر را نمی‌توان در زمان محاسبه درصد پیشرفت کار لحاظ کرد و لازم است این دو موضوع در بخش سایر هزینه‌ها و قیمت تمام شده گنجانده شوند.

وی افزود: در برخی از کتابهای حسابداری، برای محاسبه درصد پیشرفت کار، مصالح پای کار را از مخارج انباشته شده کم می‌کنند، بنابراین بهتر است پیمانکاران مصالح بلااستفاده را از پای کار به انبار منتقل کنند.

گنجی‌نژاد در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نحوه ثبت هزینه‌های مربوط به مناقصه در اسناد حسابداری عنوان کرد:

**عموما شرایطی پیش می‌آید که مخارج**

**شرکت در مناقصه در پایان سال محقق**

**شده اما برگزاری مناقصه در سال آینده**

**صورت می‌گیرد، در چنین شرایطی بهتر**

**است پیمانکاران در صورت اطمینان از**

**برنده شدن در مناقصه، هزینه‌های آن را**

**ذیل عنوان «پیمان در جریان» قرار دهند.**

**اگر پیمانکاری این مخارج را در سود و**

**زیان سال جاری ثبت کرد و در مناقصه**

**برنده شد، دیگر حق اصلاح اشتباه و**

**تعدیل سنواتی را ندارد.**

### در دومین جلسه دوره آموزشی

#### حسابداری جامع پیمانکاری مطرح شد

### ابهامات شناسایی درآمد در شرکت‌های پیمانکاری

دومین جلسه از دوره سه روزه حسابداری جامع پیمانکاری روز سه شنبه ۲۳ مرداد ماه در سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران برگزار شد. در این جلسه که با حضور حسابداران، مدیران و کارشناسان مالی شرکتهای عضو سندیکا برگزار شد، آقای ایمان گنجی‌نژاد، حسابدار رسمی و مشاور رسمی مالیاتی، در زمینه نحوه محاسبه درصد پیشرفت کار، و چگونگی ثبت هزینه‌های مناقصه در اسناد حسابداری توضیحاتی ارائه داد.

ایمان گنجی‌نژاد، حسابدار رسمی پذیرفته شده مشاوران مالیاتی، در آغاز دومین جلسه از دوره سه روزه آموزشی «حسابداری جامع پیمانکاری بر اساس استانداردهای حسابداری» عنوان کرد: بحث شناسایی درآمد در شرکتهای مختلف از اهمیت بالایی برخوردار است و نمی‌توان با آن برخورد سلیقه‌ای داشت. با این که زمان شناسایی درآمد و میزان آن بسیار مهم است، در اغلب شرکتهای پیمانکاری مبهم بودن این دو موضوع چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. این ابهام ناشی از ماهیت و تفاوت روند کار در حرفه پیمانکاری است. از آنجایی که نوع کار پیمانکاری و شناسایی درآمد در این شرکتهای متفاوت از سایر حرفه‌ها است، نباید صورت وضعیت تائید شده را معادل با درآمد در نظر گرفت. گنجی‌نژاد تاکید کرد: در بند ۲۱ استاندارد



پیام‌آبادگران

مردم‌ماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸



آن خواهد بود. چنانچه پیمان در جریان پیشرفت، مانده‌ای نداشته باشد، در صورت های مالی و به عنوان یک بدهی در سرفصل ذخایر نشان داده می شود. در نهایت امر، این ذخیره از قیمت تمام شده پروژه کم خواهد شد.

وی گفت: به نظر میرسد در شرکت های پیمانکاری علاقه ای به شناسایی زیان وجود ندارد چون این کار مسائل و مشکلاتی را در زمان دریافت وام یا شرکت در مناقصه متوجه آنها می کند.

وی در زمینه پیش پرداخت عنوان کرد: در گذشته و بر مبنای بند ۲۳ استاندارد ۱۶، درباره پیش پرداختی که ماهیت علی الحساب داشت و نرخ نهایی در قرارداد مربوط به آن معلوم نبود، امکان تسعیر وجود داشت. اما در حال حاضر تسعیر پیش پرداخت ممکن نیست مگر این که قرارداد کنسل شود، و پول دریافتی به دلیل اینکه در قبال آن خدماتی صورت نگرفته از حالت پیش پرداخت خارج شود. گنجی نژاد درباره خرید مواد و مصالح و نگهداری و مصرف آنها عنوان کرد: بهتر آن است که همه مواد و مصالح پس از خرید به انبار مرکزی بروند و در مرحله بعد به انبار پروژه منتقل و مصرف شوند. هزینه حمل کالا باید به قیمت تمام شده خرید اضافه شود. البته هزینه حمل های ثانویه را نمی توان در قیمت تمام شده ثبت کرد و باید به قسمت هزینه ها منتقل شوند.

گنجی نژاد در ادامه این جلسه با ارائه مثال های متعدد در زمینه نحوه محاسبه مبالغ قابل بازپایف پیمان و ذخیره زیان پروژه، به سوال حاضران در زمینه مباحث مطرح شده پاسخ داد.

تهاتر واحد بودن شخص حقیقی یا حقوقی مورد نظر است. به عبارتی، طلب از شخص الف تنها قابل تهاتر با بدهی به شخص الف است. هیچ درآمدی با هیچ هزینه ای قابل تهاتر نیست. تنها درآمد و هزینه هایی که می توان با هم تهاتر کرد سود و زیان اوراق و تسعیر ارز است البته آن هم مشروط بر اینکه اثر آنها عمده نباشد.

گنجی نژاد در ادامه گفت: بر اساس بند ۲۴ استاندارد حسابداری شماره ۹ هر زمان که مازاد مخارج نسبت به درآمد وجود داشته باشد، این مازاد فوراً باید به عنوان زیان پروژه ثبت شود تا از خطا در نشان دادن درآمد یا سود جلوگیری شود. «ذخیره زیان پیمان» بر اساس هزینه های برآوردی لازم برای تکمیل پیمان به علاوه هزینه های تحمل شده پیمان محاسبه می شود. حساب ذخیره زیان پروژه یک حساب دائمی است. در صورتی که حساب پیمان در جریان پیشرفت، در پایان سال دارای مانده باشد، ذخیره مذکور کاهنده

ماه در سندیکای شرکت های ساختمانی ایران برگزار شد. در این جلسه آقای ایمان گنجی نژاد، حسابدار رسمی و مشاور رسمی مالیاتی، با ارائه توضیحاتی در زمینه «مبالغ قابل بازپایف پیمان» و «ذخیره زیان پروژه» عنوان کرد: در شرکت های پیمانکاری علاقه ای به «شناسایی زیان» وجود ندارد. ایمان گنجی نژاد، حسابدار رسمی پذیرفته شده مشاوران مالیاتی، در آغاز سومین جلسه از دوره سه روزه آموزشی «حسابداری جامع پیمانکاری بر اساس استانداردهای حسابداری» عنوان کرد: در حسابداری محتوای کار بر شکل آن رجحان و اولویت دارد. با همین رویکرد است که درآمدها با توجه به ماهیت و محتوای قرارداد شناسایی می شوند. کار گواهی شده در حکم درآمد نیست. بالاتر بودن میزان کار گواهی شده نسبت به درآمد شناسایی شده، به معنای انجام کاری بیشتر نسبت به درآمد است، و تفاوت این دو مقدار به عنوان «مبالغ قابل بازپایف پیمان» شناخته میشود که در بند ۳۵ استاندارد حسابداری شماره ۹ به آن پرداخته شده است.

وی افزود: «مبالغ قابل بازپایف پیمان» در اسناد حسابداری قابل تهاتر نیست اما در صورت های مالی امکان این تهاتر وجود دارد. در استاندارد شماره ۱ حسابداری عنوان شده است «مبالغ قابل بازپایف پیمان» قابل تهاتر نیست مگر اینکه به موجب استانداردهای دیگر مجوز این کار داده شده باشد، که این شرط در استاندارد حسابداری شماره ۳۶ محقق شده است.

وی افزود: تهاتر دریافتیها و پرداختی ها به شرط رعایت الزامات استاندارد حسابداری شماره ۳۶ الزامی است. یکی از شرط های

#### در گذشته و بر مبنای بند ۲۳ استاندارد

۱۶، درباره پیش پرداختی که ماهیت

علی الحساب داشت و نرخ نهایی در

قرارداد مربوط به آن معلوم نبود، امکان

تسعیر وجود داشت. اما در حال حاضر

تسعیر پیش پرداخت ممکن نیست

مگر این که قرارداد کنسل شود، و پول

دریافتی به دلیل اینکه در قبال آن

خدماتی صورت نگرفته از حالت پیش

پرداخت خارج شود.

# رأی وحدت رویه

## محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر مبنای شاخص سالانه

اشاره: محمد تکلی: یکی از موارد و مشکلات شرکتهای پیمانکاری فعال حوزه صنعت احداث، بحث خسارت تأخیر تادیه می باشد که در قراردادهایی که کارفرمایان مطالبات پیمانکاران را خارج از شرایط قراردادی با تأخیر پرداختی می نمایند و بابت تأخیر، خسارتی پرداخت نمی نمایند، پیمانکاران با مراجعه به مراجع قضایی پیگیر حقوق قانونی می باشند و دادگاهها در زمان محاسبه خسارت تأخیر شاخص ماهیانه و شاخص سال را ملاک محاسبه قرار می دهند که این موضوع در کمیسیون حقوقی سندیکا بعنوان مطالبات اعضا مطرح و نمایندگان سندیکا از طریق قوای سه گانه (مجلس، دولت، قوه قضائیه) پیگیری های زیادی داشتند و استدلالها و جلساتی با مقامات قضایی نیز برگزار گردید که نهایتاً رأی هیأت دیوان عالی کشور به شماره ۸۵۰ با موضوع جلسه مشارکت تأخیر تادیه بر مبنای شاخص سالانه صادر گردید که رأی هیأت به حضور جهت استفاده ایفاد می گردد.

حاصله از تأخیر در تادیه محکوم نماید که با التفات به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، محاسبه و مورد حکم قرار می گیرد، لذا دادگاه دعوی خواهان را محمول به صحت تشخیص داده و با احراز مدیونیت خواننده و استصحاب بقاء دین، مستنداً به ماده ۳۳۶ قانون مدنی و نیز مواد ۱۹۸، ۵۰۲، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۰ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ یکصد و هشتاد و پنج میلیون ریال بابت اصل خواسته و خسارت تأخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست (۱۴۰۰/۱۱/۹) تا زمان وصول و اجرای حکم بر مبنای شاخص ماهانه نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مبلغ ۷,۳۵۹,۰۰۰ ریال بابت خسارات دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می نماید. رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان یزد می باشد.»

پس از تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه دوّم دادگاه تجدیدنظر استان یزد به موجب دادنامه شماره -۱۴۰۱۱۳۳۹۰۰۰۱۲۱۴۹۵۴- مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۳، چنین رأی داده است: «... نظر به استدلال دادنامه تجدیدنظر خواسته و با لحاظ توضیحات و تشریح توافقات و مبانی محاسبه حق الوکاله و تبیین ارتباط مبالغ پرداختی با مراودات مالی اشخاص ثالث ... توسط تجدیدنظر خواننده در جلسه رسیدگی در این مرحله از دادرسی و در نتیجه، احراز استحقاق ایشان و با

و استماع نظر نماینده محترم دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۵۰-۱۴۰۳/۰۵/۱۶ منتهی گردید.

### الف) گزارش پرونده

به استحضار می رساند، آقای غلامعلی دهشیری رئیس کل محترم دادگستری استان یزد، با اعلام اینکه از سوی شعب دوم و دهم دادگاه تجدیدنظر استان یزد، در خصوص اینکه مبنای محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر اساس شاخص سالانه است یا ماهانه، آراء مختلف صادر شده، درخواست طرح موضوع را در هیئت عمومی دیوان عالی کشور نموده که گزارش امر به شرح آتی تقدیم می شود:

الف) به حکایت دادنامه شماره ۱۴۰۰۱۳۳۹۰۰۰۳۱۷۲۷۱۲/۳۰/۱۱/۱۴۰۰ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان مینبد، در خصوص دعوی آقای محمود ... به طرفیت آقای علیرضا ... به خواسته مطالبه خسارت تأخیر تادیه، چنین رأی داده شده است:

«... با عنایت به این که دلیلی دایر بر پرداخت وجه مورد دعوی و تحصیل براءت ذمه از سوی خواننده ابراز نگردیده است، النهایه نظر به اینکه هرگاه کسی برحسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل، مستحق اجرت عمل خود خواهد بود و نظر به اینکه در صورتی که موضوع تعهد تادیه وجه نقدی باشد حاکم می تواند با رعایت ماده ۲۲۱ قانون مدنی، مدیون را به جبران خسارت

طبق رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر مبنای «شاخص سالانه» انجام می شود.

رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر مبنای شاخص سالانه، در تاریخ ۱۶ مردادماه ۱۴۰۳ صادر و در تاریخ پنجم شهریورماه ۱۴۰۳ در روزنامه رسمی کشور منتشر شده است.

طبق رأی مذکور محاسبه خسارت تأخیر تادیه بر مبنای «شاخص سالانه» انجام می شود. این رأی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است.

### رأی وحدت رویه شماره ۸۵۰ هیئت

#### عمومی دیوان عالی کشور

##### مقدمه

جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۶/۱۴۰۳ ساعت ۷ روز سه شنبه، مورخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۶ به ریاست حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدجعفر منتظری، رئیس محترم دیوان عالی کشور، با حضور حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحسن موسوی، نماینده محترم دادستان کل کشور و با شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیئت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص این پرونده



تأکید بر اینکه در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، شاخص محاسبه خسارت تأخیر تأدیه، براساس تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه در نظر گرفته شده و موجبی برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر اساس شاخص ماهانه نیست لذا تنها این بخش از دادنامه تجدیدنظرخواسته نیازمند اصلاح است و خدشه‌ای به اساس دادنامه تجدیدنظرخواسته وارد نیست پس ضمن رد تجدیدنظرخواهی نسبت به اساس و اصل خواسته، در اجرای مواد ۳۵۱ و ۳۵۸ قانون پیش گفته، با اصلاح شاخص محاسبه خسارت تأخیر تأدیه به شاخص تورم سالانه در صورت تغییر فاحش شاخص موصوف، دادنامه تجدیدنظرخواسته تأیید و استوار می‌شود. این رأی قطعی است.»

ب) به حکایت دادنامه شماره ۱۴۰۱/۴/۲۸-۱۴۰۱۳۳۹۰۰۰۹۹۶۵۱۲-۱۴۰۱۳۳۹۰۰۰۰ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان میبد، در خصوص دعوی آقای معین ... به طرفیت آقای سید روح‌اله ...، به خواسته مطالبه خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ دادخواست تا زمان اجرای حکم، چنین رأی داده شده است:

«... النهایه پس از احراز وقوع معامله فی مابین، نظر به اینکه مشتری باید ثمن معامله را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در معامله مقرر شده است تأدیه نماید و الا بایع حق دارد از حاکم، اجبار مشتری به تأدیه ثمن را بخواهد و نظر به اینکه در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقد باشد حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ قانون مدنی، مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه محکوم نماید که با التفات به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی محاسبه و مورد حکم قرار می‌گیرد، لذا دادگاه دعوی خواهان را محمول به صحت تشخیص و با احراز مدیونیت خواننده و استصحاب بقاء دین، مستنداً به مواد ۳۹۴ و ۳۹۵ قانون مدنی و نیز مواد ۱۹۸، ۵۰۲، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۱۹، ۵۲۲ و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ ۵۷۱،۴۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ تقدیم دادخواست (۱۴۰۱/۴/۱۱)، تا زمان وصول و اجرای حکم بر مبنای شاخص ماهانه نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و مبلغ

۷،۲۳۱،۹۹۹ ریال بابت خسارات دادرسی در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید.... رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدید نظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان یزد می‌باشد.»

پس از تجدیدنظرخواهی از این رأی، شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان یزد به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۱۳۳۹۰۰۰۱۷۰۲۰۱۳-۱۴۰۱۳۳۹۰۰۰۰۱۷۰۲۰۱۳، چنین رأی داده است:

«... با عنایت به محتویات پرونده و میانی استدلالی دادنامه موصوف از ناحیه تجدیدنظرخواه و وکیل محترم وی ایراد و اعتراض موجّه و مدللی که موجب نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم نماید مطرح نشده و رأی وفق مقررات قانونی و بر اساس محتویات پرونده صادر شده است؛ لذا هیئت دادگاه مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن رد تجدیدنظرخواهی دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید و استوار می‌نماید. این رأی قطعی است.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، شعب دهم و دهم دادگاه تجدیدنظر استان یزد، در خصوص اینکه مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر اساس شاخص سالانه است یا ماهانه، اختلاف نظر دارند؛ به طوری که شعبه دهم با اعتقاد به محاسبه تأخیر تأدیه بر اساس شاخص سالانه، دادنامه بدوی را در این قسمت که بر اساس شاخص ماهانه صادر شده بود اصلاح کرده است، اما شعبه دهم در مورد مشابه، دادنامه بدوی مبنی بر تعیین خسارت تأخیر تأدیه بر اساس شاخص ماهانه نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی را تأیید کرده است.

بنا به مراتب، در موضوع مشابه، اختلاف استنباط محقق شده است، لذا در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، طرح موضوع در جلسه هیئت عمومی دیوان عالی کشور درخواست می‌گردد.

**معاون قضایی دیوان عالی کشور در امور هیئت عمومی غلامرضا انصاری**

### **ب) نظریه نماینده محترم دادستان کل کشور**

احتراماً، در خصوص پرونده وحدت رویه شماره ۶/۱۴۰۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، راجع به صدور آراء متعارض از شعب دهم و دهم دادگاه تجدیدنظر استان یزد در مورد «مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد، نرخ شاخص قیمت سالانه اعلامی

از سوی بانک مرکزی است یا نرخ شاخص قیمت ماهانه اعلامی از سوی بانک مرکزی است» به نمایندگی از دادستان محترم کل کشور به شرح ذیل اظهار عقیده می‌نمایم: خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد در نظام حقوقی ایران به ویژه پس از انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی ایران، یکی از مناقشه انگیزترین مباحث حقوقی بوده که فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است تا در نهایت به پذیرش نظری منتهی گردید که محاسبه آن را خلاف شرع ندانست و قانون‌گذار در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با شرایط پنج‌گانه (۱. وجه رایج بودن دین ۲. مطالبه دائن ۳. تمکین مدیون ۴. امتناع مدیون از پرداخت ۵. تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه) مطالبه آن را تصویب نمود.

ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت محاسبه این خسارت را بر اساس «تغییر شاخص قیمت سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد» تجویز نموده و با وجود نص صریح این ماده تردیدی وجود ندارد که ملاک و مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد، نرخ شاخص قیمت سالانه اعلامی از سوی بانک مرکزی است و به نظر نمی‌رسد که اختلافی در این زمینه وجود داشته باشد، بلکه آن چه در رویه قضایی مورد مناقشه بوده و در خصوص آن اختلاف نظر وجود دارد، فرمول و نحوه محاسبه نرخ شاخص قیمت سالانه اعلامی توسط بانک مرکزی است و اینکه در جدول اعلامی بانک مرکزی کدام شاخص، شاخص سالانه محسوب می‌شود و باید در محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه نقد به کار گرفته شود.

لازم به ذکر است بانک مرکزی بر اساس استانداردهای جهانی شناخته شده در علم اقتصاد، برای محاسبه شاخص قیمت سالانه، تغییرات قیمت کالاهای سبد مصرفی برای مصرف‌کننده را مورد عمل قرار می‌دهد، به طوری که با محاسبه درصد این تغییرات در دوازده ماه منتهی به ماه مورد نظر، شاخص سالانه منتهی به آن ماه را به دست می‌آورد. در نتیجه عدد شاخص که برای هر ماه در جدول شاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شود، عدد شاخص سالانه منتهی به آن ماه است که از محاسبه درصد تغییر شاخص قیمت در دوازده ماه منتهی به ماه مورد نظر حاصل





## معاونت قضایی دیوان عالی کشور در امور هیات عمومی

رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۵۰ مورخ ۱۴۰۳/۵/۱۶

### رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱، در دعاوی مالی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است، برای جبران خسارت وارده به داین، با احراز شرایط مندرج در این ماده از قبیل تمکن مالی مدیون و امتناع وی از پرداخت دین، خسارت تأخیر تأدیه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی به صورت جدول ماهانه منتشر می‌گردد، مقرر شده است که نحوه محاسبه: حاصل تقسیم عدد شاخص در زمان تأدیه بر عدد شاخص در زمان سررسید ضرب در مبلغ اصل دین شده و عدد به دست آمده، مبلغ دین با احتساب خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود. لذا با توجه به تصریح ماده قانونی مرقوم و عبارات به کار برده شده در آن، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای «شاخص سالانه» است. ضمناً خسارت تأخیر تأدیه شامل سودهای مرکب که فاقد وجه شرعی است، نخواهد بود. بنابراین رأی شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان یزد تا حدی که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء اعضای هیات عمومی، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده شد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

### «هیات عمومی دیوان عالی کشور»

{ ۸۵۰ }

می‌شود، لذا نباید تصور نمود عدد شاخصی که در جدول بانک مرکزی در مقابل هر ماه قید شده عدد شاخص ماهانه بوده و فقط با محاسبه درصد تغییرات شاخص در سی روز همان ماه به دست آمده است بلکه این عدد با محاسبه درصد تغییرات ۳۶۵ روز گذشته منتهی به آن ماه به دست آمده و ناظر بر تغییرات شاخص سالانه منتهی به آن ماه است و در محاسبه خسارت تأخیر در تأدیه دین بر اساس تناسب تغییرات شاخص سالانه باید همین عدد شاخص مقابل هر ماه در تاریخ تأدیه بر عدد شاخص ماه زمان سررسید (مطالبه) تقسیم شده و در مبلغ دین ضرب شود؛ و باتوجه به مراتب فوق، نرخ شاخصی که بانک مرکزی در پایان هر ماه تعیین می‌نماید و دکتترین حقوقی و رویه قضایی به عنوان شاخص ماهانه تلقی می‌شود، در واقع نرخ شاخص سالانه است که برای ۳۶۵ روز گذشته منتهی به هر ماه تعیین می‌شود و با نرخ شاخص متوسط سالانه که در رویه قضایی به اشتباه به عنوان نرخ شاخص سالانه شناخته می‌شود تفاوت دارد. به بیان دیگر اعمال ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص فرضی که از زمان سررسید تا زمان پرداخت کمتر از یک سال سپری شده است و با توجه به اینکه قانونگذار از تعابیر میانگین تورم سالانه و با متوسط تورم سالانه استفاده نکرده است اقتضای آن را دارد که سال مندرج در ماده ۵۲۲ قانون مذکور در معنای غیر از سال شمسی تفسیر گردد و برای محاسبه سال هر ماه با مقایسه ماه مشابه از سال قبل مورد ارزیابی قرار گیرد.



پیام‌آبادگران  
مردانه ۱۴۰۳  
شماره ۴۱۸

قانونی مرقوم و عبارات به کار برده شده در آن، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای «شاخص سالانه» است. ضمناً خسارت تأخیر تأدیه شامل سودهای مرکب که فاقد وجه شرعی است، نخواهد بود؛ بنابراین رأی شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان یزد تا حدی که با این نظر انطباق دارد با اکثریت آراء اعضای هیئت عمومی، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده شد. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱، در دعاوی مالی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج است، برای جبران خسارت وارده به داین، با احراز شرایط مندرج در این ماده از قبیل تمکن مالی مدیون و امتناع وی از پرداخت دین، خسارت تأخیر تأدیه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی به صورت جدول ماهانه منتشر می‌گردد، مقرر شده است که نحوه محاسبه: حاصل تقسیم عدد شاخص در زمان تأدیه بر عدد شاخص در زمان سررسید ضرب در مبلغ اصل دین شده و عدد به دست آمده، مبلغ دین با احتساب خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود؛ لذا با توجه به تصریح ماده

فلذا با عنایت به مبنای فوق الذکر، با تصریح به اینکه شاخص اعلامی توسط بانک مرکزی در هر ماه، در واقع امر همان شاخص سالانه منتهی به آن ماه است و همین شاخص به عنوان شاخص سالانه باید ملاک عمل قرار گیرد، رأی شعبه دوم دادگاه تجدید نظر استان یزد تا حدی که موافق این نظر است منطبق با مقررات قانونی بوده و مورد تأیید است.

### ج) رأی وحدت رویه

شماره ۸۵۰ - ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

### رأی هیئت عمومی دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی



# «مبدأ محاسبه خسارت تأخیر

بازخوانی

## تأدیه در قراردادهای پیمانکاری»

دکتر ابراهیم هریسی



یکم.

در کشورهای جنوب (جهان سوم) به علت سوءمدیریت و فقدان عقلانیت در اداره کشور براساس معیارهای دقیق علمی و به تبع آن قانون‌گریزی و نابرابری‌های اجتماعی، ارزش پول ملی همواره تنزل می‌یابد. در نتیجه، هر سال تورم‌های معمولاً دو رقمی کمر اقتصاد آن کشورها را می‌شکند و روزه‌روز فاصله پیشرفت آن‌ها را با کشورهای مترقی بیشتر می‌کند. این بی‌تدبیری‌ها باعث می‌شود که افراد در مناسبات اقتصادی، بخشی از درآمد خود را از دست دهند.

از دست دادن درآمد شخصی چنانچه ناشی از تخلف قراردادی طرف قرارداد (متعامل) باشد، دانش حقوق جبران آن را به عنوان خسارتی مستقل به شمار می‌آورد. در واقع هرگاه طرف قرارداد در اثر تأخیر در پرداخت پول طرف مقابل سبب کاهش ارزش پول زبان دیده باشد، باید مسئولیت آن را بپذیرد و درصد جبران آن برآید. منتها این مهم به دو صورت حاصل می‌شود:

۱- بین طرفین، نحوه جبران و مبدأ آن در قرارداد تعیین شده باشد.

۲- قانون به عنوان قرارداد اجتماعی در صورت فقد توافق میان طرفین چنین امری را پیش‌بینی کرده باشد. مکانیزم نخست را خسارت تأخیر تأدیه قراردادی و مکانیزم دوم را خسارت تأخیر تأدیه قانونی می‌نامند.

با این حال جمع آن دو امکان‌پذیر نیست. با وصف فوق، چنانچه طرفین، میزان و نحوه جبران خسارت تأخیر تأدیه را در قرارداد خویش پیش‌بینی نمایند نوبت به مقرر قانونی نمی‌رسد و در صورت طرح اختلاف در مرجع قضایی یا غیرقضایی، مرجع ذی‌ربط مکلف به صدور رأی مبنی بر جبران خسارت تأخیر تأدیه طبق توافق طرفین خواهد بود.

قانون اساسی با مجلس بود که در نهایت در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید.

ماده ۵۲۲ قانون پیش‌گفته می‌گوید: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.»

طبق مدلول ماده بالا، شرایط تحقق خسارت تأخیر تأدیه به شرح زیر است:

**۱- موضوع دعوا باید دینی باشد که نوع آن وجه رایج است:**

منظور از دین، همان تعهدی است که بر گردن یکی از متعاملین که باید وجهی یا پولی را به طرف مقابل می‌پرداخته، نپرداخته است.

بنابراین، هرگاه موضوع دعوا، دینی باشد که وجه رایج (پول) نباشد (مثلاً موضوع تعهد، انجام عمل یا انتقال عین مال باشد)، مشمول ماده فوق نمی‌شود.

۲- داین یا طلبکار آن را مطالبه کرده باشد: تا زمانی که بستانکار طلب یا پول خود را از بدهکار مطالبه و طرف مقابل انکار یا سکوت نکرده است موجبی برای وصول خسارت تأخیر تأدیه وجود ندارد.

**۳- مدیون تمکن مالی داشته باشد:**

طبق این فراز از ماده ۵۲۲ قانون یاد شده بالا، کسی که بدهکار است اما فاقد تمکن مالی است، ظاهراً می‌تواند از پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در حق طلبکار (داین) معاف شود. با این حال، در احراز این فقره، اختلاف نظر وجود دارد. بعضی از

اما سکوت طرفین در قرارداد در مورد نحوه جبران خسارت تأخیر تأدیه به معنی چشم‌پوشی از جبران این خسارت نخواهد بود. زیرا، قانون به عنوان قرارداد اجتماعی بر قانون طرفین (قرارداد) حاکم خواهد شد.

**دوم.**

تعیین میزان خسارت تأخیر تأدیه با همه فرازوفرودهایی که در گذشته داشته اکنون در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) تبلور یافته است. دریافت خسارت تأخیر تأدیه که احکام آن در ماده‌های ۷۱۲ و ۷۱۹ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) پیش‌بینی شده بود به نظر اکثر فقهای شورای نگهبان در سال ۱۳۶۲، مغایر با موازین شرعی شناخته شد. قانون‌گذار نیز پس از نزدیک به ۱۷ سال خودداری، تأمل، تردید و سکوت در برابر تبعیض بین بانک‌ها از یک سو و سایر اشخاص حقوقی و حقیقی از سوی دیگر، سرانجام با توجه دقیق به ماهیت خسارت تأخیر تأدیه، تحت این یا آن عنوان، آن را پذیرفت.

در حقیقت به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید (مصوب ۱۳۷۹) این ماده از موارد اختلافی بین شورای نگهبان



پیام آبادگران

مردادماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸

حقوقدانان اصل را بر تمکن مالی مدیون و برخی اصل را بر عدم آن جاری می‌دانند. اجمالاً در نظام حقوقی ما با توجه به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، اصل بر تمکن مالی مدیون است، نه اعسار وی. البته در خصوص قراردادهای پیمانکاری چون دولت دارای شخصیت حقوقی است، عدم تمکن مالی نسبت به کارفرمای دولتی موضوعیت ندارد.

#### ۴- خسارت تأخیر تأدیه هنگامی موضوعیت پیدا می‌کند که بدهکار (مدیون) از پرداخت دین خود

##### امتناع کرده باشد:

با توجه به این قسمت از ماده مرقوم، چنان چه اثبات شود که مدیون حاضر به پرداخت اصل بدهی خود بوده ولیکن داین (طلبکار) از دریافت آن استنکاف کرده یا اصلاً مطالبه نکرده است، در این صورت ادعای دریافت خسارت تأخیر تأدیه بلاموضوع خواهد بود.

۵- وصول خسارت تأخیر تأدیه زمانی محقق می‌شود که بهای کالاها و خدمات تغییر فاحش کرده باشد:

منظور از تغییر فاحش بهای قیمت‌ها، افزایش است. زیرا، هرگاه تغییر ارزش پول ملی به کاهش قیمت‌ها منتهی شود در واقع نوعی تقویت ارزش پول ملی است که طلبکار نه‌تنها خسارتی متحمل نمی‌شود بل که این بدهکار است که علی‌رغم تقویت پول ملی در صورت پرداخت اصل دین خود، به نوعی مبلغ اضافی نیز به نفع داین پرداخت کرده است.

#### ۶- مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه از زمان سررسید تا هنگام

##### پرداخت است:

پس، با توجه به این بخش از ماده ۵۲۲، قبل از سررسید موجبی برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجود ندارد و پایان محاسبه آن تا زمان پرداخت خسارت توسط مدیون و به عبارتی زمان ایصال و وصول است.

#### ۷- معیار کاهش پول ملی یا افزایش قیمت‌ها، شاخص‌های

#### سالانه بانک مرکزی کشور جمهوری اسلامی ایران است:

بانک مرکزی گرچه در هر روز و هر ماه و هر فصل، شاخص‌های تغییر قیمت‌ها را بر مبنای متوسط قیمت ۳۳۳ کالا و خدمات تعیین و اعلام می‌کند، مع الوصف برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه محاسبه روزانه، ماهانه یا فصلی، ملاک عمل نیست بل که شاخص‌های تورم سالانه معیار ارزیابی و تعیین مقدار خسارت تأخیر تأدیه است. از این امر می‌توان چنین نتیجه گرفت که این معیار دلالت بر این دارد که موضوع دین پول کشور ایران است که به عنوان ریال در کشور ما رواج دارد و طبعاً شامل ارزهای خارجی نمی‌گردد.

#### ۸- مصالحه مقدم بر حکم قانون

##### است:

تا زمانی که طرفین پس یا پیش از طرح دعوا طور دیگری مصالحه نکرده باشند، شرایط قانونی فوق‌الذکر حاکم است و در صورت تراضی و مصالحه، شرایط مصالحه بر شرایط قانونی مقدم است. یعنی حکم ماده ۵۲۲ از قوانین تکمیلی است، نه امری.

##### سوم.

۱- شرایط عمومی پیمان به‌گونه‌ای تنظیم و طراحی شده که در اکثر قریب به اتفاق یا شاید در تمام موارد پیمانکار از بابت مطالبات خود از کارفرما طلبکار است، نه کارفرما از پیمانکار.

از طرفی در صورت بروز اختلاف مالی بین پیمانکار و کارفرما که مطالبات پیمانکار مورد مناقشه طرفین قرار می‌گیرد، میزان مطالبات از طریق اظهارنظرهای کارشناس به دست می‌آید. در این مرحله، کارشناس/کارشناسان فنی و گاهی همراه با کارشناسان مالی، میزان مطالبات پیمانکار را براساس اسناد و دلایل طرفین محاسبه و به دادگاه یا مرجع داوری اعلام می‌نمایند. گاهی برخی از پیمانکاران تصور می‌کنند که گویا کارشناسان موظف هستند که خسارت تأخیر تأدیه آنان را هم باید محاسبه کنند در حالی که قانوناً و طبق رویه قضایی موجود، برآورد خسارت تأخیر تأدیه و تعیین مبدأ آن از اختیارات مرجع حل اختلاف (دادگاه یا داوری) است و طبعاً کارشناسان از چنین اختیاری برخوردار نیستند.

۲- از استقرا در آرای داوری و دادگاه‌ها، ملاحظه می‌شود که خسارت تأخیر تأدیه،

هم از جهت اصل خسارت و هم از جهت محاسبه مبدأ آن فاقد وحدت رویه قضایی است و هر قاضی یا داور بنا به سلیقه خود مبادرت به صدور رأی در مورد مبدأ خسارت تأخیر تأدیه می‌نماید.

موارد اختلاف به شرح زیر است:

#### الف) برخی از مراجع رسیدگی‌کننده

#### (دادگاه یا داور) به تأسی از

#### تفکر فقهای شورای نگهبان در

#### یک واکنش مقدس مآبانه اصلاً

#### اعتقادی به خسارت تأخیر تأدیه

#### ندارند و ضمن ربوی تلقی کردن آن

#### از صدور رأی در خصوص پرداخت

#### خسارت تأخیر تأدیه توسط کارفرما

#### در حق پیمانکار خودداری می‌کنند.

به نظر می‌رسد این جفای بزرگی در حق پیمانکاران است که اعتقادات شخص صادرکننده رأی در آن مدخلیت دارد و نوعی تمرد از اوامر قانونی محسوب می‌شود. زیرا، ربای پول با خسارت تأخیر تأدیه تفاوتی به فاصله زمین تا آسمان دارد. ربا یا ربح، اجاره دادن مستقیم پول توسط ربادهنده است که به جای سرمایه‌گذاری و پذیرش ریسک سرمایه خویش، راه زالوصفتان را در پیش می‌گیرد. این عمل طبق آموزه‌های دینی عمل بسیار قبیحی است که خداوند آن را نوعی جنگ علیه خود تلقی فرموده است. در حالی که خسارت تأخیر تأدیه با یک حساب سرانگشتی و تفکر خردگرایانه، کاهش ارزش پول ملی است که اگر مدیون از ادای به موقع آن کوتاهی یا خودداری نمی‌کرد، طلبکار متضرر نمی‌شد.

عدم شناسایی خسارت تأخیر تأدیه پیمانکار در احکام مراجع حل اختلاف، یا همراه با استدلال به ربوی بودن آن است یا بدون استدلال با مسکوت ماندن در رأی، تحقق پیدا می‌کند.

در صورت نخست می‌توان در دادگاه تجدیدنظر راجع به آن اعتراض و تقاضای تجدیدنظر کرد، اما در صورت دوم که رأی بدون اظهارنظر نسبت به خسارت تأخیر تأدیه صادر گردیده دادگاه‌های تجدیدنظر دو رویکرد متفاوت دارند:

(۱) به استناد ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) که مقرر می‌دارد: «مرجع

تجدید نظر فقط به آنچه که مورد تجدید نظر خواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته، رسیدگی می‌نماید»، از هرگونه اظهار نظر در آن مورد خودداری می‌کنند. در این حالت، پیمانکار می‌تواند با تقدیم دادخواست علیحده، مسئله وصول خسارت تأخیر تأدیه را مجدداً از دادگاه بدوی تقاضا نماید و پس از سیر مراحل قانونی نفیاً یا اثباتاً به نتیجه خود برسد. زیرا، در این حالت موضوع مشمول قاعده قضیه اعتبار امر مختومه نمی‌گردد.

(۲) پس از اظهار عقیده نسبت به کل رأی اصداری، درخصوص خسارت تأخیر تأدیه که علی‌رغم درخواست پیمانکار در رأی بدوی مسکوت مانده است، پرونده را جهت اظهار نظر در آن خصوص به شعبه بدوی اعاده می‌نمایند تا دادگاه بدوی در آن خصوص نیز نفیاً یا اثباتاً رأی مقتضی صادر نماید تا مجدداً مورد تجدید نظر خواهی قرار گیرد.

### **ب) برخی دیگر از قضات یا داوران، در اصل خسارت تأخیر تأدیه تردیدی ندارند و رأی هم صادر می‌کنند ولی در تعیین مبدأ محاسبه آن به شرح زیر اختلاف نظر دارند:**

(۱) مبدأ، تاریخ صورت‌وضعیتی است که پیمانکار به کارفرما یا مهندس مشاور تسلیم کرده و پس از گذشت مدت مقرر در هر یک از ماده‌های شرایط عمومی پیمان (مثلاً ماده ۴۰، ۳۷، ۳۶ و ۵۲) کارفرما از پرداخت آن در مهلت‌های مقرر خودداری کرده است. این نظر با ماده ۵۲۲ قانون صدرا لاشعار مابینت آشکار دارد. چرا که، در تاریخ تقدیم صورت‌وضعیت هنوز میزان مطالبات پیمانکار معلوم نیست و پس از طی تشریفات مندرج در شرایط عمومی پیمان طلب او معلوم خواهد شد. به عبارت دیگر، میزان مطالبات پیمانکار وقتی بر ذمه کارفرما مشغول می‌شود که توسط مهندس مشاور و کارفرما رسیدگی و معلوم گردد. پس از معلوم شدن طلب پیمانکار، چنانچه کارفرما از پرداخت آن کوتاهی نماید و پیمانکار با ارسال نامه یا اظهارنامه، مطالبه کند اصولاً طبق مفاد ماده ۵۲۲ قانون مزبور از تاریخ ابلاغ نامه یا اظهارنامه طلب پیمانکار می‌تواند از آن تاریخ مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه قرار گیرد.

(۲) بعضی از مراجع حل اختلاف (دادگاه یا

داوری) ملاک مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ تقدیم دادخواست (یا عرضحال) متقاضی داوری قرار می‌دهند و در رأی خویش به همین نحو عمل می‌کنند. اما باید توجه داشت که هرگاه پیش از تقدیم دادخواست یا عرض حال، پیمانکار علی‌رغم معلوم شدن طلب خود با ارسال نامه یا هر اعلامیه‌ای، مطالبات خود را از کارفرما خواسته باشد، اصولاً براساس ماده ۵۲۲ قانون یاد شده بالا، مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه باید همان تاریخ ابلاغ نامه یا هر اعلامیه‌ای باشد که پیمانکار ارسال نموده، نه تاریخ تقدیم دادخواست. مگر این که پیمانکار بدون ارسال هرگونه اعلامیه‌ای، ابتدا به ساکن، با تقدیم دادخواست یا عرض حال مطالبات خود را ادعا کرده باشد که در این صورت به نظر می‌رسد نه تنها تاریخ تقدیم دادخواست یا عرض حال ملاک مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه نیست بل که باید تاریخ ابلاغ دادخواست (یا عرض حال) باید مدنظر مرجع رسیدگی‌کننده به اختلاف قرار گیرد.

(۳) تعداد دیگری از مراجع حل اختلاف، تاریخ مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ صدور رأی بدوی معیار ارزیابی خسارت تأخیر تأدیه قرار می‌دهند و استدلال آن‌ها این است که: چون پیش از انجام کاوش‌های کارشناسی دین پیمانکار معلوم و مسلم نبوده و در نتیجه، پس از احراز آن در مرحله کارشناسی مشخص می‌گردد پس باید تاریخ رأی بدوی را که براساس نظریه کارشناس صادر شده، میزان تعیین مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه قرار داد. این عقیده به نظر نمی‌رسد که از حیث تحلیل مبانی قضیه درست باشد. زیرا، اولاً، کاوش‌های کارشناس علی‌الاصول جنبه کاشفیت دارند، نه موضوعیت. یعنی در اصل مدیون بودن کارفرما به پیمانکار تردیدی وجود نداشته و کارفرما می‌توانست با طی پروسه تعیین طلب پیمانکار طبق مقررات شرایط عمومی پیمان، آن را به وی پرداخت نماید و لکن بدون اعتنا به این وظیفه قراردادی خویش باعث شده که پیمانکار به ناچار از طریق مجاری حل اختلاف به وصول مطالبات خویش مبادرت نماید. در نتیجه همان کاری را که کارفرما می‌بایست برای تعیین مطالبات پیمانکار انجام دهد، از طریق کارشناس انجام شده است. پس، زمانی که کارشناس/کارشناسان عهده‌دار

وظیفه کارفرما می‌شوند طلب پیمانکار را با محاسبات و کاوش‌های خویش به دست می‌آورند. در واقع این طلب مربوط به زمانی بوده که کارفرما باید آن را به پیمانکار پرداخت می‌کرده ولی پرداخت نکرده یا من غیرحق، طلب پیمانکار را انکار کرده است. در این باره از اداره حقوقی قوه قضائیه استعلام شده که:

**الف)** مواردی که خواهان براساس ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) خواسته خود را در تاریخ تقدیم دادخواست تقویم نمی‌نماید و محکومیت نهایی خواننده به پرداخت دیون توسط هیأت کارشناسی معین می‌گردد، ملاک محاسبه خسارات کدامین مبلغ است: مبلغ اعلام شده توسط خواهان یا برآورد کارشناسان؟

ب) با توجه به این که عموماً نظریه کارشناسان به دفعات مورد اعتراض طرفین دعوا قرار می‌گیرد و فاصله زمانی قطعیت نظریه و تاریخ طرح دادخواست زیاد است، آیا دادگاه‌ها مجاز به محاسبه برآورد نظریه کارشناسان به عنوان مبلغ مورد مطالبه دائن با وصف مقرر در ماده قانونی مبحث عنه می‌باشند؟

اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۸/۱۸۵۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۵ چنین اظهار نظر کرده: «الف و ب) - خواهان در دعاوی مالی برابر بند (۳) ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مکلف است بهای خواسته را تعیین کند مگر آن که امکان تعیین آن در موقع تقدیم دادخواست نباشد که در این صورت باید برابر ذیل بند (۳) ماده ۵۱ قانون صدر الذکر ناظر به بند (۱۴) ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین رفتار شود. بنابراین، اگر در فرض سؤال به تشخیص دادگاه معلوم شود مقصود خواهان از تقویم خواسته این است که میزان حداقل یا قدرمتمیقن خواسته است، هرگاه پس از اعلام نظر کارشناس میزان خواسته بیش از این مبلغ باشد، صد حکم به بیش از آن فاقد اشکال قانونی به نظر می‌رسد و ملاک محاسبه خسارت تأخیر تأدیه نیز به همین مبلغ است. به هر حال تشخیص مصداق با دادگاه رسیدگی‌کننده است.»

**ثانیاً،** در اثر این تخلف قراردادی کارفرما، پیمانکار هم به مشقت افتاده و هم برای



وصول مطالبات خود مخارج رسیدگی و کارشناسی را متحمل شده است. بنابراین، تاریخ صدور رأی برای محاسبه مبدأ خسارت تأخیر تأدیه عادلانه و منطقی نیست، به ویژه آن که در مرحله کارشناسی معمولاً زمان زیادی برای بررسی های فنی و مالی صرف می گردد. دلیلی ندارد در اثر این تطویل مدت رسیدگی، مبدأ خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ رأی بدوی محاسبه گردد.

**ثالثاً،** به نظر می رسد باید در این خصوص قائل به تفکیک شد:

**یک) در مورد صورت وضعیت های موقت:** مطابق بند (الف) ماده ۳۷ شرایط عمومی پیمان کارفرما مکلف است ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ وصول صورت وضعیت، با صدور چک به نام پیمانکار مبلغ صورت وضعیت را به پیمانکار پرداخت نماید. پس اگر کارفرما، در پرداخت آن، ظرف مهلت یاد شده تأخیر نماید پیمانکار از تاریخ ابلاغ نامه خود به کارفرما مبنی بر درخواست وصول طلب خود از کارفرما استحقاق دریافت خسارت تأخیر تأدیه هر صورت وضعیت خود را که به ترتیب مذکور از کارفرما تأخیر کرده است، دارد.

#### دو) در مورد صورت وضعیت قطعی:

این امر می تواند دو وجه متفاوت داشته باشد: یک وجه این است که هر ماه مهندس مشاور و کارفرما مجموعاً بیش از پنج ماه از تاریخ دریافت صورت وضعیت قطعی از رسیدگی به آن خودداری نمایند و پیمانکار با ارسال اعلامیه ای به کارفرما درخواست رسیدگی و پرداخت صورت وضعیت خود را بنماید از تاریخ ابلاغ اعلامیه، پیمانکار مستحق دریافت خسارت تأخیر تأدیه ناشی از صورت وضعیت خود را ولو این که توسط کارشناس/کارشناسان دادگاه محاسبه و تعیین شده باشد، دارد. زیرا قصور یا تقصیر کارفرما و مهندس مشاور که نماینده کارفرماست، باعث شده که به صورت وضعیت پیمانکار رسیدگی نگردد. وجه دیگر این است که مهندس مشاور و کارفرما به صورت وضعیت پیمانکار رسیدگی کرده اند اما در مورد میزان آن بین طرفین اختلاف نظر است. در این صورت چون طبق قسمتی از ماده ۴۰ شرایط عمومی پیمان، «پیمانکار می تواند برای تعیین تکلیف آن قسمت از اعتراض خود که مورد قبول

کارفرما واقع نمی شود، طبق ماده ۵۳ اقدام نماید»، ملاک تعیین مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه نسبت به مبالغ پذیرفته شده توسط کارفرما از تاریخ اعلامیه پیمانکار به کارفرما و نسبت به موارد اختلافی از تاریخ ابلاغ دادخواست (عرض حال) به کارفرما مورد محاسبه قرار گیرد.

#### سه) در مورد پیش پرداخت:

گرچه پیش پرداخت به مثابه وام بدون بهره جهت تقویت بنیه مالی پیمانکار از سوی کارفرما به او تأدیه می شود مع الوصف این حق ناشی از پیمان به نفع پیمانکار شرط شده و از تعهدات قراردادی کارفرما محسوب می شود. پس تأخیر در تأدیه هر یک از اقساط پیش پرداخت می تواند مسؤولیت کارفرما را به تأدیه خسارت تأخیر مدلل دارد. اما تاریخ آن از روزی باید محاسبه شود که پیمانکار نامه ای به کارفرما ارسال داشته و از تاریخ دریافت آن کارفرما از تأدیه پیش پرداخت خودداری کرده است.

#### چهار) در مورد ضبط به ناحق

##### ضمانت نامه بانکی:

گاهی کارفرما بدون هرگونه سبب قانونی یا قراردادی مبادرت به ضبط ناروای ضمانت نامه انجام تعهدات (موضوع ماده ۳۴ شرایط عمومی پیمان) می نماید. در این صورت، چنان چه پیمانکار به این عمل غیرقانونی کارفرما معترض باشد و با تقدیم عرض حال یا دادخواست به مرجع حل اختلاف (دادگاه یا داوری) در صدد استرداد وجه ضمانت نامه بانکی خود برآید، از آنجا که رفتار کارفرما در این خصوص کاملاً غیرقانونی و غیراخلاقی بوده، خسارت تأخیر تأدیه مبالغ ضبط شده ضمانت نامه بانکی باید از روز ضبط و وصول غیرقانونی آن محاسبه گردد. زیرا، این موضوع مانند دینی نیست که پیمانکار از کارفرما طلب دارد بل که دین مذکور از یک تخلف آشکار کارفرما ایجاد شده که نباید ایجاد می شد.

#### پنج) در مورد تسویه حساب:

تسویه حساب موضوع ماده ۵۲ شرایط عمومی پیمان می تواند دو وضعیت متفاوت برای پیمانکار ایجاد کند: (۱) از کارفرما طلبکار باشد (۲) به کارفرما بدهکار باشد. در هر دو حالت، هر یک از دو طرف (کارفرما - پیمانکار) حسب مورد

که از دیگری طلبکار شود با ارسال اعلامیه و مطالبه طلب از تاریخ ابلاغ اعلامیه، خسارت تأخیر تأدیه از طرف مقابل قابل محاسبه است.

پس، محاسبه مبدأ خسارت تأخیر تأدیه به صورت مطلق از تاریخ صدور رأی بدوی یا قطعی تصمیم عادلانه ای نیست. چه، کاوش های کارشناسی علی الاصول جنبه کاشفیت دارند، نه موضوعیت. یعنی در اصل مدیون بودن کارفرما به پیمانکار تردیدی وجود نداشته و کارفرما می توانست طلب پیمانکار را طبق مقررات و شرایط عمومی پیمان به وی پرداخت نماید که نکرده است.

(۴) بعضی از قضات محترم حتا تاریخ رأی بدوی را هم معیار مبدأ پرداخت خسارت تأخیر تأدیه به شمار نمی آورند بلکه تاریخ رأی قطعی را ملاک محاسبه قرار می دهند. استدلال آن ها این است که: پیش از تاریخ قطعیت رأی بدوی، هنوز دین کارفرما به پیمانکار متزلزل است و در صورت قطعیت، آن دین بر ذمه کارفرما مستقر می گردد. اما به همان تحلیلی که در بالا عنوان شد این نظر به هیچ وجه قابل دفاع نیست و جفای بزرگی در حق پیمانکاران بستانکار به شمار می آید.

#### چهارم.

**نتیجه آن که:** ۱- خسارت تأخیر تأدیه شناخته شده قانونی در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) براساس واقعیت های غیرقابل انکار مناسبات اقتصادی از سوی قوه قانون گذاری کشور وضع و به رسمیت شناخته شده است. لذا اعمال سلبات شخصی مبتنی بر قواعد شرعی به هیچ وجه قابل قبول نیست. زیرا، هر آنچه از سوی قوه مقننه وضع می شود پس از طی مراحل و تشریفات مندرج در قانون اساسی، مابینت با شرع و قانون اساسی را منتفی می سازد. پس، هرگونه عملی بر خلاف ماده ۵۲۲ تخلف آشکار از قوانین کشور محسوب می گردد.

۲- مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه پس از تأیید مطالبات پیمانکار نزد مهندس مشاور و کارفرما یا خودداری آن ها از تأیید مطالبات موصوف، از وقتی باید محاسبه شود که پیمانکار به هر نحوی آن را از کارفرما مطالبه کرده ولی کارفرما به هر دلیل از پرداخت آن استنکاف ورزیده است.

# بخشنامه سازمان مالیاتی در رابطه با مودیانی که دفاتر و یا

## اسناد و مدارک خود را در مهلت مقرر قانونی ارائه نکردند

ارائه اسناد و مدارک در اجرای تبصره یک و قسمت اخیر تبصره (۲) ماده (۲۰۳) یا ماده (۲۰۸) قانون مالیات‌های مستقیم به مؤدی ابلاغ شده (ابلاغ قانونی) و اطلاع مؤدی از آن احراز نشود در صورت ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک در مرحله رسیدگی مجدد موضوع ماده (۲۳۸) قانون مذکور و یا مراجع دادرسی مالیاتی حسب مورد از حیث عدم ارائه موارد فوق در موعد مقرر موجب محرومیت از معافیت با نرخ صفر یا مشوق مالیاتی نخواهد بود. (میزان)

مکتوب به اداره امور مالیاتی اعلام شده است و یا محل اداره امور مالیاتی حسب مورد با توجه به نوع حسابرسی مالیاتی) تحویل و توسط اداره امور مالیاتی صورت مجلس می‌شود. بدیهی است حسب مقررات قسمت اخیر ماده (۲۲۹) قانون چنانچه محرز شود ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک به علی‌خارج از حدود اختیار مودی میسر نبوده است، از جمله اینکه دفاتر و یا اسناد و مدارک در اجرای حکم مرجع قضایی در اختیار مؤدی نباشد یا برگ درخواست

بخشنامه سازمان امور مالیاتی در رابطه با مودیانی که حسب مورد دفاتر و یا اسناد و مدارک خود را در مهلت مقرر قانونی ارائه نکردند، ابلاغ شد.

بخشنامه سازمان امور مالیاتی موضوع نحوه اجرای مقررات تبصره ۱ ماده ۱۴۶ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص مودیانی که حسب مورد دفاتر و یا اسناد و مدارک خود را در مهلت مقرر قانونی ارائه کرده‌اند، ابلاغ شد.

این بخشنامه طی نامه شماره ۲۰۰/۱۴۰۳/۱۰ در تاریخ ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ توسط رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور ابلاغ شده است.

متن بخشنامه به این شرح است:

با عنایت به سوالات و ابهامات مطروحه در اجرای مقررات تبصره (۱) ماده (۱۴۶) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم مبنی به اینکه ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک موضوع ماده (۹۵) قانون مذکور در موعد مقرر به ترتیبی که سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌نماید، شرط برخورداری از نرخ صفر و هرگونه معافیت یا مشوق مالیاتی مندرج در قانون و سایر قوانین می‌باشد.

همچنین پیرو بند (۴) بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۲۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۱ در خصوص موعد مقرر یاد شده لازم به تأکید است؛ حسب مقررات ماده (۲۲۹) قانون مالیات‌های مستقیم و ماده (۱۵) آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده (۹۵) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ اداره امور مالیاتی می‌توانند برای رسیدگی به اظهارنامه یا تشخیص هرگونه درآمد مودی به کلیه دفاتر و اسناد و مدارک مربوط مراجعه و رسیدگی نمایند و مودی مالیات مکلف به ارائه و تسلیم آن‌ها می‌باشد و در همین راستا دفاتر صورت درآمد و هزینه ماهانه خلاصه درآمد و هزینه سالانه و اسناد و مدارک حسب مورد با درخواست کتبی اداره امور مالیاتی و یا گروه رسیدگی در روز و محل تعیین شده در برگ درخواست ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک (محل اقامتگاه قانونی مودی و یا محلی که قبلاً بصورت مکتوب به اداره امور مالیاتی اعلام شده است) و یا محل اداره امور مالیاتی حسب مورد با توجه به نوع حسابرسی مالیاتی، تحویل و توسط اداره امور مالیاتی صورت مجلس می‌شود. بدیهی است حسب مقررات قسمت اخیر ماده (۲۲۹) قانون چنانچه محرز شود ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک به علی‌خارج از حدود اختیار مودی میسر نبوده است، از جمله اینکه دفاتر و یا اسناد و مدارک در اجرای حکم مرجع قضایی در اختیار مؤدی نباشد یا برگ درخواست ارائه اسناد و مدارک در اجرای تبصره (۲) ماده (۲۰۳) یا ماده (۲۰۸) قانون مالیات‌های مستقیم به مؤدی ابلاغ شده (ابلاغ قانونی) و اطلاع مؤدی از آن احراز نشود، در صورت ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک در مرحله رسیدگی مجدد موضوع ماده (۲۳۸) قانون مذکور و یا مراجع دادرسی مالیاتی حسب مورد از حیث عدم ارائه موارد فوق در موعد مقرر موجب محرومیت از معافیت یا نرخ صفر یا مشوق مالیاتی نخواهد بود.

شماره: ۲۰۰/۱۴۰۳/۱۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵  
نوع سند: تدارک



وزارت امور اقتصادی و دارایی  
سازمان امور مالیاتی کشور  
رئیس کل

جیش تولید با مشارکت مردم  
بسمه تعالی  
بخشنامه

م	مواد (۱۵)، (۲۲۹) و تبصره یک ماده (۱۴۶) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم	۱۴۰۳	۱۰
---	---	------	----

مخاطبان	موضوع
ادارات کل امور مالیاتی	نحوه اجرای مقررات تبصره (۱) ماده (۱۴۶) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم در خصوص مودیانی که حسب مورد دفاتر و یا اسناد و مدارک خود را در مهلت مقرر قانونی ارائه ننموده‌اند

با عنایت به سوالات و ابهامات مطروحه در اجرای مقررات تبصره (۱) ماده (۱۴۶) مکرر قانون مالیات‌های مستقیم مبنی به اینکه ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک موضوع ماده (۹۵) قانون مذکور در موعد مقرر به ترتیبی که سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌نماید، شرط برخورداری از نرخ صفر و هرگونه معافیت یا مشوق مالیاتی مندرج در قانون و سایر قوانین می‌باشد، همچنین پیرو بند (۴) بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۸/۲۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۱ در خصوص موعد مقرر یاد شده لازم به تأکید است؛ حسب مقررات ماده (۲۲۹) قانون مالیات‌های مستقیم و ماده (۱۵) آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده (۹۵) اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱، اداره امور مالیاتی می‌توانند برای رسیدگی به اظهارنامه یا تشخیص هرگونه درآمد مودی به کلیه دفاتر و اسناد و مدارک مربوط مراجعه و رسیدگی نمایند و مودی مالیات مکلف به ارائه و تسلیم آن‌ها می‌باشد و در همین راستا دفاتر صورت درآمد و هزینه ماهانه، خلاصه درآمد و هزینه سالانه و اسناد و مدارک حسب مورد با درخواست کتبی اداره امور مالیاتی و یا گروه رسیدگی در روز و محل تعیین شده در برگ درخواست ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک (محل اقامتگاه قانونی مودی و یا محلی که قبلاً بصورت مکتوب به اداره امور مالیاتی اعلام شده است) و یا محل اداره امور مالیاتی حسب مورد با توجه به نوع حسابرسی مالیاتی، تحویل و توسط اداره امور مالیاتی صورت مجلس می‌شود. بدیهی است حسب مقررات قسمت اخیر ماده (۲۲۹) قانون چنانچه محرز شود ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک به علی‌خارج از حدود اختیار مودی میسر نبوده است، از جمله اینکه دفاتر و یا اسناد و مدارک در اجرای حکم مرجع قضایی در اختیار مؤدی نباشد یا برگ درخواست ارائه اسناد و مدارک در اجرای تبصره (۲) ماده (۲۰۳) یا ماده (۲۰۸) قانون مالیات‌های مستقیم به مؤدی ابلاغ شده (ابلاغ قانونی) و اطلاع مؤدی از آن احراز نشود، در صورت ارائه دفاتر و یا اسناد و مدارک در مرحله رسیدگی مجدد موضوع ماده (۲۳۸) قانون مذکور و یا مراجع دادرسی مالیاتی حسب مورد از حیث عدم ارائه موارد فوق در موعد مقرر موجب محرومیت از معافیت یا نرخ صفر یا مشوق مالیاتی نخواهد بود.

سید محمد هادی سبحانیان

دفتر کار: ۱-۵۰۱۱۱۱-۲-۲-۲	مرجع پاسخگویی: دفتر حسابرسی مالیاتی	تلفن: ۰۲۱-۶۹۹۰۳۲۲۱
بخشنامه‌های موضوع:	تاریخ اجرا: از تاریخ این بخشنامه	مرجع نظر: دادستانی تخصصی مالیاتی
		نوعه اطلاع: بزرگسالی، سبسی



پیام‌آبادگران  
مردادماه ۱۴۰۳  
شماره ۴۱۸

## از مشعل المپیک تا زیرساخت‌های ایران

## فرصت‌ها و چالش‌های هیدروژن در توسعه پایدار

هیدروژن: نوآوری در صنعت احداث و راهکاری برای پایداری زیست محیطی



**کمیسون انتشارات - مریم خوانساری**: هیدروژن به عنوان یک منبع انرژی پاک، از مشعل المپیک پاریس ۲۰۲۴ تا زیرساخت‌های ایران، نویدبخش آینده‌ای پایدار است. این مقاله به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های استفاده از هیدروژن در صنعت احداث و محیط زیست، از پروژه‌های جهانی تا کاربردهای ملی، می‌پردازد.



بازی‌های المپیک پاریس ۲۰۲۴ با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و پایدار، یکی از منحصربه‌فردترین و به یادماندنی‌ترین دوره‌های تاریخ این رویداد جهانی را رقم زد. در بازی‌های المپیک پاریس ۲۰۲۴، ما شاهد ترکیب بی‌نظیر ورزش، فرهنگ و تکنولوژی‌های پاک بودیم. از مهم‌ترین نوآوری‌های این دوره می‌توان به استفاده از مشعل هیدروژنی اشاره کرد. مشعل المپیک با شعله‌ای بزرگ به قطر ۷ متر که توسط شرکت برق فرانسه (EDF) طراحی شده بود، هر شب پاریس را نورانی می‌کرد درحالی‌که هیچ نیازی به سوخت‌های فسیلی نداشت.

این مشعل که به عنوان نمادی بی‌بدیل در این بازی‌ها به کار گرفته شد، از هیدروژن سبز تغذیه می‌شد و برخلاف مشعل‌های سنتی که از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌کردند، هیچ‌گونه آلودگی زیست محیطی ایجاد نمی‌کرد و با ترکیبی از مه و نور LED، شعله‌ای زیبا و پایدار را ایجاد می‌کرد. مشعل، که هر شب توسط بالنی به ارتفاع ۶۰ متر از سطح زمین بالا می‌رفت، نمایشی بی‌نظیر از فناوری پیشرفته و تعهد به پایداری است. این اقدام، نشان‌دهنده‌ی تعهد فرانسه به بهره‌گیری از انرژی‌های پاک و حرکت به سوی آینده‌ای بدون کربن بود. مشعل هیدروژنی المپیک، علاوه بر جذابیت بصری، پیامی مهم و قدرتمند به جهانیان مخابره کرد: فناوری هیدروژن می‌تواند به عنوان راهکاری کارآمد و پایدار در مبارزه با تغییرات اقلیمی به کار گرفته شود.

## هیدروژن در صنعت زیرساخت:

## فرصت‌ها و چالش‌ها

توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی به‌ویژه در بخش‌های مختلف صنعت، از جمله حمل‌ونقل، ساخت‌وساز و صنایع سنگین، نقش کلیدی ایفا می‌کند. به عنوان مثال، در اروپا، پیش‌بینی شده که تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۴۰,۰۰۰ کیلومتر خط لوله هیدروژنی و ۱۶۳,۰۰۰ ایستگاه سوخت‌گیری احداث شود. این پروژه‌ها نه تنها به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کنند، بلکه فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد کرده و به تحکیم موقعیت کشورهای پیشرو در زمینه انرژی پاک کمک خواهند کرد.

هیدروژن به عنوان یک منبع انرژی پاک، در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مورد توجه در صنعت زیرساخت تبدیل شده است. این فناوری، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ مقیاس و زیرساختی، فرصت‌های بسیاری برای کاهش انتشار کربن و بهبود کارایی انرژی فراهم کرده است. در ادامه به بررسی نقش هیدروژن در صنعت زیرساخت و چالش‌های پیش‌روی توسعه آن می‌پردازیم.

## کاربردهای هیدروژن در صنعت زیرساخت

۱. **حمل‌ونقل**: یکی از اصلی‌ترین کاربردهای هیدروژن در صنعت زیرساخت،

در بخش حمل‌ونقل است. حمل‌ونقل به عنوان یکی از بزرگ‌ترین منابع انتشار گازهای گلخانه‌ای، از مهم‌ترین اهداف برای کاهش انتشار کربن محسوب می‌شود. هیدروژن به عنوان سوختی پاک می‌تواند نقش مهمی در کاهش این انتشار ایفا کند. به عنوان مثال، در بازی‌های المپیک پاریس ۲۰۲۴، بیش از ۵۰۰ خودروی هیدروژنی برای حمل‌ونقل ورزشکاران و مقامات به کار گرفته شد. این خودروها پس از پایان بازی‌ها، به ناوگان تاکسی‌های پاریس اضافه خواهند شد، که نشان‌دهنده تعهد فرانسه به استفاده از انرژی‌های پاک است.

استفاده از هیدروژن در حمل‌ونقل به‌ویژه در خودروهای سنگین و سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، مانند اتوبوس‌ها و قطارها، در حال گسترش است. به عنوان مثال، در سوئیس، از هیدروژن به عنوان منبع سوخت برای قطارهای باری و مسافری استفاده می‌شود که به طور قابل توجهی به کاهش انتشار کربن در این کشور کمک کرده است. پروژه راه‌آهن هیدروژنی در سوئیس نشان‌دهنده‌ی چگونگی استفاده از این فناوری در حمل‌ونقل ریلی است که نه تنها به کاهش آلودگی هوا کمک می‌کند، بلکه مصرف انرژی را نیز بهینه می‌کند.

۲. **صنایع سنگین**: صنایع سنگین، از جمله فولاد، سیمان، و مواد شیمیایی، از بزرگ‌ترین منابع انتشار کربن در جهان هستند. هیدروژن به عنوان یک سوخت پاک می‌تواند به طور چشمگیری به کاهش این انتشار کمک کند. به عنوان مثال، در صنعت فولاد، هیدروژن می‌تواند جایگزین کربن به عنوان عامل کاهش دهنده در فرآیند تولید فولاد شود. استفاده از هیدروژن در فرآیندهای صنعتی به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و بهبود کارایی انرژی کمک می‌کند. در برخی کشورها، از جمله آلمان و ژاپن، پروژه‌هایی برای استفاده از هیدروژن در صنایع سنگین آغاز شده است که به عنوان نمونه‌هایی از بهره‌برداری از این فناوری در مقیاس صنعتی می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.



## چالش‌های توسعه زیرساخت‌های

### هیدروژنی

با وجود تمامی مزایای هیدروژن، توسعه زیرساخت‌های لازم برای بهره‌برداری از این منبع انرژی با چالش‌های متعددی همراه است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، هزینه بالای تولید و انتقال هیدروژن سبز است. تولید هیدروژن از طریق الکترولیز آب با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، هزینه‌بر است و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد. علاوه بر این، نیاز به توسعه شبکه‌های انتقال و توزیع هیدروژن نیز یکی دیگر از چالش‌های مهم در این زمینه است.

#### • زیرساخت‌های حمل‌ونقل و توزیع:

برای بهره‌برداری گسترده از هیدروژن به عنوان سوخت، نیاز به ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقل و توزیع گسترده است. توسعه خطوط لوله هیدروژنی، ایستگاه‌های سوخت‌گیری، و واحدهای تولید هیدروژن، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و همکاری نزدیک بین دولت‌ها و بخش خصوصی است. به عنوان مثال، در اروپا، اتحادیه اروپا با ارائه بسته‌های مالی و سیاست‌های حمایتی، نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی ایفا می‌کند.

#### • هزینه‌های تولید و انتقال:

سبز نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان است و هزینه‌های تولید آن همچنان بالا است. برای کاهش هزینه‌ها و افزایش رقابت‌پذیری هیدروژن در مقایسه با سوخت‌های فسیلی، نیاز به توسعه فناوری‌های جدید و افزایش کارایی فرآیندهای تولید و انتقال هیدروژن است. در این راستا، دولت‌ها و بخش خصوصی باید با همکاری نزدیک، سرمایه‌گذاری‌های لازم را برای توسعه این فناوری انجام دهند.

#### • پذیرش اجتماعی و سیاست‌های

حمایتی: پذیرش اجتماعی و ایجاد سیاست‌های حمایتی از دیگر چالش‌های مهم در توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی است. برای توسعه این فناوری در مقیاس وسیع، نیاز به ایجاد آگاهی عمومی و حمایت‌های سیاسی از سوی دولت‌ها وجود دارد. دولت‌ها باید با ارائه مشوق‌های



و Shell نیز به طور گسترده‌ای در پروژه‌های هیدروژنی سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا با ایجاد شبکه‌های توزیع و تولید هیدروژن سبز، به ایجاد یک زنجیره تأمین پایدار برای این فناوری کمک کنند.

### پروژه‌های نمونه در زیرساخت‌های

#### هیدروژنی

در سطح جهانی، چندین پروژه بزرگ در زمینه هیدروژن در حال اجرا هستند که نشان‌دهنده پتانسیل عظیم این فناوری در صنایع مختلف است. به عنوان مثال یکی از برجسته‌ترین پروژه‌های هیدروژنی در اروپا پروژه‌ی راه‌آهن هیدروژنی سوئیس است. این پروژه شامل استفاده از قطارهای هیدروژنی به جای قطارهای دیزلی در مسیرهای کوهستانی و کم‌دسترسی است که نه تنها به کاهش انتشار کربن کمک می‌کند بلکه کارایی انرژی را نیز بهبود می‌بخشد. استفاده از هیدروژن به عنوان سوخت در این پروژه به دلیل توانایی بالای این سوخت در ارائه قدرت کافی برای قطارها و کاهش نیاز به زیرساخت‌های برقی، انتخاب مناسبی بوده است.

از دیگر پروژه‌ها در اتحادیه اروپا، پروژه‌ی کریدور هیدروژنی در حال اجرا است که هدف آن ایجاد یک شبکه‌ی وسیع از ایستگاه‌های سوخت‌گیری هیدروژنی در مسیرهای حمل‌ونقل اصلی اروپاست. این پروژه با همکاری بین کشورهای مختلف اروپایی و شرکت‌های خصوصی اجرا می‌شود و نقش مهمی در تسهیل حمل‌ونقل سنگین با استفاده از هیدروژن ایفا خواهد کرد.

کشورهای نوردیک نظیر نروژ و سوئد نیز به طور فعال در توسعه‌ی پروژه‌های هیدروژنی

مالی و یارانه‌ها، انگیزه لازم را برای سرمایه‌گذاری در این زمینه فراهم کنند.

سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های هیدروژنی همانطور که اشاره شد توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان از سوی دولت‌ها و بخش خصوصی است. برآورد می‌شود که برای رسیدن به اهداف توافق پاریس و کاهش انتشار کربن، باید تا سال ۲۰۵۰ بین ۶ تا ۱۲ تریلیون دلار در زیرساخت‌های هیدروژنی سرمایه‌گذاری شود. این سرمایه‌گذاری‌ها شامل توسعه خطوط لوله، ایستگاه‌های سوخت‌گیری و واحدهای تولید هیدروژن خواهد بود.

دولت‌ها نقش کلیدی در توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی دارند. با توجه به اینکه توسعه این زیرساخت‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان است، دولت‌ها باید با ارائه یارانه‌ها و سیاست‌های حمایتی، انگیزه لازم را برای سرمایه‌گذاری در این زمینه فراهم کنند. به عنوان مثال، در اروپا، اتحادیه اروپا با ارائه بسته‌های مالی و البته سیاست‌های حمایتی متعدد، نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی ایفا می‌کند.

البته بخش خصوصی نیز نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی ایفا می‌کند. شرکت‌های بزرگ انرژی و زیرساختی، با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هیدروژنی، به توسعه این فناوری کمک می‌کنند. برای مثال، در آلمان، شرکت‌های انرژی بزرگ در حال سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولید و توزیع هیدروژن هستند و این امر به تسریع توسعه زیرساخت‌های هیدروژن هستند و این امر به تسریع توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی کمک می‌کند. شرکت‌های بین‌المللی نظیر Siemens، Linde



پیام‌آبادگران

مردادماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸



صورت مایع یا فشرده، می‌تواند به حل این چالش کمک کند. توسعه مخازن سبک و مقاوم برای حمل و نقل هیدروژن نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

همچنین توسعه شبکه‌های توزیع هیدروژن از جمله خطوط لوله و ایستگاه‌های سوخت‌گیری، نقش مهمی در گسترش استفاده از هیدروژن در صنایع مختلف ایفا می‌کند. این شبکه‌ها نه تنها به کاهش هزینه‌های حمل و نقل هیدروژن کمک می‌کنند، بلکه به تسهیل دسترسی به این منبع انرژی در مناطق مختلف جهان منجر می‌شوند.

### کاربردهای هیدروژن

#### در صنعت احداث ایران

ایران، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان، دارای ظرفیت‌های بالقوه برای بهره‌برداری از فناوری‌های نوین نظیر هیدروژن است. با وجود اینکه تاکنون پروژه‌های بزرگی در زمینه هیدروژن در ایران اجرا نشده است، اما کشور به راحتی می‌تواند با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و منابع غنی انرژی خود، به یکی از پیشروان در این زمینه تبدیل شود.

ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز طبیعی در جهان، ظرفیت بالایی برای تولید هیدروژن از طریق اصلاح متان دارد. این فرآیند که به عنوان «هیدروژن خاکستری» شناخته می‌شود، می‌تواند به عنوان یک راهکار انتقالی در مسیر حرکت به سوی تولید هیدروژن سبز مورد استفاده قرار گیرد. با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای جذب و ذخیره‌سازی کربن (CCS)، این فرآیند می‌تواند به کاهش انتشار کربن در تولید هیدروژن کمک کند.

همچنین ایران دارای منابع غنی انرژی‌های تجدیدپذیر نظیر انرژی خورشیدی و بادی است. استفاده از این منابع برای تولید هیدروژن سبز می‌تواند به کاهش وابستگی کشور به سوخت‌های فسیلی و افزایش سهم انرژی‌های پاک در سبد انرژی کشور کمک کند. با توجه به شرایط جغرافیایی ایران، به ویژه در مناطق کویری و بادخیز، ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی و بادی برای تولید هیدروژن سبز می‌تواند به عنوان یکی از اولویت‌های توسعه زیرساخت‌های انرژی

۳. تولید فولاد: همانطور که قبلاً اشاره شد، هیدروژن به عنوان یک عامل کاهش‌دهنده در تولید فولاد می‌تواند جایگزین کربن شود. این امر به ویژه در صنعت ساخت و ساز که از فولاد به طور گسترده‌ای استفاده می‌کند، اهمیت دارد. کاهش کربن در تولید فولاد می‌تواند به کاهش انتشار کربن در کل چرخه عمر ساختمان‌ها کمک کند.

#### چشم‌انداز آینده هیدروژن

##### در صنعت زیرساخت

با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و افزایش تقاضا برای انرژی‌های پاک، انتظار می‌رود که هیدروژن نقش کلیدی در آینده صنعت زیرساخت ایفا کند. توسعه فناوری‌های نوین در زمینه تولید، ذخیره‌سازی، و توزیع هیدروژن، به همراه سرمایه‌گذاری‌های گسترده از سوی دولت‌ها و بخش خصوصی، می‌تواند به تحقق این چشم‌انداز کمک کند.

یکی از اصلی‌ترین روش‌های تولید هیدروژن سبز، استفاده از فرآیند الکترولیز آب است. با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر نظیر باد و خورشید، این فرآیند می‌تواند به تولید هیدروژنی کاملاً پاک و بدون انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر شود. پیشرفت‌های اخیر در زمینه کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کارایی الکترولیز، نقش مهمی در توسعه بازار هیدروژن ایفا خواهند کرد.

باید اشاره نمود که ذخیره‌سازی هیدروژن یکی از چالش‌های بزرگ در بهره‌برداری گسترده از این منبع انرژی است. فناوری‌های جدید نظیر استفاده از مواد پیشرفته برای ذخیره‌سازی هیدروژن به

مشارکت دارند. این کشورها به دلیل دسترسی بالا به منابع انرژی تجدیدپذیر نظیر برق‌آبی، از جمله پیشگامان تولید هیدروژن سبز هستند. پروژه‌های هیدروژنی این کشورها با نام «پروژه‌ی هیدروژنی نوردیک» شامل تولید هیدروژن از طریق الکترولیز آب و استفاده از آن در صنایع سنگین و حمل‌ونقل است.

#### توسعه فناوری‌های هیدروژنی

##### در ساخت و ساز

استفاده از هیدروژن در صنعت ساخت و ساز نیز به عنوان یکی از راه‌حل‌های پایدار برای کاهش انتشار کربن در این بخش در حال بررسی و توسعه است. برخی از کاربردهای بالقوه هیدروژن در صنعت ساخت و ساز عبارتند از:

۱. تولید سیمان: صنعت سیمان یکی از بزرگ‌ترین منابع انتشار دی‌اکسید کربن در جهان است. استفاده از هیدروژن به عنوان سوخت در فرآیند تولید سیمان می‌تواند به طور قابل توجهی انتشار کربن در این بخش را کاهش دهد. پروژه‌های تحقیقاتی در این زمینه در حال اجرا هستند که به بررسی تسریع گسترش استفاده از هیدروژن در کوره‌های سیمان می‌پردازند.

۲. ماشین‌آلات ساخت و ساز: استفاده از ماشین‌آلات ساخت و ساز با سوخت هیدروژن می‌تواند به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در محل‌های ساخت و ساز کمک کند. این ماشین‌آلات شامل بیل‌های مکانیکی، جرثقیل‌ها و بولدوزرها می‌شوند که با استفاده از هیدروژن به جای دیزل، انتشار کربن را به حداقل می‌رسانند.





کشور مورد توجه قرار گیرد.

فراموش نکنیم که ایران به عنوان یکی از کشورهای دارای شبکه حمل و نقل گسترده، می‌تواند از هیدروژن به عنوان سوخت پاک برای خودروهای سنگین و حمل و نقل عمومی نیز استفاده کند. با ایجاد ایستگاه‌های سوخت‌گیری هیدروژنی در طول کریدورهای اصلی حمل و نقل، می‌توان به کاهش انتشار کربن در این بخش کمک کرد. استفاده از هیدروژن در حمل و نقل ریلی و دریایی نیز می‌تواند به عنوان یکی از راهکارهای پایدار در صنعت حمل و نقل کشور مورد بررسی قرار گیرد. البته از بُعد کاربردهای صنعتی همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، هیدروژن می‌تواند در صنایع مختلف نظیر فولاد، سیمان، و پتروشیمی به عنوان یک سوخت پاک و جایگزین برای سوخت‌های فسیلی مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از هیدروژن در این صنایع می‌تواند به کاهش انتشار کربن و بهبود کارایی انرژی در فرآیندهای صنعتی کمک کند.

البته توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی در ایران با چالش‌هایی همراه است که باید برای بهره‌برداری کامل از این فناوری مورد توجه قرار گیرد. این چالش‌ها شامل موارد زیر می‌شود:

توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی از سوی دولت و بخش خصوصی است. برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی، فارغ از بحث تحریم‌ها که خود مانع بسیار بزرگی برای هرگونه توسعه است، باید سیاست‌های حمایتی و مشوق‌های مالی از سوی دولت ارائه شود. به عنوان مثال، ارائه یارانه‌ها برای تولید هیدروژن سبز و حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی در این زمینه می‌تواند به تسریع توسعه این فناوری در ایران کمک کند. از دیگر موارد مهم، ایجاد همگرایی بین نهادهای مختلف است. توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی نیازمند همکاری نزدیک بین نهادهای مختلف دولتی، بخش خصوصی، و دانشگاه‌ها است. ایجاد همگرایی بین این نهادها و تدوین برنامه‌های جامع برای توسعه هیدروژن می‌تواند به تحقق اهداف بلندمدت کشور در زمینه انرژی کمک کند. با توجه به ظرفیت‌های بالقوه ایران در زمینه تولید و بهره‌برداری از هیدروژن،

این فناوری‌ها، که به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و بهبود کیفیت هوا کمک می‌کنند، ضروری‌ترین گام‌ها برای حفظ محیط زیست و سلامت عمومی هستند. در شرایطی که زندگی کنونی همین نسل شهروندان ما از آلودگی هوا به شدت خطر افتاده، اگر اقدام‌های جدی در این زمینه انجام نشود، ما با خطرات بزرگی از جمله تشدید تغییرات اقلیمی و بحران‌های بهداشتی مواجه خواهیم شد که زندگی نسل‌های آینده را نیز به شدت تهدید می‌کند.

### نتیجه‌گیری

هیدروژن به عنوان یک منبع انرژی پاک و پایدار، نقشی اساسی در آینده صنعت زیرساخت ایفا خواهد کرد. با توسعه فناوری‌های جدید، سرمایه‌گذاری‌های گسترده و همکاری بین‌المللی، هیدروژن می‌تواند به عنوان یکی از ارکان اصلی در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و تحقق اهداف بلندپروازانه تغییرات اقلیمی مورد استفاده قرار گیرد.

استفاده از هیدروژن نه تنها به کاهش انتشار کربن کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی منجر شود. توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی و بهره‌برداری از این منبع انرژی پاک، نیازمند تلاش‌های هماهنگ و سرمایه‌گذاری‌های کلان از سوی دولت‌ها و بخش خصوصی است. در نهایت، موفقیت در این زمینه می‌تواند به تحقق یک آینده پایدار و بدون کربن منجر شود. آینده‌ای که همه ما در انتظار آن هستیم.

امکان پذیر است که این فناوری در آینده نزدیک به یکی از ارکان اصلی سبد انرژی کشور تبدیل شود. توسعه فناوری‌های جدید، سرمایه‌گذاری‌های گسترده و همکاری بین‌المللی، می‌تواند به تحقق این چشم‌انداز کمک کند. در این صورت ایران با توجه به منابع غنی انرژی‌های تجدیدپذیر و ذخایر گاز طبیعی، می‌تواند به عنوان یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده هیدروژن در منطقه و جهان مطرح شود. برای رسیدن به این هدف، نیاز به تدوین استراتژی‌های بلندمدت و سرمایه‌گذاری‌های کلان در توسعه زیرساخت‌های هیدروژنی است. با توجه به تحولات جهانی در زمینه انرژی و تلاش‌های بین‌المللی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، هیدروژن می‌تواند به عنوان یک فرصت استراتژیک برای ایران در مسیر توسعه پایدار و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مطرح شود. آلودگی هوا و افزایش دما در ایران، به‌ویژه در کلان‌شهرهایی نظیر تهران، اصفهان و مشهد، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی و بهداشتی کشور تبدیل شده است. این دو معضل ناشی از افزایش تعداد خودروها، صنایع سنگین، و سوخت‌های فسیلی است که نه تنها کیفیت هوا را به شدت کاهش داده، بلکه سلامت عمومی را نیز به خطر انداخته است. در این شرایط، استفاده از فناوری‌های نوین مانند هیدروژن به عنوان یک منبع انرژی پاک، می‌تواند دو هدف اصلی را دنبال کند: کاهش آلودگی هوا و مقابله با تغییرات اقلیمی.



پیام‌آبادگران

مردادماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸

# ملی کردن نفت و درس آموخته های آن



**کمیسیون انتشارات - مهندس مجتبی ضرابی :** پس از آنکه دکتر مصدق (رهبر ملی) در مقام نخست وزیری کوشید وزارت جنگ را که از اختیارات شاه بود به دست آورد اما موفق نشد، در روز ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ طی نامه ای استعفاي خود را از ریاست دولت به شاه تسلیم نمود. محمدرضا شاه نیز با قبول استعفا فوراً قوام السلطنه را مأمور تشکیل دولت جدید کرد.



بر اعتقاد خود مبنی بر بیرون راندن بیگانگان از مسئله نفت ایران راسخ بود و بر آن پافشاری می کرد. وی شدیداً معتقد بود که سرنوشت استخراج، پالایش و فروش نفت باید کلاً در دست ایران و ایرانی باشد. پس از آن بود که دکتر مصدق تصمیم به قطع رابطه سیاسی با بریتانیا گرفت و متعاقب آن مجلس سنا را منحل اعلام کرد. این تصمیمات موجب پراکنده شدن دوستان بیشتری از جبهه ملی شد و واضح است که حزب توده که منتظر موقعیت بود، از این آب گل آلوده حداکثر استفاده را نمود و مردم را علیه دکتر مصدق تحریک کرد. آنها انگ ها و اتهامات مختلفی علیه دکتر مصدق سر دادند از جمله می گفتند دکتر مصدق فردی لجوج و خود محور است. در اسفند ۱۳۳۱ پیشنهاد تازه ای از سوی دولتین آمریکا و بریتانیا تسلیم دکتر مصدق شد که آن هم منتج به نتیجه ای نشد. ناگفته نماند که اصرار دولت آمریکا برای پیدا کردن راه حل مشترک جهت حل مسئله نفت، بیشتر از بیم تبلیغات شدید احزاب چپ به ویژه حزب توده و ترس از نزدیکی و رابطه دولت ایران به حکومت

و دو دستگی در این جبهه پیش آمد. از جمله آیت الله کاشانی که به تازگی به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شده بود اندک اندک بنای مخالفت با دکتر مصدق را گذاشت و در صف مخالفان درآمد. چند تن از سران جبهه نظیر مظفر بقایی و حسین مکی و دیگر سرشناسان نیز جزو مخالفان شدند. اغلب مخالفان، دکتر مصدق را به یکدندگی و خودمحوری متهم می کردند و می گفتند او مصمم است هر پیشنهادی برای حل مسئله نفت از طرف خارجی ها را رد کند، در حالی که برای دکتر مصدق خلع ید و کوتاه کردن دست اجانب از نفت ایران هدفی مهم تر از افزایش درآمد ایران بود. تقریباً در همین ایام بود که حزب کارگر انگلیس به رهبری اتلی جای خود را به آدمیرال چرچیل محافظه کار و در آمریکا نیز دولت دموکرات ترومن جای خود را به ژنرال آیزنهاور جمهوریخواه داد. در هشتم شهریور ۱۳۳۱ ترومن و چرچیل پیشنهاد تشکیل کنسرسیوم نفت را به دکتر مصدق ارائه دادند. اگرچه دکتر مصدق در ابتدای امر روی خوش به این پیشنهاد نشان داد، اما بعداً به آن پاسخ منفی داد زیرا همچنان

قوام با انتشار اعلامیه معروف «کشتی بان را سیاستی دگر آمد» آغاز به کار نمود، اما طولی نکشید که مردم از هر گوشه و کنار کشور به پا خاستند و به طرفداری از دکتر مصدق بازارها را تعطیل نموده، ندای مخالفت با دولت سر دادند. در این زمان آیت الله کاشانی در پشتیبانی از دکتر مصدق اعلامیه ای صادر کرد. البته چپ ها و به ویژه حزب توده هم با فرصت طلبی برای ایجاد بلوا دست به کار شدند. دولت قوام از قوای قهریه استفاده کرد و شعار مردمی «یا مرگ یا مصدق» را با گلوله پاسخ داد.

از طرفی خبر پیروزی نهایی ایران در دیوان بین المللی دادگستری لاهه که در شامگاه روز سی ام تیر اعلام شد، عامل قدرتمند دیگری به نفع جبهه ملی و خصوصاً دکتر مصدق بود که نتیجه آن شکست قوام السلطنه و تجدید زمامداری دکتر مصدق با قدرتی بیشتر شد. اما متأسفانه «از قضا سرکنگبین صفرا فزود» و این پیروزی بزرگ در جبهه ملی اثر معکوس بخشید و به علت تنگ نظری ها و خود محوری برخی از سران جبهه، اختلاف نظر



شوروی بود که با کمال زیرکی از کارت ایران برای ارباب غرب استفاده می‌کرد. در این هنگام یا هنگامه، دکتر مصدق برای این که مجلس شورای ملی را منحل کند به فکر رفراندوم افتاد و علیرغم مخالفت و توصیه‌های بسیاری از دوستان و همراهانش در ۱۲ مرداد ماه ۱۳۳۲ دست به رفراندوم زد و مجلس را منحل اعلام کرد. حالت آشفته‌ای در کشور به وجود آمده بود و مردم در اثر تبلیغات احزاب چپ و راست در بلاتکلیفی و حیرت به سر می‌بردند. دولتین انگلیس و آمریکا نیز به این نتیجه رسیده بودند که اولاً؛ توافق با دکتر مصدق به هیچ وجه ممکن نیست و ثانیاً، احتمال

کنار آمدن او با روس‌ها روزافزون است. لذا یگانه راه علاج را سرنگونی دولت از طریق کودتا دانستند. نقشه کودتا توسط انگلیسی‌ها با طراحی و اجرای آن توسط آمریکا به طور برق‌آسایی به وقوع پیوست. در روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ بود که ناگهان ورق برگشت. سرلشکر زاهدی زمام امور را به دست گرفت، و با سکوت آیت‌الله کاشانی به خانه دکتر مصدق حمله و سرانجام او و یارانش را دستگیر، محاکمه و زندانی کردند که نیازی به توضیح بیشتر در این باره نیست. از اینجا به بعد بود که نقش و راهبری آمریکا در سیاستهای ایران آغاز گردید.

این حوادث به وضوح نشان داد که چگونه پرشکوه‌ترین آرمانها و برانزده‌ترین امیدها می‌توانند دستخوش ندانم کاری‌ها و تفرقه‌ها قرار گیرند. به سخن دیگر، جریان ملی کردن نفت یکبار دیگر ثابت کرد که وطن پرستی، شجاعت، صداقت، و حسن نیت برای به ثمر رساندن چنین امر خطیری لازم است اما این صفات به تنهایی برای بارور کردن آن کفایت نمی‌کند و نکرده است. به عبارتی می‌توان گفت برای رسیدن به هدفی که در آن برهه ملی کردن نفت بود، صفات دیگری از جمله جهان بینی، موقع شناسی، و واقع بینی ضرورت داشت.

## ابلاغ دستورالعمل بررسی اندازه سازگاری پروژه‌ها با مشارکت عمومی - خصوصی

معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در بخشنامه‌ای به دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور و پیمانکاران، «دستورالعمل بررسی اندازه سازگاری پروژه‌ها با مشارکت عمومی - خصوصی (غریبالگری)» را ابلاغ کرد. به گزارش مرکز روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه کشور، این دستورالعمل به صورت راهنما و در قالب ضابطه شماره ۸۸۳ در پایگاه اطلاع‌رسانی نظام فنی و اجرایی کشور منتشر شده است. در مقدمه این دستورالعمل آمده است: «به استناد ماده ۳۴ قانون احکام

دائمی برنامه‌های توسعه کشور و «نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور» موضوع مصوبه شماره ۲۵۲۵۴/ت/۵۷۶۹۷-هـ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۸ هیئت محترم وزیران، به پیوست نشریه شماره ۸۸۳ با عنوان «بررسی میزان سازگاری طرح (پروژه)ها با الگوی مشارکت عمومی - خصوصی (غریبالگری) به صورت راهنما برای بهره‌برداری ابلاغ می‌شود. نشریه حاضر با هدف سازگاری پروژه با روش مشارکت عمومی خصوصی و غریبالگری پروژه‌ها تهیه شده است. با بهره‌برداری از این راهنما، فرایند سنجش، ارزیابی و مقایسه چند پروژه با هدف تصمیم‌گیری در زمینه

انتخاب پروژه‌های متناسب و سازگارتر با مبانی مشارکت عمومی خصوصی برای طرف عمومی میسر خواهد شد.» در ادامه این مقدمه آمده است: «دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی متقاضی استفاده از ماده ۲۳ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۲، موظفند به همراه مطالعات توجیهی فنی، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی و رعایت پدافند غیرعامل، مطابق این نشریه، بررسی سازگاری پروژه را با الگوی مشارکت عمومی - خصوصی نیز انجام داده و ارائه نمایند.» ۳ مرداد

## شرط اجبار ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاری در اسناد مناقصه حذف شد

موضوع حذف شرط اجبار ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاری در اسناد مناقصه، توسط کمیسیون انرژی اتاق ایران، فدراسیون صنعت نفت ایران و تشکل‌های زیرمجموعه فدراسیون صنعت نفت ایران و دبیرخانه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی از جمله سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران پیگیری می‌شد، روز هفتم مردادماه به تصویب رسید. هیات وزیران با پیشنهاد معاون حقوقی رئیس‌جمهور و همکاری سازمان برنامه و بودجه و کمیته حمایت از کسب و کار اتاق ایران، مصوبه‌ای را به تصویب رساند که براساس آن، شرط اجبار به ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی

پیمانکاری در اسناد مناقصه حذف می‌شود. معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری، خرداد ماه با دعوت از ذی‌نفعان بررسی این موضوع را در دستور کار قرار داد و در هفدهم تیرماه ۱۴۰۳ در مکاتبه‌ای از هیات دولت پیشنهاد حذف این موضوع را درخواست کرد. فعالان اقتصادی، هم شرط اجبار ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاری در اسناد مناقصه را به عنوان یکی از مقررات مخل کسب و کار در حوزه مناقصات می‌دانند و انتظار می‌رود حذف این مورد، تأثیر مثبتی بر بهبود محیط کسب و کار داشته باشد. این الزام که از سال ۱۳۹۷ برای پیمانکاران مقرر شده بود، باعث اعتراض بخش خصوصی

و فعالان اقتصادی شده بود. آن‌ها معتقد بودند که بررسی ایمنی باید در حین احراز صلاحیت پیمانکار و اجرای پروژه صورت گیرد و نظارت پسینی اهمیت بیشتری دارد. همچنین، برخی از شرکت‌ها که پیش‌تر گواهینامه‌های صلاحیت ایمنی بین‌المللی یا تاییدیه‌های خاص دستگاه‌های اجرایی را دریافت کرده بودند، به دلیل این شرط از شرکت در مناقصات محروم شده بودند. موضوع حذف این شرط ابتدا در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و سپس در کمیته حمایت از کسب و کار مطرح شد و منجر به صدور مصوباتی جهت پیشنهاد اصلاح مقرر شد. ۸ مرداد



# مبادله تفاهم نامه همکاری شورای هماهنگی با مجلس شورای اسلامی

تفاهم نامه همکاری شورای هماهنگی با مجلس با هدف ایجاد هم افزایی و ظرفیت سازی میان مجلس و شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور، و به منظور استفاده از توانایی های عوامل نظام فنی و اجرایی کشور (مهندسان مشاور، پیمانکاران، سازندگان و تامین کنندگان) در راستای تصمیم سازی برای رفع موانع و مشکلات صنعت احداث و انرژی با تاکید بر بهره وری و بهبود رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور، میان شورا و مجلس شورای اسلامی منعقد، مبادله و ابلاغ شده است.

مهندس اشرتی، دبیر شورای هماهنگی تشکل ها طی نامه ای از تشکل های عضو دعوت به عمل آورده اولویت ها و پیشنهادهای خود را در حوزه پنجگانه راهبردهای مندرج در این تفاهم نامه به دبیرخانه شورا اعلام نمایند.

شماره: ۱۵۶۵۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰  
پست: دارد  
مجلس شورای اسلامی



معاونت نظارت

**جناب آقای دکتر مقدس زاده اردبیلی**  
رئیس محترم شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور

با سلام و احترام

به پیوست یک نسخه از تفاهم نامه همکاری آن شورا و این معاونت که با هدف ایجاد هم افزایی و ظرفیت سازی بین قوه مقننه و عوامل نظام فنی و اجرایی کشور در راستای تصمیم سازی برای رفع موانع و مشکلات صنعت احداث و انرژی و بالتبع افزایش بهره وری، بهبود رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور منعقد شده است، برای صدور دستور هماهنگی و اقدام لازم ارسال می گردد.

**یزمان یشمچی زاده**  
معاونت نظارت

تهران، میدان بهارستان - مجلس شورای اسلامی - معاونت نظارت رئیس مجلس - کد پستی: ۱۱۵۷۶-۱۳۶۱۱

شماره: ۱۵۶۵۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰  
پست: دارد  
مجلس شورای اسلامی



معاونت نظارت

**راهبردها**

- ✓ همکاری مشترک در پشتیبانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در امور فنی و نظارتی برای بررسی طرح ها و لوایح و وضع قوانین جدید مرتبط با صنعت احداث و انرژی
- ✓ همکاری مشترک در پشتیبانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای اصلاح و تکمیل قوانین موجود مرتبط با صنعت احداث و انرژی
- ✓ همکاری مشترک با کمیته های تخصصی مجلس، مرتبط با صنعت احداث و انرژی
- ✓ همکاری مشترک با فراکسیون های تخصصی مجلس، مرتبط با صنعت احداث و انرژی
- ✓ همکاری مشترک در پشتیبانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی در امر نظارت بر اجرای قوانین مرتبط با صنعت احداث و انرژی

دستورالعمل نحوه تشکیل و اداره جلسات بنابر توافق طرفین تنظیم خواهد گردید. جلسات مشترک معاونت نظارت مجلس و شورای هماهنگی حداقل هر فصل یکبار تشکیل خواهد شد. مصوبات این جلسات بر اساس توافق طرفین این تفاهم نامه رسمیت دارد و گزارش فصلی مصوبات جلسات یاد شده توسط معاونت نظارت مجلس در اختیار ریاست مجلس قرار خواهد گرفت و پس از تأیید ابلاغ می گردد. بر اساس ضرورت و یا درخواست طرفین تفاهم نامه هر شش ماه یکبار جلسه مشترک با حضور ریاست مجلس برای ارائه گزارش و رصد اقدامات انجام شده تشکیل خواهد شد.

**معاونت نظارت**  
مجلس شورای اسلامی

**شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور**

شماره: ۱۵۶۵۰  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰  
پست: دارد  
مجلس شورای اسلامی



معاونت نظارت

**تفاهم نامه معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی و شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور**

نظر به اینکه مجلس شورای اسلامی همواره برای ایجاد تعامل سازنده بین خود و تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور در زمینه قانونگذاری و نظارت بر اجرای قوانین حوزه صنعت احداث و انرژی تلاش می کند، از این رو این تشکل ها را به همکاری دعوت نموده است.

از آنجایی که تعامل فی مابین می تواند در راستای همکاری سازنده تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور در تصمیم سازی برای رفع موانع و مشکلات صنعت احداث و انرژی، بهبود رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور، مؤثر باشد، لذا معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی و شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور (شورای هماهنگی) به منظور تعامل سازنده و هم افزایی، بررسی، تبادل نظر، همفکری و تصمیم سازی مشترک، همکاری و تعامل فی مابین را بر اساس هدف، مأموریت ها و راهبردهای به شرح زیر برقرار می نماید.

**هدف**

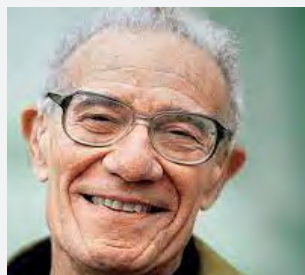
ایجاد هم افزایی و ظرفیت سازی بین قوه مقننه و عوامل نظام فنی و اجرایی کشور (مهندسان مشاور، پیمانکاران، تأمین کنندگان و سازندگان) در راستای افزایش بهره وری کشور، بهبود رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور.

**مأموریت**

ایجاد تعامل و هم افزایی بین مجلس شورای اسلامی و شورای هماهنگی تشکل های مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور بر اساس حقوق و وظایف متقابل برای شناسایی و بررسی چگونگی رفع مشکلات و موانع در قوانین موجود، نیاز به قوانین جدید و بهبود رویه های نظارتی در حوزه صنعت احداث و انرژی برای بهبود رشد اقتصادی و توسعه پایدار کشور.



# پایه گذار مدل رشد اقتصادی



رابرت سولو اقتصاددان شهیر آمریکایی را به نوعی پدر نظریات رشد اقتصادی می‌دانند چرا که احتمالاً اولین اقتصاددانی بود که به وضوح و با جزئیات توضیح داد که نحوه رشد اقتصادی به چه عواملی بستگی دارد و داده‌های معقولی برای آزمودن مدل خود در دست داشت که واقعیت را تا حد زیادی توضیح می‌داد.

به گزارش تجارت فردا، او با این توضیح خود، درست در سال‌های میانی قرن بیستم، توانست درک جدیدی از مسئله رشد به ما بدهد که عملاً می‌توان ادعا کرد تمامی پیشرفت‌های بعدی در مدل‌سازی و حتی مدل‌های رشد درون‌زا به نوعی در ادامه کار او بوده‌اند. او حدود سه دهه بعد برای این دستاورد و تأثیر بزرگش در ادبیات اقتصاد رشد جایزه نوبل را به خانه برد. اتفاقی که اکنون ۳۳ سال (۱۹۸۷ میلادی) از آن می‌گذرد. حالا دهه‌هاست که سولو به جزء ثابت کتاب‌های دانشگاهی اقتصاد کلان در مبحث رشد تبدیل شده است.

می‌توان ترسیم و فاصله‌ها و تفاوت‌های میان آن را تبیین کرد. اما پیش از پرداختن به این موضوع، نکات تکنیکی و فروض این مدل را مرور می‌کنیم تا تصویر بهتری از دلالت‌های مربوط به آن داشته باشیم.

## جزئیات تکنیکی

در یک نگاه کلی فرضیه اصلی مدل این است که سرمایه به کاهش درآمد در یک اقتصاد بسته یعنی بدون تجارت بستگی دارد. حال با توجه به ثابت بودن سهم نیروی کار، تأثیر بر خروجی آخرین واحد سرمایه انباشته‌شده همیشه کمتر از قبل خواهد بود که این امر نکته مهمی در تبیین مدل است. به عبارت بهتر این فرض حاکی از آن است که در برخی موارد مقدار سرمایه جدید تولیدشده فقط به اندازه کافی برای پرداخت میزان سرمایه‌های که از دست رفته به دلیل استهلاک صرف شده است. این تناظر و تعادل، بستری مناسبی برای تحلیل براساس پیشرفت تکنولوژیک یا رشد نیروی کار، فراهم می‌کند که براساس آنها می‌توان دریافت که منشأ اصلی رشد از کجاست. به صورت یک فرض پایه‌ای نیز، در کوتاه‌مدت، نرخ رشد رو به کاهش می‌گذارد و بازده‌ها کاهش می‌یابد و اقتصاد همگرا به حالتی پایدار و ثابت از نظر نرخ رشد می‌رسد در واقع این امر به این معنی است که رشد اقتصادی در سرانه اتفاق نمی‌افتد. حال با فرض پیشرفت تکنولوژیک غیرصفر حالت پایدار جدیدی رخ می‌دهد که در آن با خروجی ثابت در هر ساعت، کارگر مورد نیاز برای یک واحد خروجی را می‌توان محاسبه کرد. با این حال، در این حالت، تولید سرانه به میزان نرخ پیشرفت تکنولوژیک در «حالت پایدار» یا همان میزان معین رشد بهره‌وری، رشد خواهد کرد. علاوه بر این، فرض ضمنی دیگر بر این استوار است که اقتصاد به اندازه کافی از مزایای تقسیم کار بهره‌مند شده است و دیگر تقسیم کاری صورت نمی‌گیرد. این امر می‌تواند فضای بیشتری برای تفسیر نقش تکنولوژی در مدل به‌دست دهد. اما همچنان به دلیل برون‌زا بودن آن، صحبتی درباره منشأ این پیشرفت تکنولوژیک نمی‌کنند. همچنین دیگر نهاده‌های تولید یعنی دانش و

معین می‌شود. البته برون‌زا گرفتن این عامل سبب می‌شود مدل نتواند توضیح چندانی درباره نحوه ایجاد این پیشرفت تکنولوژیک ارائه دهد. از لحاظ تکنیکی مدل رشد سولو به‌عنوان یک مدل رشد برون‌زا، تلاش می‌کند در افق زمانی بلندمدت رشد اقتصادی را توضیح دهد. عمدتاً سه عامل در این راستا به مدل کمک می‌کند: اول انباشت سرمایه، دوم رشد جمعیت یا نیروی کار و نهایتاً افزایش بهره‌وری که همان پیشرفت تکنولوژیک است که از آن سخن به میان رفت.

در واقع سولو مدل هارود-دومار را با اضافه کردن کار به‌عنوان یک عامل تولید و نسبت سرمایه به‌عنوان خروجی بسط داد. این تصحیحات مدل را قادر می‌کند تا شدت سرمایه‌ها را از پیشرفت تکنولوژی متمایز کند. سولو عملکرد تولید نسبتاً ثابت را به‌عنوان یک فرض مهم برای بی‌ثباتی در مدل هارود-دومار می‌بیند. برای گذر از این تنگنا او با بررسی مفاهیم جایگزین، یعنی تابع تولید کاب-داگلاس، و منعطف ساختن مدل، آن را یک گام به جلو می‌برد. در واقع یک نقد اساسی به مدل هارود-دومار این است که بخش اصلی مدل به رشد اقتصادی مربوط نیست و به‌طور صریح از عملکرد تولید نسبتاً ثابت استفاده نمی‌کند. سولو از این مسئله برای بررسی دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت بهره می‌گیرد. در واقع از منظر مدل او، در کوتاه‌مدت، رشد از طریق حرکت به حالت پایدار جدید که تنها از تغییرات سرمایه‌گذاری، رشد نیروی کار و استهلاک ایجاد می‌شود، تعیین می‌شود. در حالی که تغییر در سرمایه از تغییر در نرخ پس‌انداز است. اما در بلندمدت مسئله متفاوت‌تر می‌شود. سولو براساس مدل خود و با مشاهده برخی داده‌ها پیش‌بینی می‌کند که در بلندمدت اقتصادها به حالت تعادل پایدار خود نزدیک می‌شوند و در نتیجه این امر رشد دائمی تنها می‌تواند از طریق پیشرفت تکنولوژیک قابل دستیابی باشد. به عبارت بهتر، حالا در بلندمدت هم تغییر در پس‌انداز و هم تغییر در رشد جمعیت باعث اثرات سطحی می‌شوند که در اینجا یعنی همان ارزش مطلق درآمد واقعی سرانه. مسیر رشد بسیاری از کشورها را بر همین اساس

سولو که با بورسیه تحصیلی ممتاز به قصد خواندن جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و البته اقتصاد وارد دانشگاه هاروارد شده بود، پس از دو سال تحصیل را رها کرد و به ارتش آمریکا پیوست. رفتن به شمال آفریقا و سپس سیسیل ایتالیا در سال‌های جنگ جهانی دوم تجربه متفاوتی برای او رقم زد. او پس از جنگ برای ادامه تحصیل به دانشگاه ام‌آی تی رفت و این بار بر اقتصاد متمرکز شد. طولی نکشید که در سال ۱۹۵۲ به تدریس در آنجا پرداخت و چهار سال بعد مدل رشد معروفش را که موضوع نوشتار حاضر است ارائه کرد. آنچه در ادامه این نوشتار می‌آید مختصری است در توضیح پیچیدگی‌های تکنیکی و دلالت‌های سیاسی این مدل. بی‌شک رابرت سولو را باید یکی از معروف‌ترین و تأثیرگذارترین اقتصاددانان زنده حال حاضر جهان دانست.

## خاستگاه رشد

در واقع مدل رشد سولو به گونه‌ای که امروز می‌شناسیم ابتدا از سوی ترور سوان در سال‌های میانی دهه ۱۹۵۰ معرفی شد اما جزئیات تکنیکی مدل سولو از ابتدا با اقبال بیشتری مواجه شد. در این مدل عوامل اثرگذار یا تعیین‌کننده رشد اقتصادی به دو مولفه تقسیم می‌شوند؛ اول افزایش در نهاده‌های تولید که همان نیروی کار و سرمایه است و دیگری پیشرفت‌های تکنولوژیک. در واقع به‌طور دقیق‌تر، اندکی پس از معرفی این مدل از سوی سوان، سولو با داده‌هایی که از اقتصاد آمریکا جمع‌آوری کرد به این نتیجه رسید که حدود ۸۰ درصد از رشد تولید به ازای هر واحد نیروی کار در نتیجه پیشرفت‌های تکنولوژیک حاصل شده است و برخلاف تصور رایج تا آن زمان، سرمایه نقش چندانی در این موضوع ایفا نمی‌کند. این مدل را می‌توان تا زمان خود جدی‌ترین مدل رشد نئوکلاسیک به حساب آورد که در آن نرخ رشد بلندمدت به صورت برون‌زا تعیین می‌شود و وجه تسمیه یا دلیل نام‌گذاری آن هم از همین‌رو است. در واقع مدل سولو را می‌توان تبیین دقیق ریاضی مدل هارود-دومار دانست با این تفاوت که نرخ رشد بلندمدت در مدل قبلی بر مبنای نرخ پس‌انداز است اما در سولو براساس رشد تکنولوژی



پيام‌آبادگران

مردادماه ۱۴۰۳

شماره ۴۱۸



نیروی کار نیز چندان در تحلیل، نقش جدی ندارند و از نظر سرمایه که در اینجا عمدتاً یعنی زمین و منابع طبیعی و دیگر ابزارهای لازم، محدودیت چندان بر سر راه نیست. این امر سبب می‌شود با یک تقریب خوب از تعمیم‌پذیری بتوان براساس انباشت سرمایه و پیشرفت‌های تکنولوژیک، میزان رشد اقتصاد یک کشور را طی زمان بررسی و محاسبه کرد. در مدل سولو به‌طور دقیق‌تر دو مفهوم سرمایه‌گذاری واقعی و سرمایه‌گذاری سربه‌سر در راستای محاسبه میزان سرمایه در ازای نیروی کار موثر نقش کلیدی دارند تا جایی که به نقطه‌ای برسیم که در آن نرخ رشد سرمایه بر حسب نیروی کار موثر معادل صفر است. این مدل علاوه بر فروض تکنیکی گفته‌شده در بالا، برخی ساده‌سازی‌ها را هم برای ترسیم یک تصویر پایه‌ای از واقعیت در خود لحاظ کرده است که هنگام بررسی و تحلیل مسئله رشد باید به آنها توجه کافی داشت. در اینجا ضروری است گفته شود که این ساده‌سازی‌ها می‌توانند در قدم اول تصویر بهتری برای درک اثر خالص هر عامل بر مسئله رشد به‌دست دهند. در واقع می‌توان در نهایت فهمید که چه عواملی مستقیم و غیرمستقیم بر رشد تاثیر دارند. این ساده‌سازی‌ها از آنجا اهمیت دارند که سولو با درج تابع تولید خاص غیرخطی که تنها سه نهاد دارد سعی کرد برخی مفاهیم به نوعی اقتصاد خردی را در مدل‌سازی خود جای دهد. فروضی که ضروری است آنها را در نظر داشته باشیم در ادامه آمده‌اند. اول اینکه فرض می‌شود در این مدل تنها یک کالا وجود دارد. دوم، در اقتصاد مورد نظر ما، دولت وجود ندارد، سطح ثابتی از اشتغال مدنظر بوده است و نوسانات اشتغال در نظر گرفته نشده است. در نهایت نیز هنگامی که صحبت از نرخ‌های مختلف از جمله نرخ پس‌انداز و استهلاک و رشد جمعیت و حتی پیشرفت تکنولوژیک به میان می‌آید، فارغ از منشا هر یک باید توجه داشت که این نرخ‌ها ثابت فرض شده‌اند. این مدل در نهایت میزانی از تغییر ناخواسته در میزان رشد پس از حسابداری را به‌دست می‌دهد که به باقی‌مانده سولو معروف شده است. در واقع این قسمت از مدل همان میزان افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید است که طی یک دوره زمانی اندازه‌گیری می‌شود. در مدل سولو اغلب تمامی این افزایش از ناحیه پیشرفت تکنولوژیک که برون‌زا در نظر گرفته می‌شود به عمل می‌آید. اما هرگونه بهره‌وری از نوع دائمی در کارایی که به بهتر شدن مدیریت و عملکرد آن در بخش خصوصی یا عمومی دولت منجر شود در این قسمت جای می‌گیرد. استفاده از این مفهوم افزایش در بهره‌وری کل اگرچه نواورانه بوده است، اما محدودیت‌هایی نیز دارد. برای مثال یکی از اصلاح‌هایی که می‌توان در این مدل رقم زد این است که میانگین بهره‌وری کار خروجی به ازای هر ساعت را جایگزین بهره‌وری کل کنیم. یا به یک میانگین وزنی از بهره‌وری سرمایه و نیروی

کار متوسل شویم.

### دلالت‌هایی برای توسعه

مدل سولو دلالت‌های جدی برای معمای رشد اقتصادی کشورها در نیمه قرن بیستم داشت. برای مثال یک برون‌داد جالب که از مدل سولو منتج می‌شود این است که کشورهای فقیر باید سریع‌تر رشد کنند و در نهایت به کشورهای ثروتمندتر برسند. طی این حرکت، تفاوت در درآمد واقعی ممکن است کاهش یابد، زیرا کشورهای فقیر تکنولوژی و اطلاعات بهتر را دریافت می‌کنند. در واقع می‌توانند آن را سریع به خدمت بگیرند. دلالت جالب دیگر مدل سولو به مسئله همگرایی یا واگرایی در مسیر رشد کشورها و دلایل پیرامون آن بازمی‌گردد که شاید بتوان گفت یکی از جذاب‌ترین پیامدهای فرعی مورد انتظار از مدل رشد سولو بوده که باعث شهرتش نیز شده است. در واقع این مدل پیش‌بینی می‌کند که با افزایش سرمایه انسانی، سطح درآمد کشورهای فقیر با سطح درآمد کشورهای ثروتمند، چگونه تغییر می‌کند و چه تاثیری بر میزان پس‌انداز مورد نیاز آنها برای همگرایی طبق یک شرایط خاص می‌گذارد.

با این حال می‌دانیم که نرخ پس‌انداز در کشورهای مختلف متفاوت است. این مسئله در جای خود به سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی نیز بازمی‌گردد. برای مثال عموماً واضح است که در کشورهای در حال توسعه محدودیت‌های قابل توجه مالی برای سرمایه‌گذاری در مدارس وجود دارد و از همین‌رو نرخ پس‌انداز سرمایه انسانی ماحصل ترکیبی از ویژگی‌های فرهنگی و ایدئولوژیک هر کشور خواهد بود. تصویر بزرگی که از وضعیت اقتصاد جهانی با مدل سولو به‌دست می‌آوریم این است که از دهه ۱۹۵۰ میلادی تولید در کشورهای ثروتمند و فقیر به‌طور کلی همگرایی نداشته است، اما کشورهای فقیر که میزان پس‌انداز خود را به شدت افزایش داده‌اند، توانسته‌اند با استفاده از همگام‌سازی درآمد میزانی از رشد و همگرایی را تجربه کنند که این امر را می‌توان در پیش‌بینی‌های مربوط به مدل سولو نیز مشاهده کرد. در واقع می‌توان گفت در آن زمان سولو توانسته بود تصویری واقع‌بینانه از وضعیت اقتصادی کشورها به‌طور مقایسه‌ای به‌دست دهد که پیش‌بینی تقریباً خوبی هم از دهه‌های بعد از آن داشت. نباید فراموش کرد که مفهوم رشد در نهایت در بلندمدت مدنظر است و همین‌طور است در مورد همگرایی و واگرایی کشورها. برای مثال می‌توان به ژاپن نگاه کرد که طی دو دهه از نیمه قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰ توانست با افزایش نرخ پس‌انداز رشدی سریع را تجربه کند که این امر با پیش‌بینی مدل سولو مطابقت دارد.

این پرسش که چرا کشورها چنین مسیرهای متفاوتی را در رشد و توسعه برگزیده‌اند و آیا

اصلاً برگزیده‌اند یا شرایط آنها را به این‌سو سوق داده است همواره مورد بررسی و تحقیق اقتصاددانان از ابتدای پیدایش علم اقتصاد بوده است، بنابراین سولو و کارهایش را نیز نمی‌توان از این مسیر جدا دانست. کاری که او با مدلش سعی در توضیح آن دارد به نوعی به همین سوال هم می‌خواهد برسد و تا حدی می‌تواند به آن پاسخ دهد. منتها از نظر تکنیکی مسئله اصلی و مورد بحث این است که تحت چه شرایطی می‌توانیم بهره‌وری در مدل سولو را شرطی بدانیم و به یکسری عوامل مشابه نسبت بدهیم یا آن را به ویژگی‌های اقتصادی و سیاست‌های آموزشی و تربیاتی درون اقتصاد منتسب بدانیم. از آنجا که در مدل یادشده اقتصاد یک اقتصاد بسته بود، پس نقش تجارت آزاد و سیاست‌های تجاری را چگونه می‌توان دید. اینها نکاتی هستند که مدل سولو جواب چندان مشخصی در نگاه اول برای آنها ندارد. در واقع در قدم بعد باید گفت که به یکسری شواهد اضافی برای جواب دادن به این پرسش‌ها نیاز داریم. اول اینکه داده‌های بیشتری داشته باشیم. در واقع با نگاهی به برخی کشورها نیز نمی‌توان شواهد متقنی دال بر تایید همگرایی یافت. این مسئله در واقع همان نقطه گذری است که سبب شد دیگر نظریات رشد در ادامه کار به توضیح دقیق‌تر باقی‌مانده سولو و تغییر شیوه تصریح مدل بپردازند به گونه‌ای که پیشرفت تکنولوژیک یا هر عامل مشخص دیگری که می‌تواند بر رشد اثر داشته باشد و قابل اندازه‌گیری است و برای تبیین رشد توضیح‌دهندگی دارد در مدل آورده شود. ماحصل این راه بسط نظریات رشد به نظریات رشد درون‌زا بود که توضیح آن در این مجال نمی‌گنجد.

اما در نهایت آنچه مسلم است نظریه رشد برون‌زای سولو از دهه‌ها قبل توانست راهی جدید به سوی درک چرایی فاصله و شکاف میان کشورها باز کند. این مسیر در گام نخست آنچنان تبیین شگفت‌انگیز و جالبی داشت که سبب شد نه‌تنها مقالات بسیاری بر پایه این مدل، داده‌های تجربی مختلفی را امتحان و ارزیابی کنند بلکه بتوانند با استفاده از آنها پرسش‌های بیشتری را مطرح کنند؛ پرسش‌هایی که زمینه‌ساز توسعه هرچه بیشتر مدل‌های مربوط به اقتصاد رشد در دهه‌های پس از آن شد. سخن پایانی اینکه که رابرت سولو که اکنون نزدیک به صد سال دارد، می‌تواند از دستاوردی که برای علم اقتصاد بر جا گذاشته است خشنود باشد. دستاوردی که کمیته اهدای نوبل نیز در نهایت آن را ارج نهاد و همکاران و شاگردان سولو نیز بعدها از دلالت‌های مربوط به آن بهره جستند. بدون شک، سولو با این دستاورد، نامی ماندگار در ادبیات اقتصاد رشد و اقتصاد کلان بوده و همچنان است.

دستگاه تصفیه هوا



## مدل A6

- فیلتر کامپوزیتی ۳۶۰
- ضد عفونی UVC
- قابلیت کنترل از طریق اپلیکشن
- نمایش لحظه‌ای میزان آلودگی‌ها



حذف میکروارگانیسم‌ها



حذف‌کننده دود سیگار و آلاینده‌های گازی



موتور DC برای مصرف بهینه انرژی



حذف‌کننده ذرات PM2,5



اتصال به وای فای



عملکرد فوق کم صدا



## در خدمت سلامت جامعه

ما اعتقاد داریم که توجه به سلامت افراد جامعه، نه تنها پایه گذار توسعه پایدار و شکوفایی اجتماعی، بلکه وظیفه‌ای انسانی است. با توجه به چالش‌های افشار کم‌برخوردار در دسترسی به خدمات بهداشتی، تلاش کرده‌ایم اقدامات موثری را برای ارتقای سلامت آنها انجام دهیم. هدف ما ایجاد شرایطی است که همه افراد، بدون توجه به وضعیت اقتصادی یا جغرافیایی، بتوانند از خدمات درمانی مناسب بهره‌مند شوند.

بانک خاورمیانه تاکنون در اقداماتی از جمله تجهیز کلینیک و بیمارستان‌ها، تهیه اقلام بهداشتی و دارو، تامین درمان و پیوند عضو سهیم بوده است. ما تلاش کرده‌ایم این اقدامات را با همکاری مراکز درمانی و موسسات نیکوکاری معتبر در سراسر کشور اجرا کرده و به وظیفه خود در راستای توسعه سراسری امکانات بهداشتی و درمانی در کشور عمل کنیم.



بانک خاورمیانه  
Middle East Bank



[www.middleeastbank.ir](http://www.middleeastbank.ir)  
[info@middleeastbank.ir](mailto:info@middleeastbank.ir)